



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

آثار و پیامدهای

حجاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آثار و پیامدهای حجاب

نویسنده:

محمدحسین درافشان

ناشر چاپی:

پیام زن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	آثار و پیامدهای حجاب
۷	مشخصات کتاب
۷	حجاب به زن حرمت می بخشد
۱۰	حجاب، رسانه‌های جمعی و هویت ما
۱۴	حجاب و امنیت اجتماعی
۱۸	حجاب و امنیت اجتماعی
۲۱	عفاف در پرتو حجاب
۲۴	چرا مسأله حجاب بیشتر روی زنان تکیه شده است؟
۲۶	آثار و فواید حجاب
۲۸	حفظ حجاب و سلامت روانی جامعه
۲۸	کارکردهای مختلف حجاب
۲۹	حجاب قرآنی و نقش آن در نهاد خانواده
۳۴	پوشش درمیان اعضای یک خانواده اسلامی
۳۵	آثار حجاب
۴۰	حجاب زنان ، طرحی برای پایداری عفاف آنان
۴۶	حیا و عفاف عامل زندگی زیبا
۴۷	حجاب و استحکام خانواده
۵۴	امنیت در سایه حجاب
۵۹	حجاب پیام عاشورا
۵۹	آثار و فواید حجاب و پوشش
۶۱	حجاب، هویت مذهبی من است
۶۵	چه لذتی دارد این حجاب

- ۶۵ ..... حجاب و حفظ نشاط جنسی
- ۶۷ ..... حجاب دژ عفت و کرامت
- ۶۹ ..... حجاب و امنیت اجتماعی
- ۷۳ ..... آثار اجتماعی حجاب در جامعه
- ۷۸ ..... آثار حجاب
- ۸۱ ..... حجاب مختص زنان !!!
- ۸۳ ..... حجاب؛ خاموش کننده عطش غرایز
- ۸۵ ..... حجاب ، عامل افزایش اعتماد به نفس
- ۸۶ ..... حجاب، چتر امنیت
- ۸۷ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## آثار و پیامدهای حجاب

## مشخصات کتاب

سرشناسه: درافشان، محمدحسین عنوان و نام پدیدآور: آثار و پیامدهای حجاب/محمدحسین درافشان منشا مقاله: پیام زن، ش ۱۸۴، ۱۸۵، تیر و مرداد ۱۳۸۶: ص ۱۳۴ - ۱۴۳ توصیفگر: حجاب توصیفگر: فرهنگ اسلامی توصیفگر: تهاجم فرهنگی توصیفگر: افت آموزشی توصیفگر: زنان توصیفگر: رذایل اخلاقی [۱] توصیفگر: جامعه شناسی

## حجاب به زن حرمت می بخشد

پوشیدگی بدن انسان‌ها در برابر یکدیگر از مباحث بسیار مهم و اساسی است که از دیرباز مورد توجه بوده است. پاسخ به این پرسش که برهنگی خلاف طبیعت و فطرت انسان است یا خیر، از مسائل مهم و تعیین کننده در حوزه تنظیم روابط اجتماعی زن و مرد است. قرآن کریم در این زمینه آن گاه که داستان آفرینش حضرت آدم و همسرش حوا را به تصویر می کشد، به موضوع نیاز درونی آدم و حوا نسبت به پوشیدگی اشاره کرده است که نشان می دهد قرآن تمایل به پوشیدگی را ناشی از عمق جان انسان می داند. قرآن کریم پس از بیان مسئله جای گرفتن حضرت آدم و همسرش در بهشت (اعراف، ۱۹) و تأکید خداوند بر خودداری آن دو از نزدیک شدن به درخت ممنوعه، ماجرای وسوسه و فریب شیطان را چنین شرح می دهد: شیطان آن دو را وسوسه کرد تا زشتی هایشان آشکار شود و آن دو نیز به سبب این فریب از میوه درخت ممنوعه چشیدند و در این هنگام اندام هایشان (عورت هایشان) بر آنها آشکار شد و آنان بر آن شدند تا با برگ های (درختان) بهشت خود را بپوشانند. (اعراف- ۲۲) در ادامه، خداوند خطاب به همه انسان ها می گوید: «ای فرزندان آدم به راستی برای شما لباس فرو فرستادیم که زشتی های شما را می پوشاند و زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است.» (اعراف ۲۶) «عفاف» یا «عفت» یکی دیگر از فضایل اخلاقی است که همواره در تعالیم اسلامی جایگاه والایی داشته و توجه خاصی بدان شده است. در روایات متعددی عفاف بهترین عبادت شمرده شده است. امیرالمومنین علی (ع) آن را بهترین خوی و خصلت و سرمشء هر خیر و نیکی خوانده و مقام و منزلت عقیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه کرده است. تمایز مفهومی «عفاف و حجاب» «حجاب» یک امر ظاهر و بیرونی است؛ یعنی درحقیقت پوشش ظاهری افراد، به ویژه زنان راحجاب می گویند. اما «عفاف» یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام بازمی دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند. از مقایسه معنای حجاب و عفاف به این نتیجه می رسیم که عفاف یک حالت نفسانی و درونی است که نمودهای گوناگون دارد از جمله عفت در نگاه، عفت در گفتار، عفت در راه رفتن، عفت در زینت، عفت در پوشش، عفت در خوردن، عفت در بعد مادی و... حجاب در حقیقت همان نمود «عفاف» در نوع پوشش است عفاف در آموزه های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به عنوان قوی ترین نیروی تعدیل غرایز و شهوات انسانی یاد می شود آنچه که تاکنون از مفهوم واژه «عفاف» به ذهن متبادر می شده و براساس تعالیم اخلاق مذهبی شکل گرفته است. استعمال این واژه در معنای خاص «حجاب» می باشد که این طریق استعمال از قبیل استعمال کل در جزء است. باید دانست معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است، عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام بازمی دارد اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد؛ درحالی که حجاب امری ظاهری و بیرونی است. در هر حال باید دانست که رعایت عفاف می تواند تعیین کننده ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نایل گرداند. مهمترین اثرات فردی و اجتماعی حجاب و عفاف حرمت بخشیدن به زن: زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهوانی و

حیوانی است چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید هر بیمار دلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند، آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و در نتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده در چنگال بیمار دلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانی سقوت کرده و به غرقاب حیوانیت می رود. کلام گوهر بار فاطمه زهرا (س) نشانگر لزوم تحفظ بر جایگاه والای زن است که فرمود: بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند. ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه: نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: در سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیر قابل انکار دارد. حفظ و استیفای نیروی کار: اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیت اجتماعی آنان می گردد. قرآن کریم التزام زنان مؤمن به پوشش اسلامی را موجب سعادت و خیر آنان بیان کرده است چنانکه چنین التزامی را موجب پاکیزه شدن نفس فلاح و رستگاری مسلمانان، خیر و سعادت و طهارت و پاکیزگی قلب ها می داند. بنابراین ضدحجاب و پوشش اسلامی، یعنی بدحجابی، مفسد این خیر، فلاح و صلاح است بی حجابی، جامعه و زن مسلمان را از خیر صلاح و رستگاری دور می سازد و به ورطه نیستی و محرومیت سوق می دهد. هر یک از جوامع بشری در طول تاریخ حیات خود به شکل های مختلف، فتنه انگیزی و فسادگری پدیده بی حجابی را تجربه کرده و کم و بیش حقانیت توصیه ادیان ابراهیمی را درک کرده است. وضوح این تجربه به حدی است که جایی برای پرسش از حقانیت توصیه های قرآنی و سایر کتب آسمانی مبنی بر مفسده انگیزی بی حجاب باقی نمی گذارد. به ویژه در دنیای مدرن سوداگری که فقط در فکر انباشت ثروت و قدرت و ترویج فرهنگ اباحه گری و اصالت لذت است، کاملاً بر کارکردها و آثار تخریبی و انحرافی بی حجابی و بدحجابی آشناست. رواج فرهنگ برهنگی برنده ترین تیغ در دست هر فرد یا گروه مفسده جو است. هرگز کسی یافت نمی شود که علیرغم اخلال گرایی نیست که فتنه انگیزی و فسادآوری بی حجابی را انکار کند. در مجموع خیر بودن حجاب به نوعی فلسفه حجاب است. حجاب فرد و جامعه را از لبه پرتگاه تباهی و انحطاط، از افتادن در گردونه نیستی دور ساخته و نجات می دهد. کاهش تقاضای مدپرستی بانوان: استفاده از حجاب و پوشش به ویژه در شکل چادر مشکی به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند در بعد اقتصادی نیز تاثیر مثبت در کاهش تقاضای مدپرستی بانوان داشته باشد البته به شرط اینکه خود چادر مشکی دست خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می گردد. به گونه ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارد روی می آورند. مبارزه با نفس: میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدف والا- به کار گرفته شود. بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات زندگی، سودمند خواهد شد. چرا که هیچ گرایش درونی بدون جهت در جان انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعاً فساد آفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری در جامعه تاثیر خواهد کرد، پوشش را می توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. اشاره لطیفی به این مطلب در کلام علی (ع) است «زکات الجمال، العفاف» زکات زیبایی، عفاف است. ۶ زیبایی برای زن، سرمایه است اما باید به



جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر این غریزه را جهت می دهد که خود آرائی زن مختص به شوهر باشد و منع آن در برابر نامحرم، این گامی در جهت مبارزه با سایر خواهشهای نفسانی باشد. وقتی زن در جهت کنترل این خواهش، اقدام نمود آمادگی غلبه بر سایر خواهشها را تحصیل کرده و در جهت رشد و تعالی خود حرکت می کند و به انسانی وارسته تبدیل می شود که می تواند جامعه خود را بسازد. حفظ امنیت اجتماعی: فریضه حجاب در اسلام بر این نکته دلالت دارد که عرض و ناموس جزئی از حریم شخصی است و همواره باید دغدغه حفظ و حراست آن راداشته باشیم و چنین نگرانی برای دینداران جا دارد. وقتی یک مؤمن مالی را از دست بدهد یا ورشکسته شود احساس تحقیر و تعرض شخصیتی نمی کند اما هنگامی که تهدیدی علیه عرض و آبروی او پیش آید به شدت احساس تحقیر شخصیتی می کند. از این رو حجاب سپری در برابر هرگونه تعرض و تجاوز به حریم ناموسی شخص مسلمان است. حجاب اسلامی به زن مسلمان احساس امنیت و آرامش می بخشد زیرا مانع از دست دادن عرض و ناموس او می شود. به همین خاطر است که نباید حجاب اسلامی را محدودیت تلقی کرد، بلکه مصونیت دانست؛ صیانت در حریم شخصیتی که با هیچ چیز نمی توان آن را معامله کرد. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب: مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است به عنوان نمونه فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده اند، گفت: «می ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!». حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک روابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل به شرکت در فعالیتهای هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می کنند. حفظ حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی مسئولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می کند. حفظ استحکام نظام خانواده: یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده می گردد و برعکس فقدان حجاب باعث انهدام خانواده است. غلامعلی حداد عادل تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تومنند خانواده را این گونه بیان کرده است: در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند، زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیدا است که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد، در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوانتری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. از دیگر آثار فردی و اجتماعی حجاب و عفاف به موارد دیگری چون: - جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی - حضور معنوی گرایانه زن و مردان در جامعه - مصونیت زنان در همه زمان ها و مکان ها - هدایت کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی - از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار، نیز میتوان اشاره نمود. رعایت حجاب و پوشش اسلامی عفاف برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان تکلیف الهی است. رعایت آن علاوه بر این که

موجب عمل به دستورات الهی می شود شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محبوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به سزایی ایفا می کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمامی آلودگی ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در اجتماعات فراهم شود.

### حجاب، رسانه‌های جمعی و هویت ما

بازیگری فعال در عرصه انتقال اخبار و اطلاعات، تعامل و تضارب افکار و اندیشه‌ها، آموزش، پرکردن اوقات فراغت مخاطبان و... از وظایف رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری هر کشوری است؛ با این تفاوت که این رسانه‌ها باید وظایف خود را در آئینه باورهای دینی و ملی بنگرند. از آن جا که رسانه‌ها سنت‌های دینی و ملی هر قومی را احیا می کنند و حافظه تاریخی و جمعی مردم را با تکرار سنت‌های اجتماعی حفظ می نمایند، باید رسانه‌های جمعی هر کشوری نگهبان هویت دینی و ملی آن کشور خوانده شوند. از این رو اگر رسانه‌های جمعی، بدون در نظر گرفتن باورهای دینی و ملی نقش آفرینی کنند، دیگر رسانه آن قوم و تمدن خوانده نمی شوند. تبلیغ و ترویج هویت دینی و ملی و تلاش برای تثبیت آن، از وظایف انکارناپذیر رسانه‌های جمعی است. اما وقتی سخن از هجوم فرهنگی بر ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ملی به میان می آید، دفاع از هویت دینی و ملی نیز اهمیت می یابد و رسالت رسانه‌ها دو چندان می شود. تثبیت هویت شخصی از وظایف و نیز عوامل روی کرد افراد جامعه به سوی رسانه‌های جمعی کشور است و افراد منتظرند که در برخورد با کتاب، روزنامه، سینما، رادیو و تلویزیون، شاهد پیام‌هایی باشند که آنان را در پای بندی به سنت‌ها و باورهای دینی و ملی خود مستحکم تر بدارد. همدم شدن با افراد جامعه نیز از وظایف رسانه‌های جمعی به شمار می آید و این مهم زمانی صورت می گیرد که مردم، رسانه‌های جمعی را همدمی صادق بدانند که آئینه باورها و سنت‌های پذیرفته شده آنان شمرده شود. بی شک حجاب برای مردم این سرزمین، تنها یک واژه نیست؛ فرهنگی است که طی قرن‌ها حتی قبل از پذیرفتن مکتب حیات بخش اسلام، با آن زندگی کرده‌اند و امروزه هویت دینی و ملی و انقلابی آنان با دیگر تمدن‌ها و اقوام به شمار می رود و رسانه‌های جمعی باید از این هویت نگهبانی کنند و در تثبیت هویت شخصی مردم بکوشند و در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه، همدم و همراه مردم باشند. آیا حجاب هویت دینی، ملی و انقلابی ماست؟ آیا این هویت امروز مورد هجوم فرهنگی و تمدنی قرار گرفته است؟ آیا رسانه‌های جمعی، گذشته از تلاش برای تبلیغ و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، رسالت خود را در برابر فرهنگ مهاجم به نحو احسن انجام داده‌اند؟ حجاب از جنبه هویت، ابعاد گوناگونی دارد که عبارتند از: الف) حجاب هویتی دینی حجاب و پوشش در بینش توحیدی مردم این سرزمین قبل از آن که نیازی طبیعی باشد، امری فطری به شمار می آید و حتی خداوند نیز دارای حجاب است. در این جهان بینی، هشدار خداوند به بشر در پیروی نکردن از شیطان، مؤید این واقعیت است که شیطان انسان را به برهنگی و مخالفت با طبیعت و فطرت خود می خواند: «یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما لیربهما سؤالتهما» حجاب در جهان بینی ما آیه و فرمانی از سوی خداوند سبحان است: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها». حجاب حدودی دارد که هم فقهای شیعه آن را مشخص کرده‌اند و هم مفسران قرآن تبیین نموده‌اند و بهترین پوشش و حجاب برای زن مسلمان، همان پوشش حضرت زهرا (س) است. در بینش مردم ما، مخالفت با حجاب، مخالفت با آیه حجاب به شمار می آید و مخالفت با یک آیه قرآن، مساوی با مخالفت با کل قرآن است. امروزه حجاب، مشخصه مسلمانی زن ایرانی است و به تعبیر فرانتس فانون، شاید فردی تا مدت‌های زیادی با زندگی کردن با فرد مسلمان، نفهمد که مسلمان گوشت خوک نمی خورد و یا در روزهای ماه مبارک رمضان، روابط جنسی ندارد، اما به مرور زمان می تواند به مسلمان بودن او پی ببرد؛ ولی با دیدن چادر در همان لحظه نخست، می توان به مسلمان بودن جامعه پی برد و به تعبیر او «از روی طرز لباس

پوشیدن جامعه که به وسیله عکس‌ها و یا فیلم‌های مستند ارائه می‌شود، می‌توان در بدو امر نوع جامعه‌ای را شناخت.» (ب) حجاب هویتی ملی در میان اقوام و تمدن‌های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن‌های دیگر، کامل‌تر بوده است. از این‌رو، در هیچ کتیبه و نقش برجسته‌ای نمی‌توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد. روت ترنر در کتاب تاریخ لباس، به پرده‌نشین بودن زن ایرانی در عهد باستان چنین اشاره می‌کند: از زنان (ایرانیان باستان) شما اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی اجتماعی شرکت چندانی نداشتند. ماریا برسیوس نیز به پوشش کامل زن ایرانی در نقش‌های برجسته دوران هخامنشی چنین اشاره می‌کند: یک سوزن دوزی کشف شده در پهنه هخامنشی که چهار زن را در دو طرف عودسوزی نشان می‌دهد، بسیار چشم‌گیر است. این دیوار آویز که در گوری مدفون در زیر یخ در پازیریک پیدا شده، متعلق به دوره هخامنشی شناخته شده و تاریخ آن قرن چهارم قبل از میلاد است (رودنکو ۱۹۷۰: ۲۹۶ و P.I ۱۹۷۷ و منیر ۱۹۶۰) همین، در هر یک از چهار گوشه تصویر شده است. زنان لباس بلند و تزیین شده به تن دارند. هر چهار زن توری به سر دارند که از پشت سر آویزان است. دو زنی که نزدیک‌تر به عودسوز ایستاده‌اند، تاج بر سر دارند. در کتاب تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول به استفاده زن ایرانی از پوششی در دوره اشکانیان و ساسانیان اشاره شده است: لباس زنان در دوران ساسانی را عموماً پیراهنی یک‌دست و بلند و پرچین تشکیل می‌داد که گاهی آن را با نواری در زیر سینه یا کمی پایین‌تر جمع می‌کردند و می‌بستند. گاهی نیز قسمت انتهای دامن را به وسیله پارچه‌ای اضافی و پرچین پرچین‌تر می‌دوختند. هر دو این پیراهن‌ها آستین‌های بلند تا مچ دست‌ها و یقه‌ای گرد و ساده داشتند... هم‌چنین زنان ساسانی از نوعی چادر استفاده می‌کردند که در دوران قبل از آن نیز استفاده می‌شد. متون کهن و اشعار راویان ایرانیان باستان هم از پرده‌نشینی و پوشش کامل زن ایرانی حکایت دارند تا آن‌جا که فردوستی در خصوص زنان دربار پادشاهی می‌گوید: همه دخت شاهان پوشیده روی کسی کو نیامد ز پرده به کوی پسر هست و پوشیده رویان بسی چنین خسته و بسته هر کسی با روی آوری ایرانیان به اسلام، پوشش زن ایرانی کامل‌تر شد و چادر نیز بر پوشش‌های دیگر افزوده گشت. این روند تا بدان‌جا پیش رفت تا در دوره حکمرانان آل بویه، پوشیه هم افزوده شد: لباس زنان دیلمی تفاوتی با لباس زنان ایرانی همان دوره در نواحی خراسان و سیستان، با عراق و بغداد نداشت. چادر زنان دیلمی سیاه بود و با پارچه نازک ابریشمی (قعب) روی چهره خود را می‌پوشاندند. برادران شرلی در سفرنامه خود، حجاب زن ایرانی را در عصر صفویه چنین به تصویر می‌کشند: چادر و روبند بر سر دارند، به طوری که آفتاب هیچ‌وقت بر صورت آنها نمی‌تابد. زن‌ها هم مانند مردها شلووار و جوراب‌های مخملی گلی می‌پوشند. یوشیدا مساهارو، سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه، در مورد حجاب زن در دوره قاجار می‌نویسد: زن‌ها چادر بر سر می‌کردند که از سر تا به پایشان را می‌پوشاند و فقط چشم‌ها از پشت روبند توری که زیر چادر به صورت انداخته بودند، پنجره‌ای به بیرون داشت. در خیابان که به زن‌های ایرانی می‌رسیدیم، آنها چشم از ما برمی‌گرداندند و رویشان را سخت می‌گرفتند. در چند ماهی که ما اینجا بودیم، هرگز زنی رویش را به ما ننمود و نتوانستیم صورت زنان را بی‌حجاب و چادر ببینیم. در این وضع، زشت و زیبا، جوان یا پیر بودن زن‌ها را از روی رنگ و حالت دست‌هایشان که شاداب یا چروکیده است، قیاس و ارزیابی می‌کردیم. به اعتراف تمام جهان‌گردانی که در ادوار گوناگون به ایران سفر کرده‌اند، تا قبل از مسئله کشف حجاب رضاخانی، حتی بی‌حجابی در بین زنان اقلیت‌های دینی ایران اعم از مسیحی، یهودی و زرتشتی هم مشاهده نشده و فرهنگ حجاب و عفاف، بر جامعه ایران حاکم بوده است. (ج) حجاب هویتی انقلابی نقش محوری زنان محجبه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست تا بدان‌جا که امام خمینی خطاب به زنان باحجاب فرمودند: آن که در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الان این‌جا حضور دارید، با همین وضع در خیابان‌ها ریختید و به نهضت ما کمک کردید. آنهایی که تربیت شده بودند، آنها بودند (بی‌حجاب‌ها و بدحجاب‌ها) (که اگر هم دخالت، باز یک قشری‌شان بود که نزدیک بودند به آن طوری که شماها هستید، آنهایی که تربیتشان آن طور بود (بی‌حجاب‌ها) آنها کاری به این مسائل نداشتند. ایشان در مصاحبه با اوریانا فلانچی، روزنامه‌نگار

فرانسوی، به صراحت به جایگاه زن باحجاب در شکل‌گیری بزرگ‌ترین انقلاب قرن اشاره کردند. اوریانا فلانچی گفت: خواهش می‌کنم امام! باید هنوز از شما سوءالات زیادی بکنم. مثلاً از این چادر که بر من پوشانده‌اند تا به خدمت شما برسم و شما به زور به زنان می‌پوشانید. به من بگویید چرا زنان را مجبور می‌کنید که خود را مخفی کنند؟ در زیر پوششی که پوشیدن آن مشکل و بیهوده است که با آنان نمی‌شود حرکت کرد؛ در حالی که همان زنان نشان دادند که مثل مردانند؛ مثل مردان مبارزه کردند؛ زندان کشیدند؛ شکنجه دیدند و مثل مردان انقلاب کردند؟ امام راحل در جواب فرمودند: زنانی که انقلاب کرده‌اند، زنانی هستند که پوشش اسلامی داشته‌اند و یا دارند، نه زنان شیک‌پوش بزرگ کرده مثل شما این‌ور و آن‌ور می‌روند بدون پوشش و یک دوجین مرد را دنبال خود می‌کشند؛ عروسک‌هایی که بزرگ می‌کنند و به خیابان‌ها می‌آیند و سر و سینه و موی و فرم بدن خود را نشان می‌دهند، بر ضد شاه قیام نکردند؛ هیچ کار مفیدی انجام ندادند؛ نمی‌دانند خود را چگونه مفید قرار دهند! نه به صورت اجتماعی، نه به صورت سیاسی و نه حتی به صورت حرفه‌ای و تخصصی و این بدین دلیل است که خود را به نمایش می‌گذارند برای مردان و حواس‌پرتی می‌آورند و آزارشان می‌دهد. هم‌چنین باعث حواس‌پرتی سایر زنان و آزار و حسرت آنان می‌شود. صحنه‌های نهضت اسلامی از پانزدهم خرداد ۴۲ تا امروز، در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون، بر این واقعیت تاریخی گواهی می‌دهد که حجاب کامل، خصوصاً حجاب برتر (چادر) شناسنامه زن انقلابی ایران بوده است و امروز در جهان، انقلاب با چادر و چادر با انقلاب شناخته می‌شود. رسانه غربی، هویت بخشی غربی تصویب طرح ممنوعیت حجاب در فرانسه و به تبع آن تصمیم برخی از کشورهای دیگر اروپایی و حتی آسیایی چون ترکیه در دایره‌ای کوچک‌تر، نشان از عمق وحشت جهان غرب از روند رو به رشد حجاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. حضور سبز این فرهنگ اسلامی از آن‌جا برای غرب ناقوس مرگ فرهنگ آن را به صدا در آورد که بی‌حجابی هم برای غرب چون حجاب برای مسلمانان مؤلفه محوری تمدن و فرهنگ آن به شمار می‌رود. فرهنگ و تمدن غرب بر پایه فلسفه لذت بنیان نهاده شد و بخش عظیم اقتصاد خود را مدیون همین مؤلفه است. از این‌رو، رسانه‌های جمعی تمدن غرب که مولود همین بسترند و جذابیت و بهره‌وری و موجودیت خود را با این مؤلفه گره زده می‌بینند، برای القای فرهنگ خود و مبارزه با فرهنگ متعالی حجاب تلاش دوچندانی نمودند. این که «صنعت سکس اولین بار توسط بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آژانس توسعه بین‌المللی امریکا برنامه‌ریزی و حمایت شد»، این واقعیت را می‌رساند که حتی سیاست غرب هم چون اقتصاد و فرهنگ آن به برهنگی و پرده‌دری‌هایی وابسته است که بیش از همه، موجودیت رسانه‌های جمعی فرهنگ مهاجم غرب بدان نیاز دارد تا جایی که اریک فروم می‌گوید: سرمایه‌داری امروز احتیاج به کسانی دارد که بتوانند به‌طور گروهی و یا مسالمت‌آمیز، هم‌کاری کنند که بتوانند بیشتر و بیشتر مصرف کنند. کسانی که سلیقه‌های متحدالشکل آنان به کسانی تحت تأثیر قرار گیرد و پیش‌بینی شود و نیز احتیاج به کسانی دارد که احساس آزادی و استقلال بکنند و گمان نبرند که از قدرت یا اصل و یا وجدانی فرمان می‌برند و با این همه مایل باشند که به آنان فرمان داده شود. آن‌چه را از آنها انتظار می‌رود، انجام دهند و چون مهره‌ای بدون ایجاد تصادم و مزاحمت، به ماشین اجتماع بخورند. مردانی که بدون اشکال، راه‌نمایی شوند و بدون رهبری رهبر، بدون هدف به جلو رانده شوند و تنها هدفشان بهبود وضع خود، جنبش، کار و پیشرفت باشد. نتیجه چیست؟ انسان امروز با خودش، با هم‌نوعانش و با طبیعت بیگانه شده است، او به کالا مبدل گشته است نیروی زندگی خود را به نوعی سرمایه‌گذاری می‌داند که باید تحت شرایط بازار حداکثر سود را برایش تحصیل کند. روابط انسان‌ها اساساً همانند روابط آدمک‌های مصنوعی از خود بیگانه است. وظیفه این خودبیگانگی و رهبری راداری در غرب، بر عهده رسانه‌های جمعی است و در این زمینه، مبلغ و مروج برهنگی هستند. بیان برخورد فرهنگ غرب با زن و تصویر زن در رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا آنان برهنگی را مؤلفه‌ای محوری در پیشبرد فرهنگ شیطانی خود می‌دانند و فرهنگ، اقتصاد و حتی سیاست خود را با آن گره می‌زنند، از این‌رو نه تنها با بهره‌گیری از همه تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها و استخدام فن‌آوری و هنر، در تبلیغ و ترویج آن می‌کوشند، بلکه در راه‌برد خود،

شکستن هر گونه تفاوت در برابر این موءلفه را در برنامه دارند. بی‌شک به همان اندازه که فرهنگ بی‌حجابی برای غرب اهمیت دارد، به همان اندازه نیز فرهنگ حجاب با اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد ما گره خورده و شکستن سد حجاب، مساوی با فروپاشی هویت دینی، ملی و انقلابی ماست. حال، آیا رسانه‌های جمعی ما نیز به اندازه رسانه‌های جمعی غرب، در برابر این مهم از خود واکنش نشان می‌دهند و از تمامی سرمایه‌های معنوی و مادی خود در پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده، همت می‌گمارند یا خیر؟ سکوت و سکون رسانه‌ای اگر بپذیریم که جهان در آستانه سال ۲۰۲۰ میلادی، دو کدخدا پیدا خواهد کرد و این دهکده جهانی یا باید فرهنگ و تمدن اسلامی با محوریت ایران باشد و یا باید فرهنگ غرب با محوریت امریکا را برتابد و لی‌لی‌پوت جهان از میان دو گالیور ایران و امریکا، یکی را انتخاب کند، باید پذیرفت، آن‌چه در اطراف ما می‌گذرد، اعم از نقشه راه خاورمیانه تا لشکرکشی به عراق و افغانستان و محدودیت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای، تنها و تنها برای مهار انقلاب اسلامی، تنها رقیب لیبرال - دمکراسی، در چند دهه دیگر است. از این‌رو، به همان اندازه که باید از فرهنگ شهادت‌طلبی پاس‌داری کرد، باید از حجاب نیز به دفاع برخاست؛ زیرا این دو به منزله دو بال و دو شاخصه مکتب اسلام ناب محمدی (س) به شمار می‌آیند و امروز حجاب، به منزله پرچم تمدن اسلامی است. بنابراین، رسالت رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه ملی صدا و سیما، چیزی جز تبلیغ و ترویج این فرهنگ و مبارزه بی‌امان با ترفندهای فرهنگ مهاجم نیست. بلکه موظف است از وظایفی که قانون اساسی و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله رهبر معظم انقلاب، برای حرکت دستگاه‌های نظام ترسیم ساخته تخطی نکند؛ وظایف و چشم‌اندازی که در آن بر حرکت حول محور بینش توحیدی و شریعت‌مداری یعنی همان هویت دینی، تأکید شده است. امروزه در حساس‌ترین مقطع تاریخی، اسلام و ایران، در هجمه بی‌امان رسانه‌های غربی قرار گرفته‌اند که با تبلیغ فرهنگ لذت و ایجاد فضایی انتزاعی و تخیلی و ایجاد نیازهای کاذب در نهاد انسان امروزی، مبلغ فرهنگ برهنگی و شیطانی خود هستند؛ در حالی که رسانه‌های نوشتاری به لحاظ حاکمیت بینش تجاری و کارکرد حزبی و گروهی و رسانه‌های دیداری چون سینما، به دلیل رویکرد گیشه‌پسند، دفاع از این پرچم انقلاب اسلامی ایران را نادیده گرفته و بعضاً به بوته فراموشی سپرده‌اند. در این مقطع، بیشترین امید به صدا و سیما جمهوری اسلامی است که بیشترین تأثیر را دارد که متأسفانه به دلیل برخورد سطحی و الینه شدن بعضی تهیه‌کنندگان و کارگردانان و به کارنگرفتن کارشناسان زبده و دین‌شناس و باسواد، هنوز زن با حجاب را خرافی، هرهری مذهب، بی‌سواد و... ارائه می‌کنند. در حالی که هیچ کس منکر این واقعیت نیست که رسانه ملی، برای الگوسازی و حتی نهادینه کردن پوششی مناسب در قالب شخصیت‌های داستانی و هنرپیشگان توان کافی را دارد، اما هنوز حتی در زمینه پوشش ملی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند، گام لازم را بر نداشته است. به نظر می‌رسد اراده‌ای برای درک اهمیت حجاب به منزله شناسنامه زن ایرانی و نماد هویت دینی، ملی و انقلابی، به چشم نمی‌خورد و غمض عین‌های درون گروهی و خودشیفتگی‌ها و خود تشویقی‌های رسانه‌ها، این مسئله را در حساس‌ترین مقطع تاریخی اسلام و ایران با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته است. اگر این مسئله را بپذیریم که واژه حجاب، عصاره و تعریف انقلاب اسلامی ایران است که اسلامیت، ایرانیت، انقلابی بودن را تصویر می‌کند و غرب با تمام توان رسانه‌ای خود درصدد شکستن این نماد است، باید قبول کنیم که نه اسلام، نه ایران و نه انقلاب با هیچ کس عقد اخوت نبسته و بیش از این نباید اجازه داد مبانی اسلام، مصالح کشور و آرمان‌های انقلاب، فدای ندانم‌کارهای بعضی از متولیان فرهنگی و سیاسی شود. امروز باید به دنبال مجاری‌های دیگری برای دفاع از حجاب و ترویج و تبلیغ آن در عصر ارتباطات گشت، زیرا اهمیت محدوده، جایگاه و نقش محوری حجاب در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دیگر بر کسی پوشیده نیست. وقت آن رسیده که عالمانه و آگاهانه و بدون هیچ خوف و وحشتی، از موضع‌گیری‌های بین‌المللی و عناصر وابسته به آنان در داخل، به وظیفه اسلامی، ملی و انقلابی خود عمل کنیم و در گام نخست، به سراغ رسانه‌های جمعی برویم و با بازخوانی عملکرد آنان و ارزیابی بودجه‌های در نظر گرفته شده از سوی نظام مقدس اسلامی با بازده عینی و ملموس، به پاک‌سازی موانع و در برخی از موارد، به افشای نقش برخی افراد در

به وجود آمدن وضعیت کنونی بپردازیم. کتاب‌نامه ۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قده)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۶۱. ۱. الجزایر و مسئله حجاب، فرانتس فانون، ترجمه دکتر خداینده (کتاب شناسنامه ندارد). ۳. تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، دکتر محمدرضا چیت ساز، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما، تهران، زمستان تهران ۱۳۷۹. ۴. تاریخ لباس ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه شیرین بزرگمهر، چاپ دوم، توس، تهران ۱۳۸۰. ۵. ترجمه تفسیر المیزان علامه طباطبایی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پانزدهم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۷. جنگ علیه زنان، مارلین فرنچ، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، چاپ اول، انتشارات علمی ۱۳۷۳. ۷. زنان هخامنشی، ماریا برسیوس، ترجمه هایدی مشایخ، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران ۱۳۸۱. ۸. زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، میترا مهرآبادی، چاپ اول، انتشارات آفرینش، نشر روزگار، بهار ۷۹. ۹. طلعه انقلاب اسلامی و مصاحبه‌های امام خمینی در نجف پاریس و قم، ستاد انقلاب فرهنگی مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۷. ۱۰. علل الشراعی، شیخ صدوق، منشورات المكتبة الحیدریه، مطبعها فی النجف، ۱۳۸۵ قمری - ۱۹۶۶ میلادی. ۱۰. عروه الوثقی، سیدمحمد کاظم یزدی، ص ۷۱۲، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان. ۱۰. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۷. ۱۱. مصباح المنیر، احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، صححه محمد محی‌الدین عبدالحمید مصر (۱۳۴۷ قمری ۱۹۲۹ میلادی). ۱۲. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، با گفتاری از مجید رهنما، چاپ نوزدهم، انتشارات مروارید، تهران ۱۳۷۸.

## حجاب و امنیت اجتماعی

مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امنیت در برابر گرما و سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویت بخشی و ایجاد امنیت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است و چالش‌ها، زمینه‌ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه‌های مختلف این موضوع و اهمّیت آن را توضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش‌های دینی بیان کنیم. به طور کلی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امنیت اجتماعی، هدف اساسی و خوب حجاب. ۲. امنیت اجتماعی، فلسفه حقیقی و خوب حجاب. ۳. پایه‌های تحقق امنیت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیت اجتماعی. ۵. آثار سوء بدحجابی و انهدام امنیت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلّی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می‌سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا

چشمان خود را از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بیوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند (در امتیّت کامل باشند)؛ خداوند در حقّ خلق، آمرزنده و مهربان است (۲)». همان گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلقتیّات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غریز، التهاب‌های جسمی و معاشرت‌های بی‌بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امتیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندانه، زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش‌های اجتماعی، تأمین‌کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می‌نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازراری باطنی و از همه مهم‌تر امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیّت می‌کند (۳). در سال‌های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امتیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش‌های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوّق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهمّ اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امتیّت اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه‌ها برای همه اқشار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و اندیشمندان، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امتیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیاً نماد فرهنگی و ملی بشریّت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امتیّت اجتماعی، هدف اساسی و جوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می‌گردد که هدف از تشریح و جوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امتیّت اجتماعی است. «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (۴)». چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه‌کن نمودن امتیّت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حَرَّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوهُنَّ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ» (۵)». «نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرامی‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از مجموع گفتار فوق روشن می‌گردد که هدف از جوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امتیّت اجتماعی است. امتیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی و جوب حجاب یکی از فلسفه‌های حقیقی و جوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امتیّت اجتماعی با توسعه آن می‌باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی مواج از تمایلات و خواسته‌های اوست که

مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ (۶)»: «بزرگ ترین خواسته های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می زند و آنها را به یک کانون جدی خطر، مبدل می سازد که به سلب آرامش زن و امتیث اجتماعی منتهی می گردد. آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد. پوشش دینی، پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امتیث اجتماعی دانسته و نجابتش را می ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امتیث و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امتیثی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند (۷)». شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها پایه های تحقق امتیث اجتماعی در سایه های حجاب بانوان پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امتیث اجتماعی می گردند و به تحقق آن در جامعه اسلامی، کمک می نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه های اساسی بیان گردد: ۱. ایمان به خدا و جهان آخرت از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امتیث اجتماعی جامعه را فراهم می نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریت تشریح کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امتیث اجتماعی جامعه را تضمین می کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امتیث اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیت برای خود قلمداد نموده و امتیث اجتماعی انسان ها را تهدید می نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لایحه های هوس را برمی اندازد، آن را به کام جان خود می ریزد تا عالم جاننش، گلستان گل های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی افروزد تا حافظ بوستان ارزش های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه های مستحکم پوشش دینی و تبلور امتیث اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امتیث اجتماعی ارزش می بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم تر از آنها مسأله امتیث اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه های شیطانی را هیچ انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می بخشد. همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش های خود می گرداند: «خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آن چنان که هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشمه هستی امتیث فردی و اجتماعی کامل است و پوشش های مهیج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امتیث خود و جامعه خویش را برهم می زند». آثار و فواید حجاب اسلامی بر تحقق امتیث اجتماعی آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امتیث اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه. ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذا اید نفسانی. ۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی. ۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی. ۵. حضور



معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی. ۶. کاهش تقاضای مدپرستی بانوان. ۷. حفظ ارزش های انسانی، مانند عفت، حیا و متانت در جامعه. ۸. مصونیت زنان در همه زمانها و مکانها. ۹. سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی. ۱۰. هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی. ۱۱. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب. ۱۲. از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار (۸). اکنون به توضیح برخی از فواید مذکور می پردازیم تا اثبات گردد حجاب از لوازم جدایی ناپذیر و ابزارهای اولیه و پایه ای جهت برقراری مداوم امتیت اجتماعی است. ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امتیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد (۹)». حفظ و استیفای نیروی کار اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار، بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امتیت اجتماعی آنان می گردد (۱۰). مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: «می ترسم آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!» (۱۱). یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امتیت اجتماعی بوده و هست و این امر، مشخصا از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را نیز ممنوع کردند (۱۲). آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امتیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امتیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: ۱. باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند. ۲. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می شوند. ۳. حفظ حجاب، نه تنها باعث ایجاد امتیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید (۱۳). آثار سوء بی حجابی و زوال امتیت اجتماعی بی حجابی یا حضور تحریک کننده زنان در جامعه، از آثار زیانبار اخلاقی، سیاسی، آخرتی و اجتماعی مختلفی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن ها زوال امتیت اجتماعی است. بی حجابی با اثرات مهلک خود که در ذیل آمده و شرح داده می شود، باعث از بین رفتن بنیه اعتقادی و امتیت اجتماعی بشریت می گردد. ۱. سقوط شخصیت حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان و سقوط از جایگاه بلند ارزشی شخصیتی همان. با افول شخصیت زن، بی بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی مختل می گردد و در نتیجه امتیت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می شود (۱۴). سقوط شخصیت زن به دلایل زیر باعث اضمحلال امتیت اجتماعی می شود: الف. زن با از دست دادن شخصیت خویش، ارزشهایش منهدم شده و هوسرانی را در جامعه رواج می دهد، در نتیجه سلامت اخلاقی و به دنبال آن امنیت اجتماعی نیز کاهش می یابد. ب. زنان، با غفلت از اصول اخلاقی اسلام، مسایل جنسی را به محیط جامعه کشانده و زمینه گسترش گناه و از هم پاشیدگی نظم اجتماع را به وجود می آورند. ج. زنان، با بی حجابی به معصیت کبیره خودنمایی گرفتار آمده و بی حیایی را در

جامعه ترویج می دهند، در نتیجه امتیّت اجتماعی، نابسامان گشته، از بین می رود. ۲. تزلزل خانواده ها یکی از آثار زیانبار بی حجابی بانوان، تزلزل خانواده هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می گردند و روابط زناشویی در خانواده ها را متزلزل می کنند، در نتیجه امتیّت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم پاشیدگی بنیان خانواده و عقده مند شدن مردان، روبرو می شود و این مشکلات زیانبار به محیط جامعه کشیده شده، امتیّت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می سازد. از دیگر آثار سوء بی حجابی و تأثیر آن در زوال امتیّت اجتماعی می توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی مسؤولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی ارزشی و پوچی انسان ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می شود (ر.ک: مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰ - ۹۵. حجاب و جامعه، زهرا حسینی موسوی، ص ۹ - ۷۰ و حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، حسین مهدی زاده، بخش شبهه های وارده در حجاب و پاسخ های نغز آن از سوی دانشمندان اسلامی). نتیجه از مباحث بیان شده در این مقاله، به خوبی رابطه حجاب و امتیّت اجتماعی، آشکار می گردد و نمایان می شود که اسلام، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است. از دیرباز، بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند، مقنعه و چادر مشکی، ضامن امنیت بوده و دارای اصل و ریشه قرآنی می باشند. از این مقاله به خوبی این نکته فهمیده می شود و به دست می آید که مسأله حجاب، یکی از مهم ترین چارچوب های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریّت است و اینکه عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، به جای ارائه دادن طرح مشخص و جالبی برای ترویج الگوهای مطلوب از حجاب اصیل و برتر، به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف جامعه و اضمحلال امنیت اجتماعی اقدام می نمایند، به سختی در اشتباه و گمراهی آشکارند و باید بدانند که از اقدامات نابهنجار خویش سودی جز تخریب شخصیت درونی خود نخواهند برد. با توجه به واقعیت های موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم ترین وجهی رهنمون گردند. پی نوشت: ۱. نور، ۳۰. ۲. احزاب، ۵۹. ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴. احزاب، ۵۳. ۵. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶. محجّة البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶. ۸. برای آگاهی بیشتر درباره آثار و فواید پوشش و حجاب و امتیّت اجتماعی، ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص منزلت زن در نظام اسلامی. ۹. ر.ک: آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۱۹. ۱۰. مسأله حجاب: استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۸۴. ۱۱. «اِنَّیْ اَخَافُ اَنْ یُّدَلَّ دِیْنُکُمْ اَوْ اَنْ یُظْهَرَ فِی الْاَرْضِ الْفَسَادُ»، سوره مؤمن، آیه ۲۶. ۱۲. ر.ک: انقلاب یا بعثت جدید، حجّة الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷. ۱۳. ر.ک: پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰. ۱۴. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

## حجاب و امتیّت اجتماعی

اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امتیّت اجتماعی در جامعه معرّفی کرده است و چالش ها، زمینه ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امتیّت در برابر گرما و

سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویت بخشی و ایجاد امتیّت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امتیّت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است و چالش‌ها، زمینه‌ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امتیّت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه‌های مختلف این موضوع و اهمیّت آن را توضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش‌های دینی بیان کنیم. به طور کلی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امتیّت اجتماعی، هدف اساسی و خوب حجاب. ۲. امتیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی و خوب حجاب. ۳. پایه‌های تحقق امتیّت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امتیّت اجتماعی. ۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امتیّت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امتیّت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریّت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می‌سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امتیّت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند (در امتیّت کامل باشند)؛ خداوند در حقّ خلق، آمرزنده و مهربان است (۲)». همان‌گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان‌دهی خلقیات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهاب‌های جسمی و معاشرت‌های بی‌بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امتیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندان، زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به‌گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش‌های اجتماعی، تأمین‌کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می‌نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمّ‌تر امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند (۳). در سال‌های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امتیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش‌های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوّق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهمّ اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امتیّت اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه‌ها برای همه اقدار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و

اندیشمند، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امتیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیاً نماد فرهنگی و ملیّ بشریّت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امتیّت اجتماعی، هدف اساسی و جوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می‌گردد که هدف از تشریح و جوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امتیّت اجتماعی است. «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلِّتُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ (۴)». چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه‌کن نمودن امتیّت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حَرَمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يُدْعَوُ التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ (۵)». «نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرامی‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از مجموع گفتار فوق روشن می‌گردد که هدف از جوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امتیّت اجتماعی است. امتیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی و جوب حجاب یکی از فلسفه‌های حقیقی و جوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امتیّت اجتماعی با توسعه آن می‌باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی موج از تمایلات و خواسته‌های اوست که مهم‌ترین آنها به خوراکی‌ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می‌شود و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ (۶)»: «بزرگ‌ترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی‌ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می‌زند و آنها را به یک کانون جدی خطر، مبدل می‌سازد که به سلب آرامش زن و امتیّت اجتماعی منتهی می‌گردد. آنچه می‌تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرم است که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد. پوشش دینی، پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هر چه وسعت بخشیدن امتیّت اجتماعی دانسته و نجابتش را می‌ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه‌های زهر آلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امتیّت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب‌آبادی است که هر نقطه آن به مین‌های شیطان و نگاه‌های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته‌های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امتیّتی بی‌نظیر به سر می‌برند که دیگران از طعم آن بی‌خبرند (۷)». شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها پایه‌های تحقق امتیّت اجتماعی در سایه‌های حجاب بانوان پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه‌ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه‌های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امتیّت اجتماعی می‌گردند و به تحقق آن در جامعه اسلامی، کمک می‌نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه‌های اساسی بیان گردد: ۱. ایمان به خدا و جهان آخرت از مهم‌ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امتیّت اجتماعی جامعه را فراهم می‌نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریّت تشریح کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امتیّت اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امتیّت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیّت برای خود قلمداد نموده و امتیّت اجتماعی انسان‌ها را تهدید می‌نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل‌هاست که حجاب‌های تاریک جان را غرق می‌کند و لانه‌های هوس

را برمی‌اندازد، آن را به کام جان خود می‌ریزد تا عالم جانش، گلستان گل‌های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی‌افروزد تا حافظ بوستان ارزش‌های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه‌های مستحکم پوشش دینی و تبلور امتیت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه‌های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امتیت اجتماعی ارزش می‌بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم‌تر از آنها مسأله امتیت اجتماعی باعث می‌شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه‌های شیطانی را هیچ‌انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می‌بخشد. همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش‌های خود می‌گرداند: «خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آن‌چنان که هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله‌های شنا به سوی سرچشمه هستی امتیت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش‌های مهیج وزنه‌های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امتیت خود و جامعه خویش را برهم می‌زند». (پی‌نوشت‌ها ۱) نور، ۳۰ (۲) احزاب، ۵۹. ۳) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴) احزاب، ۵۳. ۵) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶) محجۀ البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷) تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶.

### عفاف در پرتو حجاب

زن مظهر جمال و زیبایی و عفاف است و مرد مظهر شیفتگی و مجذوب شدن از آن جهت فرهنگ غنی و ارزشمند اسلام پوشش و حجاب را برای بانوان لازم دانسته است و حجاب را حافظ ارزش‌های والای معنوی زنان در برابر مردان قرار داده و در طول تاریخ او را از فساد و تباهی و افتادن در دام شهوت پرستان خودپرست نگهداری نموده است. نگاه شهوت‌آمیز مردان به زنان و بالعکس از جمله امور نکوهیده‌ای است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به شدت منع می‌کرد و آن را حرام می‌دانست همان طوری که فرمود: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن ترکها خوفا من الله اعطاه الله ایمانا یجد حلاوته فی قلبه». (۱) نگاه شهوت‌آمیز (همراه با لذت جنسی) تیر زهرآگینی است که از سوی شیطان به سوی طعمه خویش رها می‌گردد، پس هر کس به خاطر ترس از خدا نگاه با شهوت را ترک کند خداوند ایمانی به او خواهد بخشید که شیرینی و اثرش را در دلش خواهد دید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حجۀ الوداع هنگامی که آن زن جوان خثعمی به حضورش آمد تا چند پرسش داشته باشد در آن هنگام فضل بن عباس همراه بود زن وقتی سؤال‌هایش را مطرح نمود پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام پاسخ دادن متوجه شد بین آن زن و فضل نگاهی رد و بدل گردید و زن عوض اینکه مطالب آن حضرت را گوش کند به فضل که جوان زیبا و نورسی بود متوجه شده در آن وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست خود را به طرف فضل بن عباس دراز کرد و صورت او را به طرف دیگر برگرداند و فرمود فخشیت ان یدخل بینهما الشیطان... (۲) در نگاه زن جوان و مرد جوان می‌ترسم شیطان قدم نهد و سبب انحراف آنان گردد. دانشمندان و علمای بزرگ برای لزوم حجاب به قرآن و احادیث و اجماع و عقل استدلال کرده‌اند و حدود پوشش را برای مردان و زنان به صورت روشن بیان داشته‌اند، ما در این نوشتار کوتاه از آن جهت که زن را عنصر اولیه صلاح و رستگاری جامعه می‌دانیم و بر آن اعتقادیم که اگر رستگاری و فلاح در این قشر عظیم حاکم شود رستگاری و عاقبت‌بخیری مردان را بدنبال دارد و بعکس خدای ناکرده چنانچه زنان جامعه فاسد و تباه شدند مجالی برای اصلاح مردان باقی نخواهد ماند. حال به بخشی کوتاه در باره حجاب و پوشش زن می‌پردازیم. قرآن و مساله حجاب قرآن درباره حجاب می‌فرماید: «قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن الا- لبعولتهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناؤهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او نسائهن ... و توبوا الی الله جمیعا

ایها المؤمنون لعلکم تفلحون (۳)؛ به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان و با پدرشوهرانشان و یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان و .... همگی به سوی خداوند باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. و در جای دیگر آمده است: «یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا- یؤذین و کان الله غفورا رحیما» (۴)؛ ای پیامبر به همسران و دختران خویش و دیگر زنان مؤمنان بگو که جلابیها (روسریها)ی خویش را بر خود فرو افکنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به (احتیاط) نزدیکتر و خداوند آمرزنده و مهربان است. فقهاء اسلام گفته‌اند: دو آیه فوق بر وجوب پوشش و حجاب برای زنان دلالت دارد. آنان نیز به آیات (۶۰ تا ۶۱) سوره نور تمسک کرده‌اند و آن آیات را دلیل پوشش برای زنان دانسته‌اند همان طوری که روایاتی را مستند خویش قرار داده‌اند، در اینجا به یک حدیث اکتفا می‌کنیم. پوشش حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در محوطه منزل در برابر بیگانه جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم آن حضرت اراده کرد به خانه دخترش فاطمه (سلام الله علیها) برود چون به درب خانه فاطمه (سلام الله علیها) رسید با دست مبارکش درب را فشار داد و فریاد برآورد: السلام علیکم. دختر گرامی پیامبر جواب داد: علیک السلام یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آنگاه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه ورود به منزل گرفت و فرمود: ادخل انا و من معی (آیا من و کسی که همراه من است داخل منزل شویم). در آن وقت فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: پدر جان چیزی بر سر ندارم، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یا فاطمه خدی فضل ملحتک فقنعی بها راسک فاطمه جان با قسمت‌های اضافی روپوش خودت سرت را پوشان. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره اجازه گرفت فاطمه (سلام الله علیها) پرسید: چه کسی با شماست، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جابر، آنگاه من به همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داخل خانه زهرا (سلام الله علیها) شدم. جابر می‌گوید: چهره زهرا (سلام الله علیها) همانند شکم ملخ زرد شده بود، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: دخترم چرا چنین هستی، جواب داد: از گرسنگی است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعا فرمود: اللهم مشع الجوعه و دافع الضیعه، اشبع فاطمه بنت محمد ای خدایی که سیرکننده گرسنه و بوجود آورنده محصولات هستی فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را سیر گردان. جابر ادامه می‌دهد: سوگند به خدا دعای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مستجاب گردید. پس از دعای آن حضرت چهره زهرا (سلام الله علیها) گلگون گردید مثل اینکه خون را در حال حرکت در زیر پوست صورت می‌دیدم و زهرا (سلام الله علیها) از آن پس گرسنه نماند. (۵) پس از عموم آیه شریفه (۳۱ نور) و دیگر آیات استفاده می‌شود که پوشش برای زنان امری مسلم است و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند، از سوی دیگر سیره فاطمه اطهر (سلام الله علیها) در برخورد با جابر بن عبدالله انصاری (ره) بالاترین شیوه تبیین حکم الهی است که حضرت بدان عمل می‌کند و وظیفه دیگر زنان را در برابر مردان غیر محرم و بیگانه نشان می‌دهد. برخورد فاطمه (سلام الله علیها) با جابر که شخص مؤمن و مورد اعتماد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است در محیط خانه خویش چنین است مسلم زنان متعهد در حفظ خود در داشتن پوشش صحیح در جامعه (کوچه و بازار و ادارات و ...) وظیفه‌ای سنگین تر دارند. پوشش زنان در برابر خویشاوندان احمد بن ابی نصر بن زنی از یاران عالیقدر امام علی بن موسی الرضا (ع) است می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: آیا برای مرد جایز است که به موهای خواهر زنش نگاه کند؟ حضرت فرمود: نه مگر اینکه سالخورده و پیر و از کار افتاده باشد. عرض کردم: پس خواهر زن با بیگانه چه فرق می‌کند یعنی هر دوی اینها یکی هستند؟! حضرت فرمود: بلی یکی هستند. پرسیدم: (در مورد سالخورده) چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟ فرمود: به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می‌توانی نگاه کنی. (۶) قسمت آخر روایت مربوط به سالخورده و پیرزن از کار افتاده است همان طوری که صاحب وسائل مرحوم شیخ حر عاملی بر آن

تصریح نموده‌است. نقش «حجاب در سلامت عمومی در جامعه‌ای که زن و مرد هر کدام کار متعلق به خویش را انجام دهد و اختلاط و معاشرت بی‌مرز در آن وجود نداشته باشد زنان غیر متعهد خودنمایی ننمایند و مردان شهوتران هم با چشمان صیاد خویش به دنبال طعمه نگردند، در آن جامعه آرامش روحی و روانی بر زن و مرد حاکم خواهد شد، و ثبات و استحکام ویژه‌ای بر خانواده آن سایه خواهد افکند، و روز بروز بر تعداد پیوند ازدواج‌ها و زناشوییهای مشروع و قانونی افزوده خواهد گردید که نتیجه آرامش اجتماعات کوچک، آرامش و سعادت جوامع بزرگ انسانی خواهد شد. پس پوشش صحیح بالاترین نعمت الهی است که خداوند بر زنان ارزانی داشته و بر آنان لازم شمرده است. رسول گرامی اسلام روزی در جمع یاران خویش که در مسجد نشسته بودند، پرسید: بهترین چیز برای زنان چیست؟ کسی نتوانست پاسخ آن حضرت را بدهد. علی (ع) به خانه آمد پرسش پیامبر و ناتوانی یارانش را در پاسخ به آن حضرت بازگو کرد. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود: خیر لهن ان لا یرین الرجال و لا یرونهن، فآخبره بذلک فقال (صلی الله علیه و آله و سلم) له: من علمک هذا؟ قال (ع): فاطمة. قال (ص): انها بضعة منی (۷۶) بهترین چیز برای زنان این است که به مردان نگاه نیندازند و مردان نیز به آنها نظر نکنند. امیرمؤمنان (ع) به مسجد برگشت و آن را برای پیامبر و مردم بازگو کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: از کجا آموختی؟ علی (ع) گفت: این پاسخ فاطمه است. در آن هنگام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فاطمه پاره تن من است. حدود پوشش بانوان از دیدگاه فقهاء اسلام بسیاری از فقهاء شیعه و اهل سنت بعد از اعتماد بر ظهور آیات گذشته و تصریح روایات در مورد وجوب پوشش ادعای اجماع و اتفاق نموده‌اند و ذیل تفسیر آیات سوره نور و احزاب حدود و مقدار پوشش را برای زنان مشخص نموده‌اند. در اینجا به بیان برخی از نظریات فقهاء می‌پردازیم: ابن رشد فقیه و فیلسوف معروف اندلسی می‌نویسد: عقیده اکثر علماء بر این است که بدن زن جز چهره و دو دست تا میچ عورت (×) است، ابوحنیفه معتقد است: قدمین نیز عورت شمرده نمی‌شود لکن ابوبکر بن عبدالرحمان بن هشام بر این باور است که تمام بدن زن بلا استثناء عورت است. (۸) در الفقه علی مذاهب الخمسه آمده است: علماء اسلام اتفاق نظر دارند که بر هر یک از زن و مرد لازم است آنچه را در خارج نماز باید بیوشد در حال نماز هم باید بیوشد سپس می‌گوید: به عقیده علماء شیعه امامیه بر زن در حال نماز همان قدر از بدن را واجب است بیوشاند که در غیر نماز باید از نامحرم بیوشد. (۹) فقهاء اسلامی در دو موضع از کتاب‌های فقهی خود وجوب حجاب و حدود پوشش را برای بانوان مطرح نموده‌اند. الف - در بحث پوشش در حالت نماز (بحث ساتر) ب - در بحث نگاه کردن مرد به زن نامحرم و یا عکس آن علامه حلی (ره) می‌فرماید: جمیع بدن زن عورت است جز چهره او به اجماع همه علماء، در همه شهرها جز ابوبکر بن عبدالرحمان بن هشام که تمام بدن زن را عورت دانسته است. سخن او به اجماع فقهاء مردود است. زیرا از نظر علماء ما (شیعه) دو دست تا میچ نیز مانند چهره است و عورت نخواهد بود. مالک بن انس و شافعی و اوزاعی و سفیان ثوری در این جهت با علماء شیعه هم عقیده‌اند، ابن عباس در تفسیر کلام خدا: «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» وجه و کفین را با هم استثنا نموده است. (۱۰) در پایان باید گفت: فقهاء اسلامی در دو موضع از کتاب‌های فقهی خود وجوب حجاب و حدود پوشش را برای بانوان مطرح نموده‌اند. الف - در بحث پوشش در حالت نماز (بحث ساتر) ب - در بحث نگاه کردن مرد به زن نامحرم و یا عکس آن امام خمینی (ره) در این دو باب فرموده‌اند: ۱ - عورت زن در نماز همه بدن اوست که شامل سر و موی‌ها می‌گردد و فقط صورت (به مقداری که باید در وضو باید شسته شود) و دست‌ها تا میچ و پاها تا ابتداء ساق مستثنی شده سپس فرموده‌اند: از آن مقداری که استثناء شده واجب است مقدار بیشتری را پوشاند تا یقین به پوشش مقدار واجب پیدا شود. (۱۱) ۲ - نگاه کردن مرد به زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر با قصد لذت باشد حرام است و اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد. (۱۲) پی نوشت: ۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۴، ب ۳۳. ۲ - فتح الباری، ج ۴، ص ۴۳۹ تا ۴۴۲. حدیث ایام حج صادر گردیده و احکام دیگری در مورد محرم استفاده می‌شود و لکن قدر مسلم حرمت نگاه با شهوت از سوی مرد به زن و بعکس می‌باشد، و جواز نگاه به صورت زن بدون ریه همان طوری که

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه کرد و عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به فضل بن عباس نشانگر حرمت نظر به زن با لذت می‌باشد؛ باید توجه داشت این روایت را کتب اهل سنت نقل کرده‌اند و اصل حدیث هم مرفوعه می‌باشد. ۳- نور: ۳۱. ۴- احزاب: ۵۹. ۵- فروع کافی، ج ۵، ص ۵۲۸، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ب ۱۲۰، ص ۲۱۶، ح ۲۵۴۶۳. (چاپ آل البیت؛ مسالک الافهام، فاضل جواد کاظمی، ج ۳، ص ۲۷۵. ۶- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۰۷، ص ۱۹۹، ح ۲۵۴۲۰ (چاپ آل البیت؛ سألته عن الرجل یحل له ان ینظر الی شعر اخت امراته؟ فقال (ع) لا- الا ان تكون من القواعد... ۷- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷، ح ۲۵۰۵۴ (چاپ آل البیت؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴، ح ۴۸؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۵۷. × - منظور از واژه عورت «آسیب‌پذیر» و یک اصطلاح در فقه است. ۸- بدایه المجتهد، ابن رشد، ج ۱، ص ۱۱۱. ۹- الفقه علی مذاهب الخمسه، محمد جواد مغنیه، ص ۱۱۳. ۱۰- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۶، م ۱۰۸. ۱۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۹، م ۳. ۱۲- رساله توضیح المسائل، احکام نگاه کردن، م ۲۴۳۳. منبع: ماهنامه کوثر

### چرا مسأله حجاب بیشتر روی زنان تکیه شده است؟

برای روشن شدن فلسفه حجاب زن و راز تفاوت آن با پوشش مردان، توجه به مطالب ذیل لازم است: الف- توجه به رابطه پوشش با فرهنگ دینی بر اساس فرهنگ اسلامی، انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال و معنویت خلق گردیده است. اسلام با تنظیم و تعدیل غرایز به ویژه غریزه جنسی و توجه به هر یک از آنها در حدّ نیاز طبیعی، سبب شکوفایی همه استعدادهای انسان شده و او را به سوی کمال سوق داده است. پوشش مناسب برای زن و مرد عامل مهمی در تعدیل و تنظیم این غریزه است. ب- توجه به ساختار فیزیولوژی انسان نوع پوشش زن و تفاوت آن با لباس مرد رابطه‌ای مستقیم با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. در تحقیقات علمی در مورد فیزیولوژی و نیز روان‌شناسی زن و مرد ثابت شده که مردان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز حساس‌ترند و چون تأثیر حس بینایی زیادتر است و چشم از فاصله دور و میدان وسیعی قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشح هورمون‌ها در مرد صورتی یکنواخت و بدون انقطاع دارد، مردان به صورتی گسترده تحت تأثیر محرک‌های شهوانی قرار می‌گیرند اما زنان نسبت به حس لمس و درد حساس‌ترند و به محرک‌های حسی پاسخ می‌دهند. حس لامسه بروز زیادی ندارد و فعالیتش محدود به تماس نزدیک است. از این گذشته چون هورمون‌های جنسی زن به صورت دوره‌ای ترشح می‌شوند و به طور متفاوت عمل می‌کنند، تأثیر محرک‌های شهوانی بر زن صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کمتر است. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه گرفته است. اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی (چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر) به محیط خانواده و در چهارچوب شرع و قانون اختصاص یابد و اجتماع تنها برای کار و فعالیت باشد، بر خلاف سیستم غربی که حضور در جامعه را با لذت جویی جنسی به هم می‌آمیزد و تعدیل و تنظیم امور جنسی را به هم می‌ریزد. اسلام قائل به تفکیک میان این دو محیط است و برای تأمین این هدف، پوشش و حجاب را توصیه نموده است، زیرا بی بند و باری در پوشش به معنای عدم ضابطه در تحریک غریزه و عدم محدودیت در رابطه جنسی است که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست. پوشش زن در اسلام به این معنا است که زن در معاشرت با مردان بدن خود را بپوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی خودداری کند. بنابراین لزوم حجاب از سوی اسلام در حقیقت برای حفظ کرامت زن است تا مورد بهره‌برداری هوسبازان قرار نگیرد. درست است که حجاب در ظاهر محدودیت زن را نشان می‌دهد؛ اما واقع و روح مسئله حکایت از محدودیت کامیابها به محیط خانوادگی و همسران مشروع و همچنین سلامت جامعه و حفظ آن از لجزار فساد است. ج- آثار و فواید رعایت حجاب و پوشش دینی ۱- بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش سیری ناپذیری شهوت است. زیرا آزادی معاشرتهای بی‌بند و بار، هیجانها و التهابهای جنسی را زیاد می‌کند. از سوی دیگر، غریزه جنسی نیز غریزه‌ای نیرومند



است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می‌شود. افزون بر این تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام نشدنی است و دست نیافتن به آنها منجر به اختلالات روحی و روانی می‌شود. لذا اسلام راه فساد جامعه را از سرچشمه می‌بندد. یعنی نگاه که اولین واسطه ارتباط زن و مرد است باید کنترل شود. به مرد می‌گوید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم...» (۱) به زن هم می‌گوید: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن» و یحفظن فروجهن...» (۲) یعنی زن و مرد نباید چشم چرانی کنند و نباید به قصد لذت به هم نگاه کنند، و یک وظیفه خاص نیز برای زن دارد و آن این که خود را از مردان بیگانه بباشاند. ۲- تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین. اختصاص یافتن استمتاع و التذاهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و به هر یک از طرفین این اعتماد را می‌دهد که او تنها کسی است که مورد عنایت و علاقه شریک زندگی خود قرار دارد. در حالی که در جوامع غربی و سیستم‌های آزاد، رقیب و مزاحم امنیت خاطر زوجین را از بین می‌برد. با رواج بی‌حجابی و جلوه‌گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های جنسی خود تلقی می‌کنند و افراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آن چه دارند و ندارند، قرار می‌گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه زندگی را می‌سوزاند. ۳- استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیت ارتباط حساب نشده و بی‌بند و باری‌ها، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. اسلام با فعالیتهای فرهنگی اقتصادی اجتماعی زن و تحصیل او مخالف نیست ولی با آلوده کردن محیط کار و فساد مخالف است لذا در اجتماعی که حریم بین زن و مرد رعایت نشود، رکود فعالیتهای اجتماعی و انحطاط اخلاقی خواهد بود. دختر و پسری که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارآیی آنها کاسته می‌شود و حکومت شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است. ۴- بالا رفتن ارزش واقعی زن و جبران ضعف جسمانی او زن از نظر عاطفی و تأثیر پذیری همیشه بر مرد تفوق دارد. لذا با رعایت حریم بین خود و مرد باعث حفظ ارزش و موقعیت خویش می‌شود. اسلام تأکید دارد که هر اندازه زن متین تر و با وقارتر باشد، احترامش افزوده می‌شود. حیا، عفاف و حجاب زن می‌تواند در نقش عاطفی او و تأثیرگذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیل و عشق در مرد است و حریم نگه داشتن یکی از وسائل مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد است. اسلام حجاب را برای محدودیت و حبس زن نیاورده، بلکه برای مصونیت او توصیه کرده است، زیرا اسلام راضی به حبس، رکود و سرکوبی استعدادهای زن نیست، بلکه با رعایت عفاف و حفظ حریم، اجازه حضور زن را در اجتماع داده اما از سوء استفاده شهوانی و تجاری منع کرده است. در واقع حجاب موجب محدودیت، مردان هرزه می‌باشد که در صدد کام جویی‌های آزاد و بی‌حد و حصر هستند و مصونیت زنان از دست این گروه از مردان منظور است. علاوه بر مطالب فوق استاد مطهری در بیان این که چرا حجاب به زنان اختصاص یافته می‌گوید: اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خود نمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خود آرایی از حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین انحراف تبرج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است. (۱) به عبارت دیگر: جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک پذیری جنس مردانه، یکی از علت‌های این حکم است. توصیه و دستور الهی به پوشش و حجاب برای زنان، به منظور ایجاد محدودیت و محرومیت و چیزهایی از این قبیل که تنها فریب شیطنانی اند نمی‌باشد، بلکه در واقع برای آگاهی دادن به گوهر ارزشمند در وجود زنان است که باید از آن مراقبت و شده و حفظ شود و به تاراج نرود. این کاملاً معقول است که هر چیزی ارزشمندتر باشد، مراقبت و محافظت بیشتری را می‌طلبد تا از دست راهزنان در امان باشد و به شکل یک ابزار برای مطامع سودپرستان در نیاید. به یاد داشته باشیم که غریزه جنسی، نیرومند و عمیق

است. هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر هیزم بدهند، شعله‌ورتر می‌شود، و شهوت خود را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع‌نشده در می‌آورد. (۲) و وضعیت جهان معاصر و کشانده شدن عده‌ای به همجنس‌بازی نشانه آشکاری از این حالت است. بنابراین رعایت نکردن پوشش اسلامی توسط زنان نه تنها از بین رفتن حساسیت مردان را به دنبال ندارد، بلکه موجب طغیان‌گریزه جنسی آنان نیز می‌گردد و پس از مدتی باعث دلزدگی و بی‌معنایی آن خواهد شد. گاهی نیز لذت‌گریزه جنسی را به واسطه زیاد روی و افراط از بین می‌برد و انسان را به امور دیگر می‌کشاند. در مورد مردان نیز این گونه نیست که بتوانند با هر نوع لباسی از خانه بیرون آیند و نوع پوشش آنها می‌تواند به هر صورتی باشد بلکه مردان نیز در این جهت با محدودیت‌های خاص خود نسبت به پوشش مواجه هستند اما محدوده پوشش آنان به جهت حضور بیشتر در اجتماع و کارهای سخت و به جهاتی که در بالا ذکر شد با زنان متفاوت است. پی‌نوشت‌ها: ۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۶، با تلخیص ۲. همان، ص ۴۳۴

### آثار و فواید حجاب

نویسنده: ۱. امنیت امنیت، یکی از طبیعی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای بشری است. به نظر مزلو (۱)، پدر معنوی جنبش انسان‌گرایی در روان‌شناسی، نیاز به امنیت، از نیازهای زیربنایی برای رشد و شکوفایی شخصیت انسان است که در صورت ارضا نشدن، رشد شخصیت مختل می‌شود. بر این اساس، اگر انسان‌ها در زندگی روزمره خود، در کوچه و خیابان و محل کار و تحصیل و حتی داخل منزل، احساس امنیت نکنند، به تدریج دچار اضطراب می‌شوند و در این میان، زنان به دلیل ویژگی‌های خاص شخصیتی و موقعیت اجتماعی‌شان، آسیب‌پذیرترند و بیشتر احساس نیاز به امنیت می‌کنند؛ زیرا در همه جوامع بشری، همواره مردانی وجود دارند که به دلیل نداشتن تربیت صحیح انسانی، دوست دارند فضایی ناامن برای بانوان ایجاد کنند، و با نگاه‌های هوس‌آلود و رفتارهای نابهنجارشان، نعمت امنیت را از زنان برابند. البته در این شرایط، زنانی که در انظار عمومی اندام خود را به نمایش می‌گذارند و باعث تحریک مردان می‌شوند، ناگزیر باید منتظر آزار و اذیت افراد لایابالی و فرصت‌طلب نیز باشند. این آزارها که گاه به آدم‌ربایی و قتل نیز می‌انجامد، زندگی زنان بدحجاب و آرامش و سلامت روانی آنها را به شدت به خطر می‌اندازد. این در حالی است که حجاب و پوشش، گرچه برای زن تا حدی محدودیت می‌آورد، او را در برابر بسیاری از خطرهای مصون می‌سازد و امنیت جانی و روانی‌اش را تأمین می‌کند. بهترین شاهد این مدعا، وضعیت اسف‌بار زنان در جوامع غربی است؛ از یک سو، فرهنگ غربی تا جایی پیش رفته است که کلمه شرم و حیا را واژه‌های قبیح در فرهنگ نامه زنان و دختران می‌داند و می‌کوشد این ویژگی فطری را از آنان بزدايد. از سوی دیگر، می‌بینیم که برهنگی، وجود روابط آزاد، رعایت نکردن حریم بین زن و مرد، چه مشکلات بزرگی برایشان پدید آورده و چگونه امنیت و آسایش آنها را مختل کرده است. یکی از نویسندگان معاصر، درباره امنیت زنان جامعه انگلیسی، چنین می‌نویسد: داشتن روابط آزاد و بی‌حجابی، توأم با آرایش‌های هوس‌انگیز زنان در غرب، میل جنسی مردان را چنان برانگیخته است که اکثر نسل جوان، به بیماری‌های جنون جنسی مبتلا شده‌اند. در انگلستان رسانه‌ها هر روز اخبار وحشتناک حمله‌های وحشیانه این افراد به زنان را منتشر می‌کنند. آمارها حاکی از آن است که زنان این کشورها، به خاطر توصیه رادیو و تلویزیون برای حفظ جان خود، از وسایل دفاعی از قبیل اسپری‌های بی‌هوش‌کننده و سلاح‌های سرد و غیره استفاده می‌کنند. این در حالی است که معمولاً در حمله وحشیانه مردان به آنها، این سلاح‌ها علیه خودشان به کار گرفته می‌شود. حتی مجازات‌های شدید برای جنایت‌کاران حملات جنسی، باعث شده تا جانیان، قربانیان خود را که تنها شاهد جنایت است، به قتل برسانند، (۲) بنابراین یکی از ثمرات مهم حجاب، ایجاد امنیت برای زنان است که در صورت نبود آن، زنان آرامش خود را از دست می‌دهند و دچار ترس و اضطراب روانی می‌شوند. خداوند در قرآن نیز می‌فرماید: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ

لَا زُوجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب: ۵۹)

(ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند» (به احتیاط) نزدیک تر است، و خدا آمرزنده مهربان است. ۲. ارزش مندی زن یکی دیگر از آثار حجاب برای زن، بالا رفتن ارزش او در نزد مرد و در نتیجه، پیدایش عشق است که از لذت بخش ترین عواطف انسانی است. نیاز به دوست داشتن و محبوب دیگران قرار گرفتن، از نیازهای مهم هراسانی است. میزان این نیاز در زنان بیش از مردان است. (۳) به گفته شهید مطهری، «آفرینش، مرد را مظهر طلب و عشق و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. احساسات مرد، نیاز آمیز و احساسات زن، نازخیز است. احساسات مرد، طالبانه و احساسات زن، مطلوبانه است» (۴) در واقع، نقش مهم حجاب برای زن، حفظ جایگاه معشوقیت اوست. اسلام نیز تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر، باوقارتر و عقیف تر باشد و خود را در معرض دید مردان قرار ندهد، بر احترامش افزوده می شود. حجب برای دختر، همچون وسیله ای دفاعی است که به او امکان می دهد از میان خواستگاران، شایسته ترین آنان را برگزیند، یا خواستگار خویش را ناچار سازد که پیش از دست یافتن به وی، به تهذیب خود بپردازد. موانعی که حجب و عفت زنان در برابر شهوت مردان ایجاد می کند، عاملی است که عاطفه و عشق شاعرانه را پدید می آورد و ارزش زن را در چشم مرد بالا می برد. (۵) راسل در این باره می گوید: تصور من بر این امر است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیابد، احساس آن مرد نسبت به آن زن، یک نوع احساس عاشقانه عمیق نمی تواند باشد. (۶) بنابراین هر چه زن در روابط خود با مرد آزادتر باشد و حریم حجاب را کمتر رعایت کند، ارزش انسانی خود را از دست می دهد و به ابزاری برای اطفای شهوت های مرد تبدیل می شود؛ بدون اینکه جایگاهی در قلب او به دست آورد، در نتیجه، با دست نیافتن به این جایگاه ارضا نشدن نیازش به عشق و محبت، دچار مشکلات و اختلال های روانی می شود و اندک اندک سلامت روانی خود را از دست می دهد. ۳. تعدیل غریزه خود نمایی و تبرج پوشش و حجاب نقش اساسی در متعادل کردن غریزه خودنمایی و تبرج زن دارد؛ زیرا آزادی در خود آرای و نمایش جلوه های زنانه در جامعه، باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی های ظاهری می شود. که این توجه افراطی، بروز اختلال های روانی را نیز برای زن در پی دارد. وقتی زن، بی حجاب و آراسته در میان مردان ظاهر می شود، برای عده ای خوشایند خواهد بود و او را تحسین و تکریم ظاهری می کنند. به همین دلیل، زن همواره می کوشد ظاهر خود را به گونه ای بیاراید که بیشتر مورد پسند آنها قرار گیرد. معمولاً این گونه زنان و دختران، برای اینکه محبوب تر شوند، هر روز وقت زیادی را صرف آرایش خود و تقلید از مدهای جدید می کنند. این روند، و نگرانی از اینکه کارها به دل خواه آنها پیش نرود، مشکلات و ناراحتی های روانی زیادی برایشان ایجاد می کند. در حقیقت این دغدغه همواره ذهن آنها را به خود مشغول می کند که با صرف این همه وقت و هزینه، آیا توانسته اند نظر دیگران را به خود جلب کنند و مورد پسند آنان قرار گیرند یا به عکس، مورد تمسخر و تحقیر قرار خواهند گرفت. به این ترتیب به موجوداتی همیشه نگران تبدیل می شوند. عامل دیگر نگرانی آنها، این تصور است که هر لحظه رقیبی زیباتر از راه برسد و شکار آنها را بر باید. دلیل دیگری که به ناراحتی آنها می افزاید، این است که می بینند به مرور زمان، از زیبایی شان کاسته می شود و زنان جوان تر و زیباتر جای آنها را می گیرند و دلربایی آنها را، کمتر می کنند. بنابراین برای جبران ضعف خود در این رقابت، به تنوع طلبی بیشتر در لباس، آرایش، جلوه گری و خود آرایی رو می آورند که البته نتیجه چندانی برایشان ندارد. زنی که در خود آرایی و جلوه گری آزادانه عمل می کند، وقتی به این نتیجه رسید که دیگر توان رقابت با زنان زیباتر و جوان تر را ندارد؛ با گذشت زمان و افزایش سن، ناکامی اش بیشتر می شود؛ زیرا می بیند مردانی که چندی پیش خریدار نازها و کرشمه های او بودند، دیگر حاضر نیستند با او رفت و آمد کنند و ارزش و اهمیت چندانی به وی نمی دهند. این جاست که دچار افسردگی و اضطراب می شود و چه بسا خودکشی می کند. نویسنده کتاب چهره عریان زن عرب می نویسد: زیبایی، به نمایش اندام و آرایش صورت که اضطراب درونی و فقدان اعتماد به نفس را پنهان می کند، نیست؛ بلکه پیش از

هر چیز، مدیون قدرت تفکر، سلامت جسم و کمال نفس است. چه بسیار دخترانی که به سبب شوق دست یابی به نشانه های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی و اضطرابات گوناگون دچار گردیده اند. گمان و تصور یک دختر، این است که زندگی آینده اش، به اندازه بینی یا خمیدگی مژه هایش بستگی دارد؛ تا آنجا که حتی یک میلی متر کوتاهی طول مژه نیز می تواند به مسئله ای جدی و بحرانی واقعی در زندگی او تبدیل شود. (۷) آنچه این مشکل حادث می کند، این است که زنان بدحجاب، خیلی زودتر از زنان دیگر، زیبایی خود را از دست می دهند، زیرا در علم پزشکی اثبات شده است که برهنگی اعضای زن در محیط گرم یا سرد، سبب به هم خوردن تعادل چربی های زیر پوست شده، لطافت، ظرافت و صافی عضلات را به ناهمواری و مردانه شدن آنها مبدل می کند. (۸) افزون بر این، وقتی زن تمام زیبایی های خود را در معرض تماشای عموم قرار داد، دیگر چیزی برای جلب توجه ندارد و براساس قانون عرضه و تقاضا، ارزش خود را از دست خواهد داد. بنابراین، بدحجابی، هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی، به زن آسیب می رساند و عامل تشدید سرخوردگی و ناراحتی وی است. پی نوشت ها: ۱. آبراهام مزلو، انگیزش و هیجان، ترجمه: احمد رضوانی. ۲. احمد صبور اردوباری، آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۹۸. ۳. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه: عباس زریاب، ص ۱۳۵. ۴. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (حقوق زن در اسلام)، ص ۱۳۵. ۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام و همکاران، ج ۱، ص ۶۰. ۶. برتراند راسل، زناشویی و اخلاق، ترجمه: مهدی افشار، ص ۷۹. ۷. نوال اسعداوی، چهره عریان زن عرب، ترجمه: حمید فروتن، ص ۱۶۷. ۸. سید رضا پاک نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۱۹، ص ۶.

### حفظ حجاب و سلامت روانی جامعه

هیچ فردی حق ندارد از خود، تصویری به نمایش بگذارد که موجب آسیب های روحی و روانی جامعه و آزار دیگران باشد. اگر چه حجاب زنان و پوشش مردان تا حدودی امری شخصی و سلیقه ای و انتخابی است، ولی اصل مسئله پوشش با تفاوت های خاص مربوط به زن و مرد، امری اجتماعی و تکلیف است، نه حق. هر انسانی که در جامعه زندگی می کند، مکلف است به حقوق دیگران احترام بگذارد و کاری نکند که باعث آزار دیگران شود و چه آسیبی بالاتر از تحریک شهوت در نیروی جوان کشور و برهم زدن آرامش روانی جامعه. اسلام، تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه، اندیشیده و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است. وظیفه ای مشترک که آموزه های اسلامی هم برای مرد و هم برای زن مقرر کرده، مربوط به نگاه کردن است. زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند. همچنین وظیفه ای که برای زنان مقرر کرده، آن است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشانند و در اجتماع، به جلوه گری و دلربایی نپردازند و به هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بها نه ای، کاری نکنند که موجب تحریک مردان بیگانه شوند. با عفاف و حجاب و خویشتن داری، می توان از هرز رفتن استعدادها، توان ها و امکانات جلوگیری کرد و به بالندگی هنجارها و ارزش ها پرداخت. پایبند بودن به حجاب، آرامش خانواده و جامعه را بر هم و به التهاب دامن می زند. دلیل رواج بیماری های روانی در دنیای غرب، آزادی جنسی و تحریکات فراوان است که در جرایم، مجله ها، سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان ها و کوچه ها دیده می شود. در هر جامعه ای که روابط زن و مرد بر اساس عفاف بوده است؛ یعنی زنان در خارج از محدوده ازدواج، خود آرا و خودنما نبودند و وسیله تهییج مردان را فراهم نکردند و مردان هم در خارج از دایره ازدواج دنبال لذت طلبی و کام جویی نبودند، قلب ها و روح ها، آرام و سالم و در نتیجه، جامعه از نظر روانی در آرامش و سلامت بوده است. (۱) پی نوشت: ۱- یوسف علیپور باغبان نژاد و اصغر رضایی، حجاب؛ آزادی یا اسارت، صص ۱۵۹-۱۶۳ (با تلخیص).

### کارکردهای مختلف حجاب

نویسنده: ابراهیم شفیعی سروستانی چرا حجاب؟ در مورد فلسفه و چرایی حجاب و پوشش اسلامی بانوان بسیار سخن گفته اند و بسیاری از صاحب نظران با بهره گیری از آیات و روایت یا با استفاده از دستاوردهای علوم مختلف به بررسی این موضوع پرداخته اند. با توجه به اهمیت موضوع یاد شده، در اینجا به اختصار سه کارکرد حجاب را بررسی می کنیم تا از ره گذر شناخت کارکردهای مختلف حجاب، به درک روشن تری از فلسفه و چرایی آن برسیم. ۱. حجاب و حضور اجتماعی زنان اسلام حضور اجتماعی زنان را به رسمیت شناخته و با پرده نشینی و انزوا گزینی آنان مخالفت کرده است. لازمه حضور زنان در اجتماع، فراهم آوردن زمینه ای است که در آن شخصیت انسانی و ویژگی های متعالی زنان تحت تاثیر جمال ظاهری و ویژگی های زنان آنان قرار نگیرد و همواره به عنوان بخش جدایی ناپذیر جامعه که در همه ویژگی های انسانی با مردان مشترکند، پذیرفته شوند. اسلام با واجب کردن پوشش خاص بر زنان و الزام آنان به پوشاندن جمال خود در برابر مردان نامحرم، این زمینه را فراهم آورده است که زنان به راحتی و بدون هیچ نگرانی از اینکه ویژگی های انسانی و توانمندی های فردی آنها تحت الشعاع ویژگی های ظاهری و جذابیت های جنسی آنها قرار گیرد، به عرصه فعالیت های اجتماعی روی آورند و از تبدیل شدن به کالای جنسی در امان مانند. ۲. حجاب و ارضای درست قوای شهوانی مکتب اسلام با پرهیز از هر گونه افراط و تفریط و نگاهی کاملاً متعادل به انسان و ویژگی های طبیعی او، امکان بروز و ظهور همه قوای طبیعی انسان ها را فراهم آورده و بر خلاف برخی ادیان و مذاهب خواستار سرکوب کردن برخی قوا، از جمله قوه شهوت نشده است. این مکتب انسان ساز، برای آنکه همه قوای طبیعی انسان در مسیر درست و متعادل امکان بروز و ظهور بیابند و گرفتار طغیان و سرکشی نشوند، شرایط و چارچوب هایی را برای به فعلیت رسیدن هر یک از قوا و ارضای آنها پیش بینی کرده است. از جمله، این مکتب ضمن به رسمیت شناختن قوه شهوت و میل به جنس مخالف، ارضای این قوه را تنها در چارچوب ازدواج شرعی پذیرفته و انسان ها را از اینکه قوای شهوانی خود را رها سازند و جامعه را به محلی برای ارضای این قوا تبدیل کنند، بر حذر داشته است. یکی از عوامل و زمینه هایی که موجب، مهار قوای شهوانی انسان و محدود ماندن آن در فضای خانواده و ازدواج شرعی می شود، رعایت پوشش و حجاب اسلامی از یک سو و نگاه داشتن چشم از نگاه های حرام از سوی دیگر است. به بیان دیگر، مکتب اسلام از یک سو، با موظف کردن زنان به پوشش و عفاف و پرهیز از خودنمایی و جلوه گری در جامعه و از سوی دیگر با مکلف کردن مردان به حفظ چشم های خود از نگاه های حرام، زمینه های تحریک جنسی در جامعه را به حداقل رسانده و شرایط را برای محدود ماندن راه ارضای جنسی به فضای خانواده و ازدواج شرعی، فراهم آورده است. ۳. حجاب و تحکیم بنیاد خانواده خانواده از منظر اسلام، اساسی ترین نهاد اجتماعی و هسته اولیه جامعه است. بر همین اساس، در مکتب اسلام، از خانواده به عنوان کانون مقدسی یاد شده است که باید از هر گونه آسیب و آفت در امان باشد. به بیان دیگر، از منظر اسلام نباید هیچ عاملی اساس این کانون را متزلزل کند و مودت و رحمتی را که در پی ازدواج میان زن و شوهر ایجاد شده است، خدشه دار سازد. بر همین اساس، مکتب حیات بخش اسلام، از زنان و مردان خواسته است که تمام مهر و محبت و عواطف و احساسات خود را تنها در کانون خانواده بروز دهند و با هر عاملی که موجب کم رنگ شدن مهر و محبت آنان نسبت به یکدیگر می شود، مقابله کنند. حجاب و عفاف زنان در جامعه و پرهیز آنها از هر گونه گفتار و کردار تحریک آمیز، در گفتار و رفتار عقیفانه مردان و خودداری آنان از چشم چرانی و نگاه به نامحرم، موجب مصونیت بخشیدن به کانون خانواده و پایداری مهر و محبت همسران نسبت به یکدیگر می شود. بی تردید مردی که در سرتاسر روز در معرض تحریکات مختلف جنسی قرار می گیرد و چشم و گوش او از دیدن چهره زنان نامحرم یا شنیدن صدای آنان پر می شود، به هنگام بازگشت به خانه هیچ میل و انگیزه ای نسبت به همسر خود نخواهد داشت. این موضوع مهم ترین زمینه ساز کم رنگ شدن روابط زناشویی و سست شدن بنیاد خانواده است.

نویسنده: مرضیه قاسمی / حجة الاسلام سید محمد رضا علاءالدین) بسمه تعالی چکیده: پوشش و حجاب پرتوئی از آفرینش الهی است که فلسفه وجودی آن حفظ مقام و ساحت مادی و معنوی زن و مرد و زمینه ساز رشد و کمال آن‌ها تا مراتب عالی انسانیت است. یکی از قوانین ربانی در شرایع الهی مسأله حجاب و پوشش بوده است و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش، عالم خبیر است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی انسان‌ها به خصوص زن را در پوشش و عفاف و حجاب دانسته است، آیات نورانی قرآن کریم این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین و سیره ی قرآنی معصومین (علیهم السلام) به ویژه سیره معصومه کبری فاطمه زهرا (س) آن را به بهترین شکل به منصف ظهور و اجراء در صحنه زندگی رسانده اند. در این مقاله، پوشش به عنوان یک خواسته فطری و عقلانی انسان مورد توجه قرار گرفته و بر همین اساس این حکم امضائی اسلام در شرایع و ادیان آسمانی قبل از اسلام نیز مورد جستجو و بیان، واقع گردیده و آن‌گاه معنای لغوی و اصطلاحی حجاب در قرآن کریم مشخص و آثار و برکات حجاب از جمله رشد و حفظ عفاف و حیا مورد توجه و نقش آن در پایداری نهاد مقدس خانواده بیان گردیده است و در پایان آثار زیانبار بی‌حجابی و بدحجابی ارائه شده است. از آن‌جا که این موضوع قرآنی نقش بارز و آشکاری در نهاد خانواده (از حیث آبادانی و رشد یا تخریب آن) دارد سعی شده همه این موضوعات با رویکرد به جایگاه نهاد خانواده از منظر قرآن ارائه گردد. کلید واژگان: حجاب و پوشش، حیا جایگاه خداوند در قرآن و روایات مقدمه: وضع و جعل احکام دین از طرف شارع مقدس حضرت حق تبارک و تعالی منطبق با فطرت، عقل و حکمت بوده و هر کدام از آن‌ها از هدفمندی خاصی برای رشد و تعالی انسان برخوردار بوده اند حجاب و پوشش قرآنی یک حکم از مجموعه احکام واجب الاجراء الهی است که از اهداف، آثار، برکات و نقش آفرینی‌های خاصی برخوردار است و اگر حقیقت این حکم برای انسان‌ها روشن و آشکار گردد بعید است که فطرت‌های سالم و خداخواه تسلیم آن نشوند و آن را اطاعت نمایند. قرآن کریم دین را فطری می‌داند یعنی دین بنیان‌کننده ی طبیعی ترین قوانین وجود بشری است و به عبارت دیگر دستورات اسلامی منطبق بر مسیر شکوفائی فطرت بشری است و با کمی دقت بر این دستورات و احکام فطری، اهداف، آثار و نتایج عقلانی و حکمیانه آن‌ها نیز آشکار می‌گردد. بر همین اساس حجاب و پوشش اسلامی که یکی از اوامر انسان‌ساز الهی و یکی از احکام حیات بخش اسلام در زندگی طیبه است و منطبق بر فطرت بشر و مبتنی بر نیازها و شرایط روانی او و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی خواهد بود و اصولاً عمل به قوانین اسلام یک عمل اعتباری و قراردادی نیست بلکه عمل به قوانین اسلام یعنی پاسخ‌گوئی به نیاز فطرت است. جنس زن از دیدگاه اسلامی دارای شخصیت شایسته و موقعیتی الهی است که می‌تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت راه یابد. دامن زن مدرسه انسان کمال جو است و جایگاه الهی و والای این گوهر آفرینش اقتضاء دارد که در قلعه مستحکم حجاب و پوشش قرار گیرد تا ارزش‌های او مصون و محفوظ بمانند. طرح یک سؤال اگر میل به پوشیدگی و حجاب ریشه در فطرت آدمی دارد پس چرا میلیون‌ها انسان در سراسر جهان نیم برهنه و بی حجاب هستند؟ پاسخ به این سؤال جواب‌های متنوع و متعددی را می‌طلبد که به ترتیب به طرح آن‌های می‌پردازیم: \*ج ۱) میله به پوشیدگی ریشه در فطرت انسان دارد و تمایل به پوشش و حجاب کامل بازگشتی به فطرت اصیل انسانی است. قرآن کریم انسان را صاحب فطرتی می‌داند که نیازهای او و پاسخ‌گوئی به آن‌ها را براساس آن (فطرت) و در امر به پوشش و حجاب به عنوان یک امر و نیاز فطری و وجودی انسان آن را سبب ساز برمی‌شمرد. سلامت جسمی، روحی و روانی و فکری و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی قلمداد می‌کند کسانی که این فطرت الهی را در ساختار وجودی خود نادیده گرفته و به آن پشت پا زده و به انکار آن پرداخته‌اند به سمت برهنگی و نیمه‌عریانی روی آورده و انحراف آنان ربطی به واقعیت وجدان طبیعی و ساختمان فطری ایمان و اخلاق بشر ندارد. \*ج ۲) غفلت از نیازهای فطری و یا تغییر دادن نحوه پاسخگوئی به آن‌ها ناشی از ناآگاهی و دوری از آموزش‌ها و هدایت‌های الهی است که موجب گردیده ناخواسته در مسیری بر خلاف فطرت الهی خود گام بردارند. \*ج ۳) دین زدائی و تبلیغات علیه دین و ارزش‌های دینی که منطبق با فطرت است از یک سو و تمایلات نفسانی و شیطنانی

انسان و گرایش او به هوس رانی و تنوع طلبی بی حد و حصر و تلقین های رنگارنگ در قالب آموزش های اجتماعی از سوی دیگر موجب دوری انسان از فطرت و سقوط در برهنگی و عربانی و بی حجابی عصر حاضر شده است. حجاب و پوشش حکم امضائی اسلام: لباس پوشیدن و پوشش اندام، شأنی از شئون انسانی و پدیده ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر سابقه و به قدر پهنه ی جغرافیای امروزی زمین گسترش داشته و دارد و این موضوع رابطه مستقیمی با سلامت خانواده و تحکیم و استمرار او دارد. و اما پرداختن به این موضوع مستلزم نگرشی به تاریخ مستند حجاب و پوشش در ادیان الهی است. با بررسی متون دینی اعم از تورات، انجیل و قرآن کریم و بررسی قوانین مدنی در جوامع قبل از اسلام مانند هند، یونان و ایران که تابع ادیان الهی و متون مقدس بوده اند در خواهیم یافت که حجاب و پوشش زنان و مردان یک فضیلت اخلاقی و انسانی در تمدن های بشری به حساب می آمده و مردم خود را مقید به آن می دانسته و انحراف از آن به نوعی بد اخلاقی و مقابله با ارزشهای تثبیت شده تمدن های بشری بوده که مؤاخذ و مجازات به همراه داشته است. قرآن کریم حجاب و پوشش را در خصوص اولین رسول الهی و خانواده او مطرح می سازد و حضرت آدم (ع) و همسر گرانقدر او (حضرت حوا) را دارای حجاب و پوشش مناسب دانسته که با امکانات زمانه مظاهر شرم و حیا و عفت را به خوبی پوشش داده و خود را با آن پوشش و حجاب محفوظ داشته اند. همچنین قرآن کریم در آیه ۳۱ نور تاریخ حجاب را در جزیره العرب قبل از تشریح حکم حجاب را مطرح ساخته که زنان عرب با استفاده از روسری بلند خود را می پوشانده اند. (و قل للمومنات ... و لیضربن بخرمهن علی جیوبهن) (نور - ۳۱) از این که زنان مومن به قرار دادن روسری های خود بر گریبان ها (سینه ها) امر شده اند معلوم می شود این نحوه پوشش متعارف بوده است (حُجْر) جمع خمار به معنای مقنعه است که پوششی برای سر زنان و دو طرف آن در جلوی سینه رها بوده است (مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۷) همچنین آیه ۵۹ سوره احزاب اشاره بر این موضوع دارد زنان در جاهلیت و صدر اسلام برای پوشاندن بدن خود از روپوش های بلند استفاده می نمودند. اسلام عزیز با قوانین و احکام و حیانی اش به جنس زن احترام بخشید و او را به مقام واقعی اش رساند و برای حفاظت و حراست از او و ارزش های او حکم حجاب را امضاء و آن را به کمال رساند. زن مسلمان آن گاه که پیکر خویش را در حصار امین حجاب قرار می دهد ارزشمندی و جایگاه رفیع خود را می یابد و احساس می کند. حجاب در قرآن کریم: حجاب در لغت به معنای پرده، پوشش و حایل بین دو شیء است. زن محجوب، زنی است که با پوششی مناسب خود را به طور پوشانده باشد، مقصود از حجاب در این جا پوشاندن در طبق موازین شرع در برابر نامحرم است. ما در بررسی قرآنی حجاب ابتداء فلسفه حجاب، اهمیت حجاب و آثار حجاب و نقش آن در نهاد خانواده و احکام حجاب خواهیم پرداخت: فلسفه حجاب: در سوره احزاب آیه ی ۵۹ آمده است: (یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین) ای پیامبر به زنان و دختران بگو که فلسفه حجاب و پوشش کامل، امنیت، مصونیت و سلامت شما از آزار و اذیت دیگران است و موجب پاکی و عفت شما می شود و ای پیامبر تو موظف به آموزش و تعلیم کیفیت و کمیّت حجاب و پوشش هستی و بایستی فرمان خدا را به آنان ابلاغ نمائی. آیات ۶ سوره نور، ۵۳ و ۵۵ و ۵۹ سوره احزاب بر این مفاهیم دلالت دارند. اهمیت حجاب: قرآن کریم پوشش زن را نشانه عفت و پاکدامنی او دانسته و بر آن تأکید دارد. (و القواعد من النساء اللّاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرّجات بزینة ...) (سوره نور - ۶۰) همچنین قرآن رعایت حجاب از سوی زنان و دختران را نشانه پرهیزگار و تقوا پیشگی آن ها می داند (لا جناح علیهن فی آبائهن و لا ابنائهن و لا ... و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیداً) (احزاب - ۵۵) در آیه ۶۰ سوره نور حجاب و پوشش حتی برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشوئی مایه ی خیر و صلاح شمرده شده است. (و القواعد من النساء اللّاتی لایرجون نکاحاً ... و ان یتعففن خیر لهن) (سوره نور - ۶۰) آثار حجاب: قرآن کریم در مجموعه آیاتش پنج اثر را از آثار بارز و ظاهر رعایت حجاب از سوی زنان و دختران می داند. رعایت عفت و حجاب، مایه ی بهره مندی زنان از آموزش الهی می گردد. (یا ایها النبی قل لأزواجک بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیهن ... و کان الله غفوراً رحیماً) (سوره احزاب -

۵۹) رعایت حجاب و پوشش برای زنان و دختران حتی زنان سالمند در جهت خیر و صلاح و سلامت آن هاست. (و القواعد من النساء الاتی لا یرجون نکاحاً... و ان یتتعفن خیر لهن) (سوره نور - ۶۰) رعایت حجاب و پوشش مناسب، راهی برای شناخته شدن زنان آزاده و با شخصیت است. (یا ایها النبی قل لازواجک بناتک و نساء المومنین... ذلک ادنی ان یعرفن) (احزاب - ۵۹) رعایت حجاب و پوشش مناسب زنان و دختران، مایه ی حفظ طهارت و پاکی مردان و زنان است. (و اذا سألتموهن متاعاً فسئلوهن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن) (احزاب - ۵۳) رعایت حجاب و پوشش زنان مایه ی مصونیت آنان از تعرض هوسرانان و سلامت یابی آن ها می شود. (یا ایها النبی قل لازواجک بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن... ادنی ان یعرفن فلا یؤذین) (احزاب - ۵۹) صاحب مجمع البیان در ذیل آیه نوشته است احتمالاً مقصود از (یعرفن) شناخته شدن به عفاف و پاکی است که در نتیجه، اهل هوس مزاحم آنان نشوند و مقصود از جلا بییت روسری و مقنعه بوده که سر و صورت خود را با آن می پوشاندند. احکام حجاب: در قرآن کریم پانزده حکم کلی پیرامون حجاب و پوشش و نحوه ی آن در موقعیت ها و در نزد اشخاص و حالات ارائه نموده است. واجب نبودن حجاب برای سالخورده و ناامید از زناشویی، در صورت اجتناب از خودآرایی و آرایش (نور - ۶۰) حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آن ها در بدن بر زنان و دختران (نور - ۳۱) واجب نبودن پوشش صورت و دستها در زنان (نور - ۳۱) وجوب حجاب برای همسران و دختران پیامبر (ص) به عنوان الگوی زنان دیگر (احزاب - ۵۹) وجوب پوشش زیورآلات و مواضع آن از سوی زنان مسلمان به هنگام رویارویی با زنان غیر مسلمان (نور - ۳۱) واجب نبودن حجاب بر زنان برای شوهر، پدر، پدرشوهر، پسران و... (نور - ۳۱) عدم وجوب پوشش زیورآلات و مواضع آن بر زنان مومنه هنگام رویارویی با زنان مومنه دیگر (نور - ۳۱) واجب نبودن پوشش زیورآلات و مواضع آن برای زنان به هنگام برخورد با غلامان مملوک خود (نور - ۳۱) واجب نبودن پوشش زیورآلات و مواضع به هنگام مواجهه با خدمتگزاران بی رغبت به امور زناشویی (نور - ۳۱) واجب نبودن پوشش زیورآلات و مواضع آن بر زنان در رویارویی با کودکان غیر ممیز (نور - ۳۱) اولویت رعایت حجاب بر زنان و دختران پیامبر (ص) (احزاب - ۵۹) زنان مؤمنه موظف به پوشاندن سر و گلو و سینه خود از نگاه نامحرمان هستند (نور - ۳۱) زنان مؤمنه موظف به پوشاندن پاها و زینت های آن هستند (نور - ۳۱) زنان مؤمنه موظف به رعایت پوشش و حفظ خود از نامحرم هستند (احزاب - ۵۳ و ۵۴) واجب نبودن حجاب برای زنان مومنه در مواجهه با محارم خود (پدران، پسران، پسران برادر، خواهر و زنان مومنه دیگر (احزاب - ۵۵) حجاب و پیوند با آن حیا: برآیند تفسیری قرآن دلالت بر پیوستگی حجاب با حیا مثبت دارد. از این رو این بخش از پژوهش به مفهوم حیا و حیا در قرآن و ضرورت حیا در بانوان پرداخته شده است. مفهوم حیا: معادل فارسی حیا شرم و آزر است علامه مجلسی درباره حقیقت حیا می نویسد حیا است که موجب گرفتگی نفس از ارتکاب کار زشت می شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری بر خلاف آداب، از ترس سرزنش می گردد. حیا مانع از آن می شود که انسان هر چیزی را که از قلبش می گذرد بر زبان آورد، حیا برای هر انسانی نیکوست اما در بانوان نیکوتر و زینده تر می باشد، لذا در روایاتی حیا به ده قسمت تقسیم شده است که نه قسمت آن، از آن زنان و یک قسمت از آن مردان شمرده شده است. حیا در قرآن (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيً عَلَى اسْتِخْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ) (قصص - ۲۵) ناگهان یکی از دو زن، به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت گفت: پدرم از تو دعوت می کند... ضرورت حیا در بانوان حیای زن همانند دژی است که زن به خودی خود در روابطش با مردان برای خویش در نظر می گیرد. یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان حفظ عفت و کنترل شهوت است. امام علی (ع) می فرماید: علت پاکدامنی حیاست. حیا یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. پوشش و حیا دو مقوله ی جدایی ناپذیرند زیرا تا جلوه ای از حیا در زنی وجود نداشته باشد، پوشش را هم به طور کامل رعایت نخواهد کرد. زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش کامل از نمایش دادن موی سر و زینت های خود شرم دارند. \*نقش حجاب و پوشش مناسب در حفظ نهاد خانواده: زن و مرد به عنوان دو رکن خانواده، لباس هم و آبروی هم هستند و حجاب زن آسودگی فکر مرد و



سلامت خانواده را به همراه دارد و این موضوع در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. ۱- آرامش روحی: خانواده (زن و شوهر) در قرآن کریم آیاتی از آیات خدا و مایه آرامش روحی شمرده شده است. چنان که خداوند فرموده است: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) (روم - آیه ۲۱) و از نشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این امر نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. ۲- زینت بخشی یکدیگر: (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) (بقره - آیه ۱۸۷) آن ها لباس شما هستند، و شما لباس آن ها؛ هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرند. لباس وسیله پوشش و حفاظت بدن است. و به قول علامه طباطبائی در این آیه استعاره بسی لطیف به کار برده شده است. زن برای مرد و مرد برای زن به عنوان لباس و پوشش می باشد که همدیگر را از آلودگی و فجور محافظت می کند و نیز همان طوری که لباس مایه زینت و زیبایی برای انسان است، زن و مرد نیز مایه زینت و زیبایی برای یکدیگرند. ۳- محبوبیت و عزت بخشی: نظام خانواده نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از او پایه ریزی نشده است. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: (در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نظر خداوند بنا نشده است). نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته در اسلام برخوردار است که حتی تأثیری روی ثواب عبادت و بندگی می گذارد، تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. امام باقر (علیه السلام) فرموده است: (دو رکعت نماز مرد متأهل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند). این روایات و نیز روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده و تشکیل آن را تعیین می کند. \*نتایج حجاب در استحکام و سلامت بخشی خانواده: بدون شک جامعه ای از سلامت کامل برخوردار است که خانواده به عنوان جزء کوچک آن جامعه از سلامت و استحکام کامل و کافی برخوردار باشد، از این رو، اگر خواهان سلامت و تقویت بنیان جامعه هستیم، باید همه نیروهای خود را در جهت استحکام و تقویت پیوندهای خانوادگی بسیج کنیم. در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوی و هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که با بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شگفتی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است. آری بای حجابی روابط آزاد و نامشروع جنسی جامعه را فرا می گیرد و به همان نسبت کانون خانواده ها سست شده و آمار ازدواج کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به جدایی و طلاق منجر می شود. بنابراین وجود خانواده سالم و مستحکم در گرو گسترش فرهنگ حجاب خواهد بود. پی نوشت: ۱- مکارم شیرازی - ناصر - تفسیر نمونه، ج ۱۶ (جمعی از نویسندگان)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۳۰ شعبان ۱۳۹۹. ق. (مصادف با ۱۳۵۸. ش)، ص ۲۳ و ۲- احمدی، علی اصغر، فطرت بنیان روان شناسی اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲. ۳- همان. ۴- فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی کودک از نظر وراثت و تربیت (مجموعه ای از سخنرانی دانشمند معزز آقای فلسفی)، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۱. ق، ص ۲۹. ۵- استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، عطایی ۱۳۶۷، ص ۱۵ - ۱۳. ۶- همان. ۷- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش ۱۳۶۳. ش، ص ۵۳. ۸- حر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه ج ۱۴، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۰۳. ش، ص ۱۳۹ - ۱۳۸ - ۹- ضیاء پور، جلیل، پوشاک زنان ایران از کهن

ترین زمان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر ۱۳۴۷ □ . ش، ص ۱۶۵. ۱۰- شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران، دارالاسوه للطباعه و النشر ۱۳۷۴. ۱۱- مجلسی، محمد باقر، مرآت العقول، ج ۸، ص ۱۸۷. ۱۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۶۰. ۱۳- همان. ۱۴- شنوه ای، قوام الدین، حجاب در اسلام، ترجمه و اضافات از احمد محسنی گرگانی، قم، بی نا، ۱۳۵۲، ص ۱۴. ۱۵- اشتهااردی، محمد، پوشش زن در اسلام، قم، انتشارات ناصر، بی نا ۷۰. ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۲ □ . ش. ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۲ □ . ش. ۱۸- صدوق، محمد بن علی، الهدایه، چاپ اول، قم ناشر مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، ۱۴۱۸ □ . ق، ص ۲۵۷. ۱۹- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، چاپ دوم، قم آل بیت، ۱۴۱۴ □ . ق، ص ۷.

### پوشش در میان اعضای یک خانواده اسلامی

نویسنده: طاهره جعفری مسئله پوشش از بدو خلقت آدم و حوا(ع) وجود داشته و امری فطری است. هنگامی که شیطان آنها را برای خوردن میوه ممنوعه و سوسه کرد و آن دواز آن میوه خوردند، خود را عریان یافتند و این برهنگی، موجب شرمساری و پشیمانی آنان شد. در نتیجه، برگ های درختان را به خود پیچیدند و خویشان را پوشانند. عده ای گمان می کنند که در برابر افراد نامحرم باید حجاب را رعایت کنند، در حالی که این مسئله دامنه گسترده تری را دربر می گیرد و افراد خانواده و محارم را نیز شامل می شود. این موضوع در برخی از خانواده ها اهمیت چندانی ندارد و به این امر و لوازم آن کمتر پرداخته می شود. هر انسانی برای خود محدوده و حریمی دارد. «حرم» یا «حریم» به محدوده ای گفته می شود که متعلق به انسان است و دفاع و حمایت از آن واجب و احترامش لازم باشد. وارد شدن به حریم شخصی و خصوصی افراد، به ترتیب نسبت، در درجه های مختلفی قرار می گیرد و مقدار پوشش را برای افراد مشخص می کند. برخی از پوشش ها نیز به منظور احترام به شخص مقابل صورت می گیرد. حال به مقدار پوشش، لزوم و چرایی بعضی از حجاب و پوشش ها اشاره می کنیم. پوشش هنگام نماز و عبادت در برابر خداوند متعال همان گونه که همه می دانیم، خداوند تنها کسی است که همواره بر کارهای ما شاهد و ناظر است و ذره ای از حرکت ها و رفتارهای ما از او پنهان نمی ماند و پیر ظاهر و نهانمان از خود ما نیز آگاه تر است. بنابراین، چرا هنگام عبادت باید خود را بپوشانیم و نماز و دیگر عبادت ها و مناجات های خود را با پوشش به جای آوریم؟ در پاسخ می گوئیم چون در این هنگام، با نیت قلبی و قلبی، قصد حضور در پیشگاه مالک آسمان ها و زمین را داریم و لازمه تشریف به محضر بزرگان، پوشیدن بهترین لباس هاست. پس چه کسی بزرگ تر و محترم تر از خداوند قادر قهار؟ بدین ترتیب، برای احترام و عرض ادب به آستان کبریایی او، خود را در پیشگاه مقدسش می پوشانیم و با پذیرش حجاب به عبادت او دل می سپاریم. پوشش در برابر نامحرم نخستین و اصلی ترین نوع پوشش است که خداوند به مسلمان امر فرموده است. بیشترین رعایت در حجاب، در برابر افراد غیر هم جنس که محرم انسان نیستند باید صورت پذیرد. پوشش در برابر بزرگان برخی پوشش ها در مقابل بعضی افراد، جنبه احترام به آنها را دارد، مانند روسری به سر کردن عروس خانواده در برابر مادر شوهر، پدر شوهر و دیگر افراد محرم که در میان بعضی از قوم ها و قبیله ها مرسوم است. همچنین در برخی نقل قول ها آمده است که دختران بزرگان جامعه و افراد بلند پایه و نام آور وقتی می خواستند خدمت پدر خود برونند، برای احترام، با روسری و چادر نزد او می رفتند. پوشش مرد در برابر مرد و پوشش زن در برابر زن مرد نمی تواند با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن به بدن زن دیگر نیز با قصد لذت حرام است. امام صادق(ع) می فرماید: «سزاوار نیست زن مسلمان پیش زنان یهودی و نصرانی بی حجاب شود؛ زیرا آنان نزد شوهران خود، اندام او را توصیف می کنند.» همچنین از پیامبر گرامی اسلام(ص) روایت کرده اند که فرموده است: زن با ایمان با زنی که اوصاف او را برای شوهرش، بیان می کند، هم نشین نمی شود. هر گاه صفات و اندام او را برای

شوهرش تعریف کرد، مثل این است که آن مرد به آن زن نگاه کرده است. (۱) پوشش اعضای خانواده فرزندان بیشتر از چگونگی پوشش پدر و مادر الگو می‌گیرند. پدر و مادر نباید با این شعار که چهار دیواری اختیاری است و به بهانه اینکه همه خانواده، محرم یکدیگرند، هرگونه خواستند، بپوشند و هرچه خواستند، با هم بگویند. چگونگی معاشرت در بین تک تک افراد خانواده هم باید تابع مقررات ویژه ای باشد. مادر و دختران خانواده باید از پوشیدن لباس های کوتاه و تنگ و آرایش های زننده خودداری کنند. پدر و مادر باید در حضور فرزندان از بیان برخی حرف ها و حرکت های تحریک آمیز بپرهیزند که اگر جز این باشد، راه را برای بلوغ جنسی زودرس فرزندان و در نهایت، فساد اخلاقی آنها فراهم می‌آورند، به ویژه اگر در این خانواده اینترنت و ماهواره هم به آسانی در دسترس باشد. بی شک، دختر و پسری که از این خانه، خارج و وارد اجتماع می‌شوند، هرگز فرزندان یک خانواده قانون مند نیستند که در آنجا وقار و نجابت حرف اول را می‌زد و کسانی که با هم محرمند، نگاه شیطانی به یکدیگر نمی‌کنند. با این حال، اگر این مطلب را بپذیریم که شیطان همواره در حال اغوا و وسوسه کردن انسان هاست، با این حال وقتی همین انسان هایی که با هم محرم هستند، هرزگی در پیش گیرند و حرمت هایی که باید محفوظ بمانند، شکسته شود، خواه ناخواه شیطان در جان آنها هم رسوخ می‌کند. این بی بند و باری آنها را تا مرز سقوط اخلاقی پیش می‌برد و کم نیستند نمونه هایی از این دست که در رسانه های غربی و صفحه حوادث روزنامه های کشور منتشر شده و می‌شوند. اگر بی بند و باری و از طرف دو نفر که محرم یکدیگر بوده اند، صورت گیرد، بنا به دلایلی، این عمل به مراتب، شنیع تر و زشت تر از فساد اخلاقی دو نامحرم و مجازات آن بسیار سخت تر و رسوایی آن هم بیشتر است. بنابراین، نوع پوشش زن در برابر محارم نزدیک او مانند پدر و برادر بر اساس میانه روی باشد و با رعایت حدود اسلامی، در موقعیت های مختلف، با رعایت احکام درست آنها عملی شود. پوشش در برابر میهمانان (دوستان و آشنایان) معمولاً مردان با ایمانی که به زندگی خود، علاقه مند و از همسر خود راضی هستند، نوعی غیرت در وجودشان هست که به آنها این توانایی را می‌دهد که تا حد ممکن، از روبه رو شدن همسرشان با مردان غریب و نامحرم جلوگیری کنند. این افراد در نشست و برخاست های خود با میهمانان، جاهای جداگانه ای را برای زن ها و مردها در نظر می‌گیرند و سفره های مردان و زنان را جدا از یکدیگر پهن می‌کنند و خودشان نیز به افراد نامحرم، توجه و نگاه نمی‌کنند و همین توقع را نیز از همسرشان دارند. منابع: ۱. توضیح المسائل. ۲. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۹. ۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۸۴. پی نوشت: ۵۲. حجاب در اسلام، حاج شیخ قوام و شنوی، ص ۸۲.

## آثار حجاب

نویسنده: محمود قربانی مقدمه: موضوع این تحقیق آثار حجاب می‌باشد. لذا از نظرات اندیشمندان کمک گرفتیم و آثار حجاب را در ابعاد فردی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، روحی و روانی اقتصادی و امنیت زنان مورد مطالعه قرار دادیم. بسیاری جوانان ما امروز از آثار حجاب سوال می‌کنند. شاید هم یکی از علل بد حجابی در جامعه ما این باشد که زنان و دختران جامعه کاملاً با فلسفه حجاب آشنا نباشند. پس جا دارد که به عنوان یک مسلمان با فلسفه و آثار حجاب بیشتر آشنا شویم. آثار روحی و روانی: باعث ایمنی و سلامت نیمی از افراد جامعه از مبتلا شدن به بیماریهای روانی خواهد شد. - آمار وحشتناک خودکشی در غرب نشانگر میزان اختلالات روانی موجود در غرب است. در فرانسه سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی می‌زنند و طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا درصدد خودکشی برمی‌آید. پس به نمایش گذاشتن اندام و زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت بیماری روانی است بلکه بیماری زا بوده است و امراض روانی ایجاد خواهد کرد. از طرفی بی حجاب باعث ایجاد هیجانهای شدید در میان مردان مخصوصاً جوانان می‌شود. چراکه غریزه ی جنسی نیرومندترین غریزه در فرد است که با عشوهِ گری و آرایش و برهنگی زنان این غریزه شعله ورتگریده و باعث بیماریهای عصبی و امراض روانی می‌شود. (۱) با عشوهِ گری زنان این غریزه در مردان شعله ورت می‌شود. جوانان باید یا دست به فساد و عیاشی یا با تخیل با حالت افسرده و پریشان زندگی بیمارگونه خود را

ادامه داده آرامش خود و خانواده را برهم زنند. یکی از کارشناسان در این زمینه می‌گوید: دوستانه می‌گویم که در تمام کلینک‌هایی که با پسران جوان مبتلا به استمنا، ارتباط غلط، خودکشی کرده، فراریها و.. صحبت کرده‌ام متوجه شدم همه ریشه از تحریکهای جنسی توسط دختران بی بندوبار در جامعه گرفته است. روزی هزاران نامه دریافت می‌کنم که حکایت از روان پریشی مردان جوان دارد که با دیدن فلان شکل حضور زنان در جامعه به این روز افتاده‌اند. (۲) - آرامش روحی و روانی: زنی که دیده نشود مورد طمع قرار نمی‌گیرد، امنیت و آرامش خاطر از آثار بارز حجاب اسلامی است. انسان در پناه محافظ احساس آرامش بیشتری دارد و در صورت پیش آمد های احتمالی از مصونیت آن برخوردار است. پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاههای آلوده و آسیب های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می بخشد و هر چه این پوشش کامل تر گردد درصد امنیت و حفاظت آن بالا تر می رود. (۳) آثار معنوی: حجاب بال های پر پرواز فرشته های زمین است. زن پوشیده از بین خود و خدا، خدا را برگزیده است و از بین احکام دینی و خواسته های نفس به احکام دینی روی کرده است. چنین انتخابی به روحیه تفکر و عمل او حال و هوایی دیگر می بخشد و به پوشش او معنا می دهد و آنرا عملی منطقی، خداپسندانه و در راستای حرکت های تکاملی او قرار می دهد که به زیبایی های او تجلی بخشیده است. پوشیدگی زن نمود بارز تقوای اوست و او را از آثار تقوا بر خوردار می سازد. (۴) تمایلات جنسی انسان چون دریا طوفانی می شود و مهلک انسان است و درمان آن حجاب، داروی درمان کننده و موجب امنیت و صفای روحی است. زن تازه مسلمان شده آمریکایی می گوید: سلامت روح مرد و جامعه با نوع کیفیت پوشش زنان رابطه ی مستقیم و غیر قابل انکار دارد. (۵) آرامش جنسی پوشش مناسب زنان زمینه بسیاری از التهابات جنسی را از ابتدا از میان بر می دارد و از تحریک جنسی مکرر مردان و به وجود آمدن انحرافات و ناهنجاریهای بسیاری مانند چشم چرانی، بلوغ زود رس، خودارضایی، تجاوز و... جلوگیری می کند؛ به عبارت دیگر وجود پوشش اسلامی در جامعه به ایجاد فضایی کمک می کند که در آن به جای تحریکها و التهابات مکرر جنسی آرامش حاکم است. (۶) آثار اجتماعی از نظر اجتماعی زن هر قدر متین تر با وقارتر و عقیف تر و با حجاب تر باشد بر احترام و ابهتش می افزاید. استواری و استحکام جامعه - بی حجابی باعث فلج شدن نیمی از نیروهای افراد جامعه و آلوده شدن جامعه می شود. (۷) حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در بی حجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه تضعیف نیروی افراد جامعه مواجه باشد تمرکز نیروی او کاهش می یابد. (۸) آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می دهند یا وقتی که آرایش کرده اند؟ (۹) وقتی کار و شهنوت به هم آمیخت هم بازده کار کم می شود و احیاناً به صفر می رسد و هم ثبات و اطمینان و اعتماد، از محیط خانواده رخت بر می بندد. و این، نه یک ضرر، بلکه دو ضرر بزرگ است. (۱۰) آثار خانوادگی حجاب باعث بنیان خانواده بوده و نبودش باعث فحشا و تزلزل خانواده است. - عدم کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده چون در اثر ازدیاد زنان بی حجاب و بی بند و بار و آرایش کرده و عشوه گر، مردان تمایل کمتری به ازدواج خواهند داشت. چرا که زنان رنگارنگ و آرایش کرده در همه جا حاضر بوده و مردان با دیدن و ارضاء شدنشان با کمترین هزینه ها در مقایسه با هزینه هایی چنین تصور می کنند با ازدواج خود را محدود خواهند کرد. (۱۱) زنان با حجاب خود هم در تحکیم خانواده شخصی خود نقش دارند و هم در تحکیم خانواده دیگران. - اما نقش آن ها در تحکیم خانواده خود، به این لحاظ است که اعتماد شوهر را به پاکی خود جلب می کنند. - اما نقش آنها در تحکیم خانواده دیگران، مردان دیگر از تمتعات خارج از خانواده محروم می باشند لذا به همسران خود بیشتر توجه می کنند. (۱۲) از سوی دیگر رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان در برابر مردان یکی از مولفه های سامان دهنده روابط سالم زن و مرد در اجتماع است و زنان را از صورت کسانی که خواسته یا ناخواسته رقیبانی در برابر همسر مردان قرار می گیرند و مردان را به خود و زیبایی های خود می خوانند، خارج می کند و جاذبه های همسران را برای یکدیگر و درون خانواده نگه می دارد و باعث پدید آمدن جاذبه -

های بیشتر همسران برای یکدیگر می شود و از این راه به استواری بنیان خانواده کمک می کند. (۱۳) فلسفه ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او بشمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود. علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر آن شانه خالی می کنند همین است. (۱۴) حجاب مانع مقایسه می گردد. اما در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد. و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. (۱۵) آثار اقتصادی - تلاش و فعالیت بیشتر: در صورت با حجاب بودن زنان، وقت مردان صرف هوی و هوس و چشم چرانی و وقت زنان صرف آرایش کردن نخواهد شد. - صرفه جویی: زنان نیاز به هزینه های زیاد برای خرید لباس های مبتذل و وسایل آرایش آنچنانی نداشته. این باعث بهبود و وضع اقتصادی می شود. (۱۶) استفاده از حجاب و پوشش به ویژه در شکل چادر مشکلی به دلیل سادگی و ایجاد یک دستی در پوشش بانوان در بیرون منزل می تواند از بعد اقتصادی نیز تاثیر مثبت در کاهش مدپرستی بانوان داشته باشد البته به شرط اینکه خود چادر مشکلی دست خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکلی نیز مشاهده می گردد و به گونه ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکلی متین و با وقار به چادرهای مشکلی توری نازک و دارای طرح های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارد روی می آورند. (۱۷) اما رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان محیط را برای فعالیت های اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی سالم سازی می کند و به عنوان یکی از عوامل موثر، در کنار دیگر عوامل، زمینه مناسبات ناسالم را از بین می برد و از این طریق به بازدهی و شکوفایی بیشتر منجر می شود. در این صورت حضور زنان به عنوان بخشی از جامعه در عرصه فعالیت های مختلف معنا می یابد و از آفت مناسبت های ناصحیح و درگیریهای مخمل در محیط فعالیت می کاهد. علاوه بر این حضور خانم ها در حیطه های مختلف موجب رضایت خاطر آن ها می شود؛ چرا که حضور آنان به طور واقعی موثر خواهد بود و این رضایت مندی یکی دیگر از ابعاد و تبعات مثبت پوشش مناسب است که در زندگی کاری و در وضعیت فکری، عاطفی و رفتاری آنان به جا خواهد ماند. (۱۸) بهره مندی از پاداش الهی حجاب و پوشش اسلامی اگر به عنوان انجام وظیفه و تکلیف الهی رعایت شود از مصادیق روشن اطاعت از دستورات خدا و پیروی از سنت پیامبر اکرم بحساب می آید و اطاعت از خدا و پیروی از سنت پیامبر بر اساس آیات قرآن اجر و پاداش جاویدان الهی را بدنبال خواهد داشت. (۱۹) حجاب و تزکیه اگر انسان بر خواسته های نفسانی خود حاکم و مسلط شود و آن گونه که خدای سبحان می فرماید: نگاه هارا از جذابیتهای حرام دور سازید آغاز انحرافات بعدی را از خود دور ساخته و زمینه ی تزکیه، خودسازی و رسیدن به جوار قرب الهی را در خود ایجاد نموده است. لذا خدای سبحان از جملات آثار ارزشمند رعایت حجاب و خودداری از چشم چرانی و نگاه به نامحرم را تزکیه و خودسازی می داند. (۲۰) امنیت و حجاب امروز یکی از معضلات اجتماعی جوامع متمدن که آزادی زن را به سینه زده و او را به نام آزادی با پیکری عریان در صحنه ی اجتماع وارد می سازد مسئله امنیت زنان است. سیل تجاوز به عنف و حتی تجاوز به محارم و انواع خیانتها و جنایتها یکدیگر، دنیا را برای زن نا امن نموده و امنیت را برای او به آرمانی دست نیافتنی تبدیل نموده است. گزارشهای ناگوار و تکان دهندهای که از رسانه های گروهی دنیا در این زمینه در اختیار افکار عمومی قرار داده می شود، این مطلب را تأیید می کند و از بحران روحی و جنسی در جوامع امروزی خبر می دهد که هر دو دست در دست هم داده و امنیت زن را خدشه دار ساخته و آسایش خاطر او را سلب کرده اند. در حالی که حجاب اسلامی می تواند تا حدودی این مشکل را بر حل نماید. (۲۱) اما پوشش اسلامی چه در جوامع اسلامی و چه در جوامع باز غربی، راه را بر هر گونه تعرض از سوی جنس مخالف می بندد و حتی راه تخیل در این باره را سد می کند. در گزارشی

از دختران دانشجویی که در آمریکا مسلمان شده و پوشش اسلامی را انتخاب کرده اند همین نکته به چشم می خورد. آن ها همه به اتفاق گفته اند که پسران هم کلاسی شان برای ایشان (نسبت به دختران دیگر) احترام بیشتری قائل اند و دست ندادن و عدم شرکت در بازی های مختلط باعث شده که پسر ها در مناسبات شان همواره بیش از سایر دختران رعایت آن ها را کنند. (۲۲) بُعد فردی حجاب در بعد فردی مانع از روی آوردن فرد به انحراف جنسی می شود. حجاب در بعد فردی عدم تهیج جنسی می باشد. عده ای که می گویند باید محدودیت روابط پسر و دختر را برداشت تا حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کند و در غرب چنین کرده اند. در پاسخ گفته شده: مگر آیا حرص و طمع جنسی در غرب پایان یافته یا هر روز شکل های جدیدتری تمتعات و بهره برداری های جنسی در آنها رواج و رسمیت می یابد. یکی از زنان منصف غربی چنین می گوید: کسانی که می گویند که مسئله ی غریزه جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است! آری اگر از زن روی گردان و به بچه و سگ و یا همجنس روی آوردن حل مسئله است البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است. (۲۳) مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست. و این امر شخصاً از زمان رضاخان شروع شد. ایشان می نویسند: حفظ حجاب مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب است. باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردد. - جوانان را جهت تقویت روحیه و آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و رزمی رهنمون شوند. حفظ حجاب تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی مسئولان را از واردات کالی تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید. (۲۴) مطالعات قربانیان جنایت در سال ۲۰۰۴ بزرگترین و مطمئن ترین تحقیقات جرم شناسی آمریکا که هر سال توسط وزارت دادگستری ایالت متحده و گزارش در اکتبر ۲۰۰۵ بطور متوسط ۲۰۹۸۸۰ نفر قربانی هتک حرمت و تلاش برای آزارهای جنسی وجود داشته که نسبت به سال ۲۰۰۳ رشد داشته است یعنی تقریباً هر ۵/۲ دقیقه یک بار - این تعدیلات موجب بیش از ۳۲۰۰ مورد بارداری نامشروع می شود. - در تحقیقاتی که وزارت دادگستری و مراکز پیشگیری کنترل بیماری ها روی ۸۰۰۰ زن و ۸۰۰۰ مرد انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که بین یک سوم تا یک ششم زنان ایالات متحده در طول زندگی خود مورد نوعی آزار جنسی قرار گرفته اند. ۷/۷ میلیون زن، قربانی هتک حرمت یا تلاش برای هتک حرمت قرار گرفته اند که ۸۳٪ آنان زیر ۲۵ سال می باشند. - زنان حتی در محل کار هم مورد اذیت جنسی قرار می گیرند. در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۳۰۰۰ مورد حمله و آزار جنسی وجود داشته که (۹/۸۴ - ۹/۰٪) درباره زنان بوده. ۱۶-۲۴٪ از این آزارها شکایت می شود. (۲۵) حفظ شخصیت زن زنان خود نما مطلوبیت جنسی دارند اما محبوبیت ارزشی از آن زنان پوشیده است. بطور کلی نوع نگاه، گفتار و برخورد مردان و زنان از دو ماهیت متفاوت برخوردارند. برخورد با زنانی که از جلوگیری یا پوشش ناقصی برخوردارند - برخورد شهوی، تفریحی و ظاهری. اما برخورد با زنان پوشیده، برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی. اصولاً مردان ما قدرت ادامه ی نگاه به چهره زنان پوشیده را ندارند چه اینکه حجاب اسلامی نگاه شکنی است و سر به زیری مرد در هنگام سخن گفتن با زنان خود نوعی تکریم و احترام است. (۲۶) حریم نگاه داشتن زن میان خود و مرد یکی از مسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. (۲۷) ما تنها راه بالا- بردن شخصیت زن را حجاب می دانیم. - اگر او به حجاب روی آورد پایگاه خانوادگی اش قوی می شود مردها ناچار می شوند به زندگی خانوادگی خود ارج دهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. (۲۸) حجاب و آزادی زن زنان با حجاب در فعالیتها و رفت و آمد های خود آزادترند زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که این ها طعمه ملعبه نمی شوند و بنابراین کمتر مزاحمت برای آن ها ایجاد می کنند. (۲۹) حجاب و پاکیزگی زن قطعاً خانه برای اهل خانه حجاب است. پرده در منزل هم حجاب است. لباس زن و مرد هم حجاب است. اگر این پرده ها دریده شود اثر و نشانه ای باقی نخواهد ماند. (۳۰) حجاب و سلامت و زیبایی زن حجاب مانع جریان هوای نفس و نگاه های آلوده و میکروبهایی فساد به حریم پاک زن

است. زیبایی و ظرافت‌ها جسمانی او را از گزند آفتاب و سرما و آلودگی‌های جوی حفظ می‌کند. - امام علی (ع) می‌فرماید: حجاب زن‌ها را پاینده‌تر، سالم‌تر و پاکیزه‌تر نگاه می‌دارد. (۳۱) زنان پوشش و حجاب زن اهمیت و حکمت و آثار حجاب می‌نویسد در مورد پاکی دل‌های مردان و زنان و آلوده نشدن آن‌ها در قرآن می‌فرماید: *وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ* (احزاب، ۵۳) و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنها پاک‌دارنده‌تر است در امان ماندن از اذیت افراد سبک‌سر یا یه‌نبا نسی که *لَا يُؤْذِنَنَّكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّكَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا* (احزاب، ۵۹) ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده و مهربان است. *نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتِنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَمَّا تَخَضَّعْنِ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَئِنَّ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا* (احزاب، ۳۲) ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد و سخن پسندیده بگوید. (۳۲) آثار حجاب در قرآن حفظ امانت الهی: از نظر قرآن زن امین حق الله مطرح است یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و از او خواسته که از این حقش بعنوان امانت الهی محافظت نماید. یعنی زن کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست و حجاب زن حق الهی اوست. در اسلام عصمت و عفت زن حق الله است یعنی حتی اگر خود زن یا شوهر رضایت به بی‌عفتی و بی‌حجابی زن بدهد، کار تمام نیست زیرا زن ناموس خداست و با رضایت مشروع نمی‌شود. فرق کشورهای غربی با اسلام این است که در غرب اگر زنی بی‌عفتی کرد خود او یا پدر و مادر و شوهر او رضایت دارند مشکل حل است. اما در اسلام با رضایت کار تمام نمی‌شود. بلکه حکم خدا باید جاری شود. این نشانگر آن است که عفت زن از آن خداست و باید محفوظ بماند. همه‌ی این فرق‌ها حاکی از عظمت زن است که خداوند می‌خواهد حرمت او حفظ شود و مردها صرفاً جذاب بودن و با دید جنسی نگاه نکنند. از نظر قرآن زن امین حق الله مطرح است. یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود او است به زن داده؛ و از او خواسته که از این حقش به عنوان امانت الهی محافظت نماید. یعنی زن کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست؛ و حجاب زن حق الهی او است. (۳۳) در اسلام عصمت و عفت زن حق الله است. یعنی حتی اگر خود زن یا شوهر رضایت به بی‌عفتی و بی‌حجابی زن بدهد کار تمام نیست زیرا زن ناموس خداست. و با رضایت مشروع نمی‌شود. فرق کشورهای غربی با اسلام این است که در غرب اگر زنی بی‌عفتی کرد او یا پدر و مادر و شوهر او رضایت دادند مشکل حل است. اما در اسلام با رضایت کار تمام نمی‌شود بلکه حکم خدا باید جاری شود. این نشانگر آن است که عفت زن از آن خداست و باید محفوظ بماند. همه این حرف‌ها حاکی از عظمت زن است که خداوند می‌خواهد حرمت او حفظ شود. و مردها صرفاً جذاب بودن و با دید فساد نگاه نکنند. (۳۴) کار آمدی چادر و حجاب مشکی استفاده از چادر مشکی بر خلاف ادعاهایی به ظاهر علمی بعضی از افراد نه تنها عارضه‌ای منفی ندارد، بلکه با فلسه حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم یعنی عدم تهیج و تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروز در روانشناسی رنگ‌ها، اینکه رنگ مشکی صامت و غیر فعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی‌شود، یک واقعیت مسلم است. در کتاب شناسی رنگ‌ها درباره رنگ سیاه گفته شده است که سیاه نماینگر مرز مطلق است. بنابراین فردی که در مقابل نامحرم در بیرون منزل، از حجاب مشکی استفاده می‌کند با این کار، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می‌نماید. وقتی خانمی در بیرون منزل چادر مشکی بر سر می‌کند می‌خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود زیرا این حریم، حریم حیا و عفت است نه جای بی‌حیایی و هرزگی و هوس بازی، او با حجاب مشکی خود می‌خواهد نگاه هم‌چنین در روان‌شناسی رنگ‌ها آمده است که سیاه (نه) بوده و نقطه‌ی مقابل (بله) یعنی رنگ سفید است. بنابراین وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می‌کنند در واقع می‌خواهند به او نه بگویند و در مقابل آن‌ها بی‌حجابی لباس

سفید می پوشند در واقع راه نگاه ها را به سوی خود بازمی گذارند و آن هایی که لباس های رنگارنگ و جذاب می پوشند خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهند. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه ای در مقابل نگاه به رنگ های روشن چشم را بازمی کند. و برای دیدن و استمرار رغبت ایجاد می کند و استفاده بانوان از لباسهای رنگارنگ نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می گردد. (۳۵) نتیجه گیری: فوائد حجاب اسلامی ۱- ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه. ۲- جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی. ۳- کاهش تقاضای مد پرستی بانوان. ۴- حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه. ۵- مصونیت زنان در همه زمان ها و مکان ها. ۶- کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در سطح جامعه. ۷- حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در سطح جامعه. ۸- حفظ ارزش های انسانی مانند عفت، حیا و متانت در جامعه. ۹- هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرائز انسانی. ۱۰- از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نا بهنجار. ۱۱- سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی. ۱۲- مبارزه با تهاجم فرهنگی. پی نوشت ها: ۱- محسن عزیزی، حجاب آثار دنیوی و اخروی مجله آفتاب یزد ۲- محمد آصف عطایی، تخیل و تصور گناه و روان پریشی ۳- محمد رضا اکبری، کتاب حجاب در عصر ما، ص ۴۹۰- همان، ص ۵۸۹- مهدی واحدیان، سایت یزد فردا ۶- سید حمید میر خندان، حجاب در فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۰ ۷- محسن عزیزی، مجله آفتاب یزد ۸- پاسخ به شبهات ۹- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۲-۱۰ کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن، ص ۴۸-۱۱ محسن عزیزی، مجله آفتاب یزد ۱۲- کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن، ص ۵۶-۱۳ سید حمید میر خندان، حجاب در فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۷-۱۴ مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۹-۱۵ سید حمید میر خندان، حجاب در فرهنگ اسلامی ۱۶- محسن عزیزی، مجله آفتاب یزد ۱۷- پاسخ به شبهات ۱۸- سید حمید میر خندان، حجاب در فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۳-۱۹ محمد آصف عطایی، در سایت ۲۰- همان ۲۱- همان ۲۲- سید حمید میر خندان، حجاب در فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۳-۲۳ پاسخ به شبهات ۲۴- مهدی واحدیان، سایت یزد فردا، ص ۴۴-۲۵ سهیل تقوی، حجاب از منظر قرآن، ۲۶- محمد رضا اکبری، کتاب حجاب در عصر ما، ص ۸۹-۲۷ مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۵-۲۸ کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن، ص ۵۵-۲۹ همان، ص ۵۵-۳۰ همان، ص ۵۹-۳۱ محمد رضا اکبری، کتاب حجاب در عصر ما، ص ۱۲-۳۲ آثار قرآنی، بانک معارف قرآنی، سایر علوم ۳۳- همان ۳۴- عبدالله جوادی آملی، آئینه جلال و جمال، ص ۴۲۶-۳۵ حمید رزاقی، در سایت فهرست منابع: ۱- حجاب از منظر قرآن در نمایه. ۲- اکبری، محمدرضا، حجاب در عصر ما، چاپ ۱۳۸۰، انتشارات پیام. ۳- بانک معارف قرآن (سایر علوم). سایت. ۴- جوادی آملی، عبدالله، آئینه جمال و جلال، نشر اسراء، نوبت چاپ ۱۹. ۵- حجاب و آزادی، مجموعه مقالات کنگره اسلام و زن، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷. ۶- رزاقی، حمید، در سایت آفتاب، ص ۴۰، آثار رنگ ها. ۷- سایت پاسخ به شبهات دینی. ۸- عزیزی، محسن، (مقاله) در سایت. ۹- عطایی، محمد عاصف، (مقاله) در سایت ایشان. ۱۰- مطهری (ره)، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ ۴۱، فروردین ۱۳۷۴. ۱۱- میر خندان، سید حمید، حجاب در فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷. ۱۲- واحدیان، مهدی، سایت یزد فردا.

### حجاب زنان، طرحی برای پایداری عفاف آنان

این نوشتار در پی طرح و اثبات این مسئله است که حجاب و حیا نقش اصلی در حفظ و صیانت از فضای عفت عمومی دارد و باید به موازات سرمایه گذاری در ترویج حجاب به زمینه سازی برای تقویت حیا و آزرم پرداخت. نخست از فطری بودن پدیده حیا یاد می کند. آنگاه از نخستین اقداماتی که باعث در خطر قرار گرفتن این پدیده می شود سخن می گوید و بر این باور است که این اقدام نخست از سوی زن صورت می گیرد و سپس توسط مردم تقویت می شود. در ادامه به عوامل انگیزش پرداخته و در پایان



راهکار های جلوگیری از لغزش ها و خنثی سازی تأثیر عوامل یاد شده سخن گفته است . زنان در بسیاری از جوامع و فرهنگ ها مورد طعن و کنایه بوده اند و تعابیر ، ضرب المثل ها و نکته های انتقادی مختلفی درباره آنان گفته شده است . این پدیده به گونه های مختلفی قابل تحلیل است . از نگاه زنان ، این تعابیر آزار دهنده ، نمودی از مواضع سلطه جویانه و خود خواهانه مردان در طول تاریخ است . و از نگاه مردان ، تعبیر های انتقادی از زنان ریشه در عملکرد خود آنان و مکر ها و ترفند هایی دارد که به کار می گیرند تا آرا ، دیدگاه ها و تمایلات خود را تحقق بخشند ! اما اگر نگاه و تحلیل را فراتر از نگاه هر یک از دو جنس به دیگری ، قرار دهیم و در جستجوی دلیلی ریشه دار تر برای رفتار طبیعی انسان ها باشیم ، می توانیم به این واقعیت برسیم که در لایه های زیرین این انتقاد ها و عیب جویی ها چند نکته مهم نهفته است) ؟ . زن در همه جوامع و همه فرهنگ ها از توانمندی ویژه ای برخوردار بوده است که مردان فاقد آن بوده اند) ؟ . مردان با همه برتری قوای جسمی و صلابت روحی در همآوردی با زنان در زمینه برتری های ویژه آنان ، احساس ضعف و ناتوانی می کرده اند) ؟ . وابستگی مردان به زنان چنان جدی بوده است که معمولاً قادر به چشم پوشی از زندگی مشترک و یا کنار نهادن زن از صحنه زندگی نبوده اند . اگر این سه عامل را کنار هم گذاشته و با هم ملاحظه کنیم - ؟ ؛ نیاز - ؟ ناگزیری - ؟ نابرابری سلیقه ها و تمایلات و نگاه ها متوجه می شویم که نیاز و ناگزیری مردان از زندگی با زنان و دلبستگی به آنان از یک سو و تنوع نگاهی و سلیقه ها و انتخاب های آنان از سوی دیگر دو حالت متضاد را در مردان شکل می داده است ، حالتی که میان دو قطب دلباختگی و بدبینی در نوسان بوده و هست ، از یک سو شاعران همواره در لطیف ترین استعارات شعری ، ابرو و گیسو و قامت و نگاه زن را ستوده اند و به عاریت گرفته اند ، و از سوی دیگر در مکر و سلطه جویی و ناسازگاری و فزون خواهی او زبان به طعن و تمثیل گشوده اند . گاه او را مظهر محبت و فداکاری و شکیبایی دانسته اند و زمانی وی را به بی وفایی و حسادت و خودخواهی و سبک سری متهم کرده اند . گاه او را فرشته خوانده اند و زمانی وی را شیطان نامیده اند ! چنان که گفته آمد ، سرّ این تناقض گویی و تناقض پنداری مردان درباره زنان ، این است که مرد از یک سو به زن نیاز دارد و مجذوب و مفتون او است پس او را می ستاید ، از سوی دیگر احساس می کند که این جذب شدن و شیفته شدن هزینه فراوانی را بر دوش او نهاده است و در واقع آزادی او را سلب کرده و گاه تا سر حد اسارت و جنون وی را پیش برده است ، اینجا است که احساس نگرانی و خطر می کند و لب به انتقاد و عیب جویی می گشاید . اگر سؤال شود که به هر حال ، این مشکل ، مشکل مردان است یا زنان ؟ باید گفت ، مشکل یاد شده متوجه خود مردان است ، اما مردان به رغم توانایی های مختلفی که دارند و به طور طبیعی بارهای سنگین زندگی چون جنگ با دشمن ، دفاع از خانواده ، تأمین معاش و ... بر عهده آنان است اما معمولاً خود قادر به حل این مشکل نیستند بلکه کلید حل این مشکل در دست زنان است . آنچه مسأله را پیچیده تر کرده ، همین است که اسیر نگاه و جمال و محبت زن ، کلید زندان خویش را در اختیار ندارد و در چنین شرایطی است که وقتی عرصه بر او تنگ می شود ، زبان به تندی و اتهام و گلایه می گشاید ، ولی آیا همین نیاز و ناگزیری که مردان به زنان دارند ، به صورت متقابل وجود ندارد ، آیا زنان به همان اندازه نیاز به وجود و حضور مردان و همزیستی با آنان ندارند ؟ از نگاه قرآن ، طرح وجود زن و مرد ، طرحی متقابل است و همچنان که زنان لباس و پوشش دهنده نیاز های روحی و جسمی مردان هستند ، مردان نیز همین نقش متقابل را برای زنان ایفا می کنند اما وجود این طرح متقابل به معنای همسانی کارکرد آن دو ، در نظام طبیعت نیست بلکه بر عکس این تفاوت جاذبه ها ، روش ها و کارکرد است که به مسأله زوجیت معنا بخشیده و مکمل بودن را رقم زده است . قرآن که در بیان تساوی نهایی زن و مرد در طرح آفرینش می گوید : « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ » ( بقره ) / ??? / در بیان کارکرد هر یک از آن دو و نقشی طبیعی که ایفا می کنند ، بیان متفاوت دارد . قرآن ، نقش زنان در زندگی روزمره انسانها را ، آرامش بخشی و فارغ شدن از فشار های جسمی و روحی زندگی می داند : « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا » ( روم ) / ??? / و از نشانه های الهی این است که برای شما همسرانی قرار داد تا در کنار آنان آرامش یابید . « ولی وقتی می خواهد نقش و کارکرد مرد را در

زندگی برای زنان ترسیم کند می گوید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء) «??» / مردان مایه قوام و پایداری - مادی و معنوی - زنانند. « دو تعبیر «لِتَشْكُنُوا إِلَيْهَا» و «قَوَّامُونَ عَلَى» که در یکی «الی» و در دیگری «علی» به کار رفته است و همچنین دقت در متن معنای «لِتَشْكُنُوا» و «قَوَّامُونَ» می نمایاند که در کارکرد عینی، نقش پناهگاه، آرامش، تکیه گاه بودن، قوام بخشیدن و حمایت مقتدرانه از زندگی، به مردان واگذار شده است. زن سایبان است و مرد تکیه گاه، اگر این سایبان به استوانه ای مستحکم و معتمد تکیه داشته باشد، آرامش، آسایش و امنیت پایدار به زندگی انسان می بخشد ولی هریک بدون دیگری، زندگی را دشوار، غیر قابل آسایش و امنیت می کند. جذّابیت و دلبری از لوازم کارکرد طبیعی زنان بر اساس آنچه یاد شد، اگر زن می بایست در صحنه زندگی، نقش سایبان بودن، آرامش بخشی و التیام دهنده را ایفا کند، ناگزیر باید لوازم و امکانات و ابزار آن نیز مجهز باشد و خداوند این تجهیز را در دو ساحت انجام داده است-?: در بعد فیزیکی و اندام ظاهری زن-?. در بعد روحی، عاطفی و لطافت شخصیت او. زن با جمال و تجمل خویش، عنصری فعال، تأثیرگذار، فراخواننده و قاهر است و شگفت این که با انعطاف و انفعال ذاتی خویش، این تأثیر گذاری را افزایش می دهد، پایدار می سازد و ژرفا می بخشد. زن در نظام طبیعی انسان، صیادی است که صید می کند تا محبت بورزد و پیروان و ابزار این صید و امکانات آن که محبت ورزی و نوازشگری است به او داده شده است. چنان که مرد در نظام طبیعت، سلطانی است که اقتدار می ورزد تا حمایت کند و امنیت دهد و ابزار این اقتدار جویی در دو ساحت جسمی و روحی به او داده شده است. اما تاریخ از صیادان و سلاطین خاطره های سختی را به یاد دارد صیادانی که برای تفریح و لذت خود صید کرده اند و صید زخمی را به خود وا می نهاده یا می کشته اند. سلاطینی که اقتدار خود را با جباریت و خود خواهی و بی رحمی قرین کرده اند و خود بزرگترین نا امنی را برای دیگران فراهم آورده اند. نقش «صیادی» و «سلطنت» اگر در هم آمیزد، فاجعه ای سخت رخ می دهد. صیادی که صید کند تا بر صید خویش سلطه یابد و آن را اسیر و برده خود کند و زنی که دلبری و جلوه گری کند، با زیبایی و جمال خویش فرمانروایی کند، از ابزار خدا دادی خویش علیه اهداف هستی سود برده است. و سلطانی که عاشق صید و صیادی شود و از قدرت و امکانات خویش برای صید دیگران بهره جوید، کشتار گاهی به بزرگی حرمسرای پادشاهان خواهد داشت! و از «مردی» حیوان نر را به نمایش خواهد گذاشت که به چیزی جز نیاز جنسی پاسخ نخواهد داد و قبل از آن و پس از آن هیچ تعهدی را نخواهد پذیرفت. حجب، جمال جذّابیت تدبیری که خداوند به کار برده است تا زنان از جمال و جذّابیت خود در جهت ساختن و آرامش بخشی و اعتدال جامعه انسانی سود ببرند و ابزار کار آمد دلبری را در جهت سلطه و فریب به کار نگیرند، قرار دادن عنصر حجب و حیا در روح زن است. حیا و عفاف هم برای زنان لازم است و هم بر مردان تا گام از حریم اخلاق و اصول پذیرفته شده انسانی و الهی بیرون نهند، اما به دلیل توانمندی ها و جاذبه های خاصی که خداوند در زن قرار داده، عنصر حیا و عفاف، ضرورت بیشتری یافته است. اگر در برخی روایات آمده است که تمایلات طبیعی زنان افزون از مردان است، می تواند اشاره به جنبه های روحی و بدنی جاذبه آفرین زن باشد و نیز اگر آمده است که حیای زنان بیش از مردان است و باید باشد، بدان جهت است که همپای آن جاذبه و جلوه، اگر عفاف و حجبی هم وزن و هم سطح و نیرومند وجود نداشته باشد، از زن، عنصری فریبکار، سلطه جو، خود خواه و هوس پیشه پدید خواهد آمد، همان که در طول تاریخ مورد انتقاد قرار گرفته است و قرآن نیز به عنوان یک نمونه منفی، از آن در سوره یوسف یاد کرده است تا یکبار و برای همیشه هشدار دهد که اگر جمال و جلال، فارغ از حجب و عفاف باشد، نه مردان فاسد و هوس ران که مردان نیک اندیش و پاک را اسیر می کند و اگر نتواند روح آنان را بیالاید، جسمش را بی هیچ گناه زندانی می کند. نخستین گام، علیه فطرت «وَرَأَوْتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف) «??» / او آن زن که یوسف در خانه اش بود بارها خواست از او کام بگیرد و (روزی) درها را محکم بست و (در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف) گفت: بیا، بشتاب! یوسف گفت: پناه بر خدا. « بر طبق گزارش قرآن تنها زن عزیز مصر

اسیر عشق یوسف نبوده است که بگوییم شاید استثنا است بلکه تمام زنان مرفه که یوسف را دیده بودند و معمولاً از نظر فرهنگ زندگی و معیارهای اخلاق و میزان عفاف اجتماعی شبیه هم بودند، همین حالت را داشتند از این رو قرآن تعبیر «جمع» به کار می برد: «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یوسف) «??» / یوسف گفت: پروردگارا زندان نزد من محبوب تر است از آنچه اینان مرا به آن دعوت می کنند و اگر نیرنگ شان را از من نگردانی به آنان میل پیدا میکنم و از جاهلان می گردم «قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصِيصَ الْحَقِّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» (یوسف) «??» / فرمانروا گفت: داستان شما بانوان آنگاه که برای کام گرفتن از یوسف با او مراده کردید چیست؟ گفتند: حاشا که ما هیچ گونه بدی در او سراغ نداریم» از این بخش آیه استفاده می شود زن که دارای جاذبه ها و انعطاف طبیعی است اگر به دلیل رفاهمندی فراوان یا شرایط خاص زندگی و روابط اجتماعی از نظر روحی گرفتار کمبود عفاف شود، تعادل زندگی و امنیت فردی و اجتماعی را بر هم می زند و تبدیل به عنصری بد خواه می شود اما این به معنای بد ذاتی و بد سرشتی او نیست، چرا که همو آنگاه که به نوعی تعادل روحی باز گردد، به حقیقت پاکی اقرار می کند هر چند بر ضرر او باشد. اگر در قرآن از عشق و شیفتگی مرد به زن - به رغم جاذبه زیبایی زن برای مرد - به صورت مشخص که او را وادار به اقداماتی کند سخن نگفته است به آن خاطر است که در مسأله عشق جذابیت زن پیش زمینه، مجذوب شدن مرد است و از این جهت زن پیشگام تر از مرد است گر چه در ادامه این مرد است که تداوم بخش و تقویت کننده به شمار می آید. «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَيْنِ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» (آل عمران) «??» / دوست داشتن خواستنی ها از قبیل: زنان، پسران (فرزندان پسر)، کیسه های پر از طلا و نقره، اسب های نشان دار، دامها و کشتزارها برای مردم زینت داده شده است. این ها متاع زندگی دنیاست و خداست که نیک فرجامی فقط نزد اوست. «بر اساس این آیه مردان نسبت به زنان محبت و علاقه دارند اما این محبت و علاقه در چارچوب محبت به جاذبه های دنیا است و نه عشق جنسی ابتدایی و بنیادین، از این رو در ردیف علاقه به فرزند و مال و سرمایه قرار گرفته است. به تعبیر دیگر، محبت مرد به زن، در آغاز یک نیاز و گرایش طبیعی و آرام و رام است، آنچه آتش این محبت را می گدازد، نیرویی است که در اختیار زن است. گرایش زن به مرد هم در آغاز یک گرایش طبیعی و معتدل است و آنچه این گرایش را تند و بی کنترل می کند، تضعیف نیروی حجب و حجاب خود زن است و گرنه تمنا و نیاز مرد به تنهایی، شعله عشق را در وجود زن مشتعل نمی سازد. بلکه در نهایت به تقویت تکبر یا ترحم زن می انجامد. بنابراین از مجموعه داستان می توان نتیجه گرفت که جاذبه ها زن را بیشتر از مرد گرفتار آشوب و هیجان روحی می کند و به رفتارهای مخاطره آمیز وادار می دارد. حجاب زنان، طرحی برای پایداری عفاف آنان چنان که گفته آمد، نیروی حیا و حجب که عنصری درونی و روحی است، تدبیری از سوی خداوند برای کنترل آنان بر استفاده درست از جمال و جذابیت خود در عرصه زندگی و جامعه است. علاوه بر این خداوند تدبیری دیگر نیز به کار گرفته است تا زنان در تحکیم عفاف و حیای درونی خود موفق تر باشند و رعایت عفاف، آسانتر صورت گیرد و آن عبارت است از طرح «حجاب». از این رو خداوند احکام مربوط حجاب را چنین یاد کرده است: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور) «??» / و زینت های شان را - جز آنچه که خود نمایان است - آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گریبان خویش فرو افکنند و زینت خود را... آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای بر زمین نکوبند که زینت های مخفی آنان معلوم شود» «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور) «??» / و بر زنان و نشستگانی که امید ازدواجی ندارند گناهی نیست که لباس های خود را کنار بگذارند بی آنکه زینتی را آشکار سازند» «وَقَوْنٌ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب) /

«??» و در خانه های تان قرار گیرید و جلوه گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرد « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتِنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّفَقْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا » (احزاب) «??/ ای زنان پیامبر اگر شما تقوا پیشه کنید مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستند پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگوید» این نهی و باز داشتن بدون تردید از آن جهت صورت گرفته است که تمایل به جلوه نمایی به صورت طبیعی در زنان وجود دارد و اگر مدیریت و کنترل نشود منجر به لغزش های جدی می شود اما در مورد مردان نسبت به زنان چنین خطاها و نواهی وجود ندارد این نشان می دهد که از نظر قرآن در مردان این زمینه و مقوله های مشابه به صورت طبیعی و بنیادی وجود ندارد که آنان را به آرایش و جلوه گیری اندامی وا دارد و به جلب توجه زنان بکشاند، هر چند پدیده خود آرایی در حد ضعیف تر و عارضی تری در مردان نیز مشهود می باشد، اما گویی خود آرایی مرد، در میدان روابط آنان با زنان، حرف اول را نمی زند و اهرمی بنیادی به حساب نمی آید. از جمله آیاتی که نشان می دهد، سهم زنان در پاکی جامعه بیشتر و مهمتر است و اگر خطا و ناپاکی مشترکی صورت گیرد، این زن است که بگونه ای از توانمندی جنسی خود پاس نداشته و از عنصر حیا چشم پوشیده و درب حریم بر روی بیگانه گشوده است! این آیه می باشد که در خطای واحد، نام زن بدکار را بر مرد بدکار مقدم آورده است: « الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا » « زن زنا کار و مرد زنا کار را هر کدام صد ضربه شلاق بزنید» این در حالی است که وقتی به خطای سرقت و مجازات آن می پردازد از آنجا که ارتکاب این خطا در مردان رواج بیشتری دارد و یا به صورت کلان تری از سوی مردان صورت می گیرد نام «سارق» بر «سارقه» مقدم آمده است. « وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (مائده) «??/ و مرد و زن دزد را به کیفر آنچه مرتکب شده اند دست شان را به عنوان عقوبتی از جانب خدا قطع کنید و خدا عزتمند و حکیم است» با توجه به حکیمانه بودن گزینش و به کار گیری واژه ها در قرآن این تفاوت تعبیر در دو آیه با این که هر دو بیانگر کیفر هستند و هر دو از کیفر مرد و زن سخن می گویند، نشان از وجود خصوصیت و ویژگی روحی و باطنی دو جنس دارد که سبب تفاوت تعبیر شده است این ویژگی را مفسران به نقش آفرینی ویژه زنان در رابطه جنسی مربوط دانسته اند، طبرسی می گوید: « قِيلَ إِنَّمَا قَدَّمَ ذَكَرَ الزَّانِيَةَ عَلَى الزَّانِي لِأَنَّ الزَّانِيَةَ مَنَّهُنَّ أَشْنَعُ وَأَعْيَرُ وَهُوَ لِأَجْلِ الْجَبَلِ أَضْرَّ لِأَنَّ الشَّهْوَةَ فِيهِنَّ أَكْثَرُ وَعَلِيهِنَّ أَغْلَبُ » (طبرسی) «??/??-»، گفته شده است که نام زن زنا کار بر مرد زنا کار مقدم بیان شده است چون بی عفتی زنان زشت تر و باعث عار و ننگ بیشتر و برای بارداری نیز زیان بار تر است و نیز برای این که شهوت در زنان بیشتر و بر آنان مسلط تر می باشد « علامه طباطبایی نیز همین نظریه را به عنوان «قیل» - مطلبی که گفته شده است - یاد کرده است (طباطبایی) - ??/??، تعبیر «قیل» نشان می دهد که تحلیل یاد شده از نظر علامه قطعی نبوده است. بیضاوی نیز گفته است: « و انما قدّم الزانية لأنّ الزنا في الاغلب يكون بتعرضها للرجل و عرض نفسها عليه و لأنّ مفسدته تتحقق بالاضافة اليها » (البيضاوي، «??/??/زن زنا کار بر مرد زنا کار مقدم شده است چون غالباً زنا با عرضه کردن زن خودش را بر مرد تحقق می یابد و همچنین مفسد و پیامدهای بد زنا برای زن بیشتر است. « طبرسی در مورد آیه حد السرقة می گوید: « و بدأ بالسارق هنا لأنّ الغالب وجود السرقة في الرجال و بدأ في آية الزنا بالنساء فقال «الزانية و الزاني» لأنّ الغالب وجود ذلك في النساء » (طبرسی) «??/??-»، در این آیه سخن با مرد سارق شروع شده است چون سرقت از سوی مردان بیشتر است و در آیه زنا سخن با زنان شروع شده است و فرموده است: « الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي » چون زنا در زنان بیشتر است « یکی دیگر از آیاتی که در این زمینه شایان توجه می باشد این است که در مورد زنان مشرکی که متمایل به ایمان شده و می خواهند اظهار ایمان کنند و بیعت نمایند، از شرایطی که قرآن می آورد ترک زنا است: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسِرْنَ وَلَا يُزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهْتَانٍ يَفْتَرِيهِنَّ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعَصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (ممتحنه) «??/ ای پیامبر هر گاه زنان مؤمن - متمایل به ایمان و مصمم برای پذیرش آن - نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند بر این اساس که به هیچ

وجه به خدا شرک نوزند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و بهتانی را که میان دست و پای خود ساخته باشند به میان نیاورند (فرزندی را که از شوهرشان نیست به او نسبت ندهند) و در هیچ کار پسندیده ای مخالفت تو نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آموزش بخواه قطعاً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» اما مشابه این شرط در مورد مردان مطرح نشده است با اینکه زنا یک عمل دو نفره است و از نظر حرمت و کیفر برای هر دو یکسان است ولی در مرحله یاد آوری و تذکر و هشدار و پیشگیری، زنان بیشتر مورد هشدار قرار گرفته اند، زیرا بخش زیادی از مدیریت و کنترل عفاف یا بی عفتی تحت اراده آنان است. در برخی روایات تمایل و نیز قدرت جذب کنندگی و فریبندگی زن نسبت به مرد مطرح شده است: «النساء همهن الرجال» (کلینی) «???/?»، زنان توجه و اهتمام شان به مردان است» «قال رسول الله (ص): ما رأيت من ضعيفات الدين و ناقصات العقول اسلب لذی لب منكن» (کلینی) «???/?»، هرگز ندیدم یک عنصری سست ایمان و کم خرد بتواند یک انسان با شعور را بفربید آن گونه که برخی از زنان سست ایمان و کم خرد آنان را تحت تأثیر قرار داده و به رفتاری بی خردانه و می دارند. از این روایت استفاده می شود که اگر نیروی ایمان و اندیشه در زنان ضعیف باشد، می توانند نقشی منفی بزرگی در جامعه ایفا کنند، نه تنها مردانی شبیه خود را جذب کنند، بلکه مردانی که به صورت معمول و به طور طبیعی گام از حریم ارزشها و اخلاق بیرون نمی نهند گرفتار وسوسه شوند و تصمیم را از دست بدهند! این که یوسف صدیق در مناجات خود با خدا از کید زنان مرفه درباری به خدا پناه برده و از او استمداد کرده و می گوید اگر مرا یاری نکنی و نجات نبخشی، نگران آن هستم که من نیز به زنان تمایل پیدا کنم و خواسته واراده آنان در من تأثیر گذار شود با این که می دانم درخواست و روش آنان جاهلانه است (اصب الیهن و اکن، من الجاهلین) اشاره به همین معنا دارد. آفات حجب و عفاف، در زنان الف) مراودات و رفت و آمدهای نا صحیح: «امرأه العزیز ترأود فتأهبا عن نفسه قد شغفها حباً» (یوسف) «??/? / زن عزیز با رفت و آمدهای پیوسته خود، تلاش می کند تا خدمتکارش را به خود فرا خواند، محبت او لبریز شده و وجودش را پر کرده است.» (مصطفوی) «???/?»، از این آیه استفاده می شود که رفت و آمد های نادرست از یک محبت و علقه طبیعی می تواند یک انحراف و بیماری بیافریند. ب) به نمایش گذاشتن زینتها، آرایه ها و زیبایی های طبیعی: «ولا یُبدین زینتهن» (نور) «??/? / و زینت های شان را آشکار نکنند» «غیر متبرجات بزینة» (نور) «??/? / بی آنکه زینتی را آشکار سازند» «وقرن فی بیوتكنن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى» (احزاب) «??/? / و در خانه هایتان قرار گیرید و جلوه گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرید.» ج) نرمش در سخن گفتن: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفاً» (احزاب) «??/? / پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگوید.» د) انتخاب دوست از جنس مردان: «ولا متخذات أحنان» «و نه آنکه محرمانه دوست بگیرید» ه) خلوت با مرد بیگانه در محیط بسته: «وعلقمت الأبواب و قالت هیت» (یوسف) «??/? / درها را محکم بست و (در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف) گفت، بیا، بشتاب» و) ارتباط با محافل و جمع های ناسالم «قالت فذلک الذی لمتنی فیهِ ولقد راودتته عن نفسه فاستعصم ولئن لم یفعل ما أمره لیس جنن ولیکوناً من الصاغیرین» (یوسف) «??/? / بانو گفت: این است آن کسی که مرا در عشق او سرزنش کردید آری من از او کام خواستم ولی او خویشتن داری کرد و اگر آنچه را به وی فرمان می دهم انجام ندهد قطعاً زندانی خواهد شد و خوار و بی مقدار خواهد گشت» زمینه اتهام زنان به شیطنت و فریبکاری زن در نگاه نخست، عنصری فرشته خو و فرشته گون شناخته شده است و از این رو همواره در تخیل هنرمندان و تندیس آفرینان و نقاشان، فرشتگان، در هیبت و شکل و قامت زنان تجلی یافته اند. انسانها با اولین زنی که در زندگی خود مواجه می شوند، فرشته ای است که، مادر نام دارد، مظهر فداکاری و صمیمیت. شاعران و عارفان هرگاه خواسته اند ذهن خود و مخاطبش را به فضایی فراتر از عالم مادی ببرند و در ترسیم حقایق و ظرایف مبالغه کنند از خال و لب و ابروی زنان وام گرفته اند. با این همه چه شده است که زن در بسیاری از فرهنگ های اجتماعی با تعبیر تندی مورد انتقاد و نکوهش قرار گرفته و به شیطنت و مکاری متهم شده است. قرآن به این پرسش پاسخ داده

است و می‌گوید، زن زمانی که از توانمندی‌ها و امکانات ارزشمند خود، بهره صحیح نگیرد و زیبایی و جمال و ظرافت و لطافت طبع و اندام را با پوشش حجب و عفاف نیاراید چونان میوه با طراوتی است که چون پوسته آن جدا شود، به سرعت می‌پوسد و گندیده می‌شود. آن گونه که زن عزیز مصر با همه شکوه و بی‌نیازی و رفاهمندی و برخورداری وقتی پرده عفاف را کنار نهاد، از یک سو خود به زانو در آمد و در برابر جوانی خدمتکار به تمنا نشست، از سوی دیگر برای رسیدن به هوس خویش، معشوق خود را متهم و زندانی می‌کند و در نهایت، مهر فریبکاری را بر پیشانی خود و دیگر زنان می‌زند. « فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ » (یوسف) « ?? / پس آنگاه که عزیز مصر، مشاهده کرد پیراهن یوسف از پشت سر او پاره شده است - و فهمید که یوسف در حال گریز از دام گناه بوده و این زلیخا است که او را از پشت سر تعقیب کرده و پیراهن او را کشیده است - گفت: این رخداد از نیرنگ شما زنان است، چه این که حيله و نیرنگ شما بس بزرگ می‌باشد. » « تعبیر » إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ « سخن خدا نیست، بلکه سخن عزیز مصر است که فارغ از یک فرهنگ دینی است ولی به طور طبیعی متوجه می‌شود که آنچه رخ داده است نتیجه یک توطئه زنانه می‌باشد. عزیز مصر، توطئه زنان دربار را به حساب همه زنان تاریخ می‌آورد و چنین می‌نماید که اساساً جنس زن با کید و حيله همراه است. خداوند بی‌آن که کلام او را با اطلاق و شمولش تأیید کرده باشد، آن را صرفاً نقل کرده است تا نشان دهد که چه زمینه‌ها و کارکردهایی در تاریخ، زمینه‌های طعنه‌ها و بدگویی‌ها را علیه زنان فراهم آورده است. البته در آیات بعد، قرآن نیز بر این گونه رفتار عنوان حيله و نیرنگ و بر زنانی که چونان زنان مرفه درباری، قید عفاف دریده و گام از پرده روابط سالم بدون نهاده اند، عنوان حيله گر داده است. « قَالَ رَبِّ السَّيِّئُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا- تَصْرِفُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ) ?? (فَأَسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ) (یوسف) « ??-?? یوسف گفت: " پروردگارا! زندان نزد من محبوب تر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می‌خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود! پروردگارش دعای او را اجابت کرد؛ و مکر آنان را از او بگردانید؛ چرا که او شنوا و داناست! » قرآن با بیان سرگذشت یوسف نمی‌خواهد بگوید که توده زنان مانند زلیخا هستند و توده مردان مانند یوسف، بلکه به عکس می‌خواهد، زشت‌ترین نماد سوء استفاده یک زن را از امکانات و تمایلات خود به نقد کشد تا زنان به هوش باشند و متاع ارزشمند و موهبت‌های الهی خویش را با مقدماتی نادرست در بازار رسوایی و محرومیت به حراج نهند. و از سوی دیگر به مردان که معمولاً مقاومت کمی در برابر وسوسه‌های جنسی دارند و معمولاً جذب جاذبه‌ها و زیبایی‌ها ظاهری و رفتاری زنان می‌شوند، یوسف را به عنوان برترین و شکوهمندترین نماد مقاومت و پاکی و صداقت و نیک‌اندیشی معرفی کند و این سرگذشت عینی را عبرتی و الگویی برای زنان و مردان قرار دهد و در لابه‌لای آن، دهها و صدها نکته معرفتی و اخلاقی را مطرح سازد.

### حیا و عفاف عامل زندگی زیبا

خداوند می‌فرماید: هر مرد و زنی که کردار شایسته انجام دهد و با ایمان باشد، آنان را زندگی نیکو و پاکیزه می‌دهیم و به بهتر از آنچه عمل کرده‌اند، می‌بخشیم. بهره حقیقی هر مرد و زن با ایمان از زندگی، زیبا زیستن است. پروردگار می‌فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل: ۹۷) هر مرد و زنی که کردار شایسته انجام دهد و با ایمان باشد، آنان را زندگی نیکو و پاکیزه می‌دهیم و به بهتر از آنچه عمل کرده‌اند، می‌بخشیم. این شایستگی، برگرفته از درون پاک و خویشتن‌داری انسان است. حق تعالی در این باره می‌فرماید: يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ. (اعراف: ۲۶) ای فرزند آدم، بر شما پوششی فرستادیم تا زشتی‌هایتان را بپوشانید و تن را بیارایید و پوشش تقوا، نیکوترین جامه است و این (لباس) از نشانه‌های خداست تا

نعمت های پروردگار را یاد آورند. خداوند کریم در ادامه می فرماید: یا بنی آدمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا... (اعراف: ۲۷) ای فرزند آدم، مبادا شیطان شما را بفریبد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون ساخت و جامه عفت از تن آنان به در آورد تا زشتی هایشان را نمایان سازد. در این آیات، از لباس ظاهری و باطنی سخن می رود که هر دو پوشش انسانند. تکرار واژه «سوات» در آیات یادشده، نشانه آن است که لباس در پوشاندن اعضای بدن و عیب های آن و پوشاندن عضوهایی که آشکار بودن آن موجب شرمندگی انسان می شود، نقش بسیار مهمی دارد. حکایت حضرت آدم و حوا، فطری بودن نیاز به پوشش را اثبات می کند. زندگی آدم و حوا و غارنشینان نخستین که با برگ درخت و پوست حیوانات، خود را می پوشاندند، ثابت می کند که نیاز به پوشش، به مرور زمان و بر اثر پیدایش تمدن ها شکل نگرفته، بلکه از همان آغاز با بشر همراه بوده است. استاد مطهری درباره انتخاب پوشش زن می نویسد: دقیق ترین آنها (نظریه ها) این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است

### حجاب و استحکام خانواده

بسم الله الرحمن الرحيم حجاب از زوایای متعدد و مختلفی قابل طرح و بررسی است. حجاب از احکام فرعی دین است؛ یعنی جزء دستورالعمل ها و قوانینی است که در دین اسلام طراحی شده است. اهداف و کارکردها و فوایدی برای حجاب یا به عبارت دیگر، مصالحی برای آن وجود دارد. در خصوص بحث ارتباط حجاب و استحکام خانواده، ضرورت دارد مقدماتی را در ابتدا توضیح دهیم. نخست، باید خانواده را تعریف کنیم. تعریف خانواده از این جهت دارای اهمیت است که علی رغم وجودی که خانواده به عنوان مجموعه از نظر مفهومی و مصداقی برای ما یعنی کشورهای شرقی یا کشورهای با بافت سنتی یا کشورهای با بافت اسلامی دارد، امروزه در سطح مطالعات دانشگاهی و آکادمیک و در سطح آن اتفاقی که در روزمره زندگی انسان ها، به خصوص در دنیای غرب، اتفاق افتاده مفهوم خانواده وضوح و روشنی خود را از دست داده و مصداق خانواده دچار یک خطا شده است. مشکلاتی اتفاق افتاده که در خانواده تأثیر اساسی گذاشته است. منظور ما از اتفاق چیست؟ تعبیرهای متعددی درباره این اتفاق وجود دارد. دانشمندان و جامعه‌شناسان غربی تعبیر مختلفی از این اتفاق دارند. اوین تافلر می گوید: اتفاقی افتاده به نام «جبر تکنولوژی» دنیا به مرحله‌ای از صنعتی شدن رسیده که این صنعتی شدن خانواده را در موقعیتی قرار داده که ما ناچاریم آن را بپذیریم. خانواده دارای تعریف از نظر مفهومی و دارای مصداقی که در سال های پیش از دوران صنعتی شدن داشت، دیگر نخواهد بود. منظورش از جبر تکنولوژیک این است که صنعتی شدن پدیده‌ای است که در سطح فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و برنامه های متعدد تأثیر گذار بوده است. فقط زندگی ماشینی نشده، یعنی فقط سخت افزار به زندگی های ما انسان ها وارد نشده؛ بلکه این سخت افزار و ماشینیم، فرهنگی را وارد کرده است. این صنعتی شدن در روابط انسان ها با یکدیگر تأثیر گذاشته است. ما ناچاریم به خاطر وجود این پدیده، سطحی از تغییر را در مفاهیم اساسی زندگی خودمان بپذیریم. تافلر می گوید ما الآن وارد دنیای الکترونیک شدیم، وارد دنیای مجازی اینترنت و کامپیوتر شدیم. کلبه الکترونیک باعث می شود سطح روابط انسان ها از آن روابط ساده و بسیط وارد برنامه های پیچیده تری شود. از آثار مهم صنعتی شدن، کند کردن یا بی رنگ کردن یا بی محتوا کردن روابط عاطفی در خانواده، علاقه مندی و آزمندی شدید زنان و مردان در کسب ثروت و ورود به بازار اشتغال است. یکی از لوازم بزرگ صنعتی شدن که در زندگی زنان نقش دارد پدیده ارضای غرایز بدون داشتن فرزند است. اکنون زنان می خواهند در پدیده کنترل مولید، خودشان کنترل کامل داشته باشند و بدون این که مادر بشوند بتوانند زندگی متأهلی داشته باشند؛ می خواهند روابط جنسی آزاد داشته باشند. این اتفاق افتاد. این صنعتی شدن آثارش در بلوک غرب و شرق فرق می کند؛ یعنی در کشورهای که حکومتش لیبرالیستی است با

کشورهایی که حکومتش سوسیالیستی است دقیقاً دو گونه اثر متفاوت در زندگی زنان داشته است. در حال حاضر، این شرایط را اگر روی هم انباشته و انبار کنیم به وضعیتی می‌رسیم که خواه ناخواه در خانواده اثر جدی و مؤثری خواهد گذاشت. یکی از آن اثرها این است که انسان‌ها به گونه‌های مختلف برقراری ارتباط روی آوردند. این رابطه‌ها ممکن است رابطه‌های غریزی باشد؛ یعنی محور این رابطه، غریزه باشد. ممکن است محور این رابطه، عاطفه باشد. از این رو، خانواده‌های متعددی شکل می‌گیرند؛ خانواده‌هایی تک والد که فقط شخص می‌خواهد رابطه عاطفی خودش را حفظ بکند و به دنبال ارضای غرایز نیست. پس صبر می‌کند به گونه‌ای که در زحمت و دردسر نیفتد صاحب فرزند بشود. ممکن است این رابطه خیلی منحصر به فرد باشد؛ مثل رابطه دو همجنس. امروز در کشورهای اروپایی و آمریکایی به طور روشن از روابطی صحبت می‌کنند که بین دو همجنس برقرار می‌شود. در نتیجه، تصمیم گرفته شد براساس تغییراتی که در فرایند زندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشر رخ داد، گونه‌های مختلف خانواده را تعریف کنند؛ یعنی روابط را تعریف کنند. آن وقت طبیعی است که ما باید یک سری حواشی و مسائل جانبی را تغییر بدهیم تا کل سیستم با گونه‌های مختلف خانواده جور در بیاید. بعضی از جامعه‌شناسان غربی اعتقادشان این است که تغییراتی که در سطح خانواده رخ داد به مراتب سریع‌تر بود نسبت به تغییراتی که در هنجارها و اصول اخلاقی پذیرفته شده جوامع رخ داد؛ یعنی به آن سرعتی که خانواده‌ها تغییر مسیر دادند به همان سرعت اصول اخلاقی خانواده‌ها تغییر نکرد، اصول اخلاقی جوامع تغییر نکرد. در قدیم، رابطه بین دو همجنس یا رابطه خارج از روابط مشروع در بسیاری از فرهنگ‌ها به عنوان ناهنجار اخلاقی شمرده می‌شد. از این رو، سی - چهل سال پیش، جامعه‌شناسان غربی پیشنهاد دادند برای این که این گونه‌های مختلف خانواده احساس سرشکستگی و گناه نکنند و رابطه خودشان را رابطه غلط ندانند یا مثلاً اگر یک مادر برای پیشرفت شغلی سقط جنین می‌کند، خودش را مجرم نداند، هنجارها و اصول اخلاقی خودمان را تغییر بدهیم تا این افراد در این جوامع احساس ناراحتی نکنند. یعنی به این فکر نمی‌کنند که خانواده‌ای با یک تعریف روشن و ثابت و یک سری خواست‌ها و اهداف معین به نام خانواده طبیعی وجود دارد که در آن رابطه بین یک مرد و یک زن به پشتوانه قانون یا شریعت‌ها برقرار بشود و به عنوان تنها هسته پذیرفته شده قانونی حق حیات داشته باشد. اصلاً به این مسائل فکر نمی‌کنند. آنان معتقدند گونه‌های مختلف روابط در خانواده را باید بپذیریم. این بدین معنا حتماً خوب بوده که اتفاق افتاده. ممکن است بعضی‌ها هم مثل اوین تافلر معتقد باشند که اصلاً خوب نیست. برخی در کتاب‌های خودشان تصریح کرده‌اند که خانواده سنتی خوب بود اما اکنون جواب نمی‌دهد؛ چون افراد ناچارند به ازدواج‌های پیاپی و طلاق‌های پیاپی بیاورند، ناچارند به انواع رابطه‌های متعدد بیاورند. در نتیجه، اتفاقی که خواهد افتاد این است که باید اخلاق و قوانین متناسب با این گونه‌های مختلف خانواده تغییر بکنند. بنابراین، در حال حاضر، خانواده در دنیا از نظر تعریف و مصداق، در یک حالت سیالیت و عدم ثبات به سر می‌برد که تقریباً مرزهای شناخت آن در دنیا مشکل می‌شود. از این رو، در اسناد بین‌المللی به جای تعبیر خانواده سعی می‌کنند از تعبیر چهار دیواری که در آن زندگی می‌کنند استفاده بکنند که می‌تواند شامل گونه‌های مختلف برقراری ارتباط باشد. در میزان مرحوم علامه طباطبایی آمده که هدف اصلی و منحصر به فرد ازدواج، ابقای نسل است. این مسئله در دنیا دچار چالش است. می‌گویند نه، ما به شما نمونه می‌دهیم از میلیون‌ها افرادی که خانواده تشکیل می‌دهند که از اول به هم تعهد می‌دهند که هیچ‌وقت بچه‌دار نشوند؛ یعنی ابقای نسل اصلاً هدف آنان نیست. مسائل به آن صراحت و سادگی که ما در این شرایط در موضوعات مختلف الآن داریم فکر می‌کنیم در دنیا نیست. بنابراین، وقتی داریم راجع به خانواده بحث می‌کنیم، ابتدا باید به یک تعریف اجمالی و متفق‌العمل راجع به خانواده برسیم. سپس رابطه بحث خانواده را با مفاهیم مختلف، از جمله بحث حجاب، تعیین بکنیم. ما تصمیم می‌گیریم که خانواده را دارای بافت طبیعی بدانیم نه یک بافت تاریخی که به مرور زمان بر حسب شرایط ممکن است مدل‌های مختلف را بپذیرد. در حال حاضر، این اتفاق افتاده؛ یعنی انسان‌ها به گونه‌های مختلف و به اغراض مختلف تشکیل یک چهار دیواری می‌دهند و اسمش را می‌گذارند خانواده و کل سیستم‌های موجود اطلاع‌رسانی و خبر



سازی مثلاً فرهنگی هم در راستای ترویج همین تفکر است؛ اما ما اعتقادمان این است چیزی که اهداف اساسی و تکوینی را - که در نهاد خلقت وجود دارد - تأمین می‌کند، همان خانواده طبیعی با بافت معین خودش است. شاید به همین دلیل است که ما می‌بینیم با وجود همه تغییراتی که در سطح فرهنگ جوامع رخ داد، با وجود تمام تحولاتی که در سطح زندگی زنان رخ داد، با وجود پیدایش گونه‌های مختلف خانواده در دنیا، هنوز خانواده سنتی؛ یعنی خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزند، خانواده‌ای است که مادر خانواده، خانه‌دار است و هنوز خانواده سنتی به عنوان یکی از اقسام موجود و پذیرفته شده در تمام جوامع غربی و شرقی، حیات دارد؛ یعنی با وجود این که تمام شرایط مساعد تحول در گونه‌های مختلف خانواده هست باز هم خانواده سنتی وجود دارد. ویلیام گردر در گزارش خود از وضعیت خانواده می‌گوید: بسیاری از مردم تصور می‌کنند در نظام‌های لیبرالیستی خانواده با تهدید بیش‌تری مواجه است، ولی قضیه برعکس است؛ یعنی در کشورهایی با نظام سوسیالیستی، خانواده‌ها مورد تهدید بیش‌تری هستند؛ چون نظام سوسیالیستی گرچه جمع‌گراست، ولی منظورش از جمع‌گرایی، جامعه‌گرایی است، نه هر تجمعی مثل تجمع خانواده. یعنی هر کدام از افراد خانواده به عنوان یک مهره تولید در عرصه و چرخه کار برای دولت شناخته می‌شوند. از ابتدا که بچه‌ای در خانواده به دنیا می‌آید به خانواده و آن بچه تفهیم می‌شود که قبل از این که این بچه، بچه شما باشد فردی از اجتماع کلی است که برای آن اجتماع کلی کار می‌کند. طبیعتاً چیزی به نام خانواده که بخواهد از اقتدار خودش، از قدرت دوراندیشی خودش استفاده کند، اعضای خودش را تحت پوشش بگیرد و از آنان در مقابل اجتماع محافظت بکند، جانبداری بکند، آنان را احیاناً تهدید یا تشویق کند، این چنین اقتداری برای خانواده در نظام سوسیالیستی وجود ندارد. ایشان می‌گویند در سوئد، بالاترین تهدیدها به سمت خانواده‌هاست. در خانواده سنتی، یعنی خانواده‌هایی که دو نفر به عنوان پدر و مادر حاضرند ولی نان آور خانواده فقط یک نفر است، یعنی فقط پدر، علی‌رغم تصویری که در مورد نظام‌های لیبرالیستی این گونه است که هر کسی که شاغل باشد باید مالیات بر درآمد بدهد، یعنی دو نفر شاغل را کنار هم بگذاریم که وقتی ازدواج کردند به جای این که ثروتشان بیش‌تر بشود کم‌تر می‌شود، به خاطر این که باید در این شرایط جدید مالیات‌های بیش‌تری بپردازند، اما در کشورهای سوسیالیستی برای خانواده‌ای که یک نان‌آور دارد مشکلات بیش‌تری ایجاد می‌شود یعنی خانه‌ای که در آن خانه فقط پدر نان‌آور و شاغل است و در آن خانواده حضور دارد و مادر خانه‌دار است به جرم این که این خانواده بافت سنتی دارد باید بیش‌تر به دولت بها بپردازد؛ مثل این که یک عنصر انگل در آن خانواده است یا عنصر مضر برای اجتماع در آن خانواده است. علی‌رغم این که آمار نشان می‌دهد که در سوئد در بیش‌تر فاکتورهای مربوط به خانواده و ارزش‌ها و اصول، از همه کشورهای وضعیت وخیم‌تری دارد و تمام شمشیرها برای خانواده به رو بسته شده، اما در همان بافت هم درصد قابل توجهی خانواده سنتی وجود دارد. این نیست مگر به خاطر این که ریشه خانواده قدیمی در طبیعت بشر است و اگر بشر به سمتی برود که از این نهاد فاصله بگیرد به دلیل شرایط مختلف محیطی باز به این سمت برمی‌گردد. وقتی می‌خواهیم رابطه حجاب را با بحث خانواده مشخص کنیم باید تعیین کنیم که راجع به چه خانواده‌ای صحبت می‌کنیم و برای ما خانواده چه مفهوم یا مصداقی دارد. مطلب بعد این است که ما به چیزی به نام پایداری خانواده می‌اندیشیم یا نه؟ بحث حجاب طبیعتاً کم‌کم داخل این فضا معنا پیدا می‌کند. اصول لیبرالیسم، خواه ناخواه وارد زندگی ما می‌شود. در یکی از سفرهایم به آمریکا، یکی از ایرانیان از من پرسید: ما چه کار کنیم که در این فضا فرزندانمان آن زمینه‌های اساسی و آن عرق شرقی و دینی خودشان را از دست ندهند. در آن محیط، حفظ هویت خیلی مشکل است، چون سیستم لیبرالیستی است. در این سیستم، همه چیز طراحی شده؛ اخلاق، فرهنگ، سیاست، حتی دینداری، همه چیز سکولار است. یعنی اگر کسی بخواهد دیندار باشد باید فضای دیانت را از زندگی خودش جدا کند. خیلی مشکل است که انسان بخواهد براساس یک اندیشه ثابت و پایداری زندگی بکند. به آن شخص عرض کردم شما وقتی وارد خانه خود می‌شوید توقع دارید براساس اصول لیبرالیسم، کسی مزاحمت ایجاد نکند، کسی آزادی دیگری را مورد مخاطره قرار ندهد، چیزی به نام سلسله مراتب وجود ندارد، هر کس که داخل خانه شد، داخل اتاق

خصوصی خودش می‌رود در آن جا همه چیز هست؛ یعنی کم‌تر بهانه‌ای برای بیرون آمدن و سؤال کردن از پدر و مادر و خواهر و برادر پیدا می‌کند. این فضا در واقع خانه نیست؛ یک چهار دیواری متشکل از سوئیت‌های مختلف است. هرکس وارد سوئیت خودش می‌شود. غذاها آماده است. آن سفره متمرکز که براساس سلیقه‌های مادرانه شکل می‌گیرد و افراد خانواده بنا به بهانه‌ای دور هم جمع می‌شوند در آن سیستم وجود ندارد. طبیعی است اگر در آن سیستم هضم بشویم خود به خود در آن فرهنگ غرق می‌شویم. اصول تفکر لیبرالیسم، عدم مزاحمت افراد برای همدیگر است، اصالت عدم درد است، اصالت عدم رنج است، اصالت لذت است. ما در خانواده‌ها و زندگی‌های شرقی و اسلامی خودمان هم اگر مبتلا به چنین وضعیتی هستیم، زندگی لیبرالیستی داریم. یکی از بحث‌هایی که در اصول لیبرالیسم است این است که انسان براساس مفهوم اصالت لذت، دلیلی برای رنج کشیدن ندارد. این مفهوم در همه جا در زندگی‌های انسان غربی حاضر است. انسان‌ها دلیلی ندارند که چیزی به نام کمال و حلم و بردباری را تجربه کنند. برای چه چیزی بردبار باشند؟ انسان وقتی بردبار می‌شود که به اصول اخلاقی جمعی پایبند باشد که او را وا دارد که به خاطر دیگری سکوت کند. یا گذشت کند، یا به خاطر پایداری نهاد خانواده از حقوق فردی خودش بگذرد. این‌ها اساساً در فرهنگ لیبرالیستی پذیرفته نیست. تحمل و صبر و گذشت و اصول اخلاقی جمعی به این معنا که افراد به اوج فداکاری برسند، چون مادرند به اوج محبت برسند، چون پدرند به اوج گذشت و خدمت برسند، بی‌معناست. پس دلیلی برای پایداری وجود ندارد. ما باید مشخص کنیم موضعمان در مورد خانواده چیست؟ ما به پایداری می‌اندیشیم یا نه؟ در آن فضا بچه‌ها اجازه دارند یا اصلاً باید به خاطر انجام تجارب شخصی بعد از هیجده سالگی از خانواده‌هایشان جدا بشوند. در اسلام، قانون حضانت هم این را می‌گوید. در اسلام، طبق قانون حضانت، دختر بعد از ۹ سال و پسر بعد از هیجده سال مسئولیتی را متوجه والدین از نظر قانونی نمی‌کند که حتماً به بچه رسیدگی کنند. طبق قانون حضانت اسلامی، بچه‌ها بعد از تمام شدن سن بلوغ، تکلیفی را از نظر قانونی متوجه والدینشان نمی‌دانند که از آنان مراقبت کنند ولی اخلاق اسلامی به ما نشان می‌دهد، قانون رحم بر صغار، بحث عشیره، بحث صلۀ رحم، همه نشان می‌دهد که گرچه قانون برای ما یک خط‌کشی می‌گذارد که ما می‌توانیم به استناد قانون بگوییم به ما چه، به شما چه، به دیگری چه، ولی اخلاق و تدبیر و دینداری به ما می‌گوید که ما باید برای همدیگر و به خاطر همدیگر و برای حفظ نهاد اجتماعی عمل کنیم. پس ما راجع به خانواده‌ای با تعریف روشن که بر مبنای اصل پایداری شکل گرفته می‌خواهیم صحبت کنیم، اما رابطه بحث حجاب با این مسئله چیست؟ انسان در مراحل مختلف رشد، ظرفیت‌های درونی‌اش شکوفا می‌شود. مثلاً در یک سنی عواطفش بروز می‌کند و در یک سنی غرایزش بیدار می‌شود. در یک سنی دستگاه خلقت و عقلانیتش شکوفا می‌شود. طبیعی است که به مناسبت این مراحل، زمینه‌های مختلفی برای این که خوب باشد یا بد باشد، پیدا می‌کند. در هر مقطعی از این مراحل، انسان می‌تواند تحت هر شرایطی و به هر دلیلی، موجودی به شدت قانون‌گریز یا موجودی به شدت قانون‌پذیر و مطیع باشد. انسان این طوری است. هیچ وقتی نشنیده‌ایم و نخواهیم شنید که روزی مثلاً در یک جهش ژنتیکی فرض کنید زنبورهای عسل تصمیم بگیرند چیزی که تعریف زنبور عسل به او بسته است که تولید عسل است از آن دست بکشند؛ ولی انسان موجودی است قانون‌گریز یا قانون‌پذیر، یعنی گاهی وقت‌ها می‌تواند آن قدر قانون‌پذیر باشد که در زندگی‌اش حتی مرتکب یک مکروه هم نشود یا این که آن قدر قانون‌گریز باشد که در تمام زندگی‌اش یک واجب را انجام ندهد و یک حرام را ترک نکند یا تمام قوانین اجتماعی را زیر پا بگذارد. استحکام خانواده به عناصر مختلفی مرتبط است. یکی از این عناصر بحث پوشش و حجاب است. در بحث پوشش و حجاب، موضوعات متعددی مطرح است. از مهم‌ترین موضوعات، فلسفه پوشش و حجاب. برخی می‌گویند: «الانسان حریص علی ما مُنِع»، انسان‌ها نسبت به آن چه که ممنوع می‌شوند حریصانه‌تر و آزمندانه‌تر دنبالش می‌روند و علاقه‌مندتر هستند. بسیاری از مدافعان حجاب این مسئله را رد می‌کنند و می‌گویند جوامع غربی که خیلی فضا آزاد است هنوز این آزمندی وجود دارد. من می‌خواهم بگویم این قاعده درست است، یعنی انسان حریص ما منع. این جزء برنامه‌های فطری یا غریزی خداوند است که انسان این حالت

را داشته باشد که برای آن چیزی که منع می‌شود حرص و آزمندی داشته باشد. اگر انسان از آن چیزی که او را به یک حرکت و یک واکنش سوق می‌دهد خالی باشد این انسان با یک تکه سنگ هیچ تفاوتی ندارد. شما تصور کنید انسانی را که از نظر ذهنی دچار مشکل است، یعنی عقب مانده است یا از نظر مغزی دچار مشکل است، مراکز مهم مغز که او را نسبت به کنش‌ها و عوامل بیرونی محرک‌ها حسّاس می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد، از تمام آن کنش‌ها خالی است؛ مثلاً کسی به او توهین می‌کند، درک نمی‌کند که به او توهین شده و واکنش نشان نمی‌دهد. به او می‌گویند تو دیشب وارث یک میلیارد تومان پول شدی، اصلاً عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. طمع و حرص و مال‌خواهی در وجود او نیست. نسبت به این کنش، هیچ واکنشی ندارد. شما این انسان را تأیید نمی‌کنید. انسان‌ها باید در درونشان عواملی باشد، زمینه‌هایی باشد، فعالیت‌ها یا انفعال‌هایی باشد که آنان را نسبت به محرک‌های بیرونی فعال کند. انسان‌ها به یکدیگر جذب می‌شوند، چون میل غریزی و جنسی دارند. انسان‌ها نسبت به آن چیزی که منع می‌شوند حریص هستند. آیا اینها بد است؟ خوب است. لذات دو بخش‌اند: لذات معنوی و لذات مادی. به ما نگفتند اگر در نماز، حالت معنوی به شما دست داد، اشک شما سرازیر شد، دیگر بس است، ضرر دارد، دیگر نمی‌خواهد در نماز این حالت به شما دست بدهد. اگر مثلاً در ماه مبارک رمضان یک شب احیا گرفتید، احساس بهجت معنوی کردید، دیگر بس است و نمی‌خواهد ماه رمضان سال بعد چنین حالتی به شما دست بدهد؛ اما در لذات مادی، ایستگاه داریم، آستانه داریم. دستورالعمل‌های دینی آمدند این آستانه را نگه دارند؛ یعنی برای ما یک سوپاپ گذاشتند. این سوپاپ، سوپاپ اطمینان است. به ما گفته‌اند اگر کسی می‌خواهد غرایز خود را تأمین کند، باید غرایز خود را در یک برنامه انحصاری تأمین کند؛ یعنی در خانواده. در روابط، یک جور هنجار و اخلاق جنسی داریم که متأسفانه بسیاری از افراد از آن با خبر نیستند. دستورالعمل‌ها، مستحبات و واجباتی‌اند که درباره مسائل جنسی وارد شده‌اند. زن و شوهرها باید به این مسائل آگاه باشند و آن‌ها را رعایت کنند. به ما دستور داده شده چگونه عمل کنیم تا همواره احساس لذت و رضایت کنیم. اگر انسان‌ها این آستانه را نگه ندارند، چیزی به عنوان لذت دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون ذائقه آن‌ها دچار مشکل می‌شود و ذائقه آن‌ها چیزی به نام لذت را نمی‌فهمد. انسان‌ها بدون پای بندی به چهارچوب ازدواج، چیزی به نام عشق را تجربه نمی‌کنند، غریزه را تجربه می‌کنند، عنصر معنوی خانواده که عشق است را تجربه نمی‌کنند، فقط با هم هستند تا غرایز خود را تأمین کنند. هرگونه رابطه عشقی و غریزی هم که به وجود می‌آید، به قول روانشناسان یک دوره به شدت رمانتیک دارد. بسیاری از ارتباطات یک سال عمر دارد. یک سال اول که آتش علاقه فروکش کرد و آن جنبه رمانتیک که تمام شدند، نیازی به خانواده نخواهند داشت. بنابراین، حدی برای آستانه این رضامندی وجود دارد. دو بچه را با هم مقایسه می‌کنیم. بچه اول که از خانواده معمولی است، گاهی برای او یک عروسک به قیمت ۵۰۰ تومان می‌خرند. این بچه ساعت‌ها و روزها با این اسباب‌بازی مشغول است. او را مقایسه کنیم با بچه‌ای که همه چیز در اختیار اوست و همه نوع عروسک در اطرافش هست ولی احساس لذت نمی‌کند. بعضی پدرها و مادرها سعی می‌کنند همه چیز را برای فرزندان تأمین کنند. با این کار ذائقه آنان را از بین می‌برند و فرزندان احساس لذت نمی‌کنند، چون آستانه رضامندی آنان را بالا می‌برند. این مثال را برای این زدم که حجاب باعث می‌شود سطح آزمندی انسان‌ها تا سرحد بی‌نهایت تأمین نشود؛ یعنی حد می‌گذارند. همه مردها و زن‌ها حرص دارند که از یکدیگر بهره‌مند شوند، برایش حد می‌گذاریم. زن‌ها دوست دارند از نظر عاطفی بهره‌مند شوند، برایش حد می‌گذاریم. مردها دوست دارند با دیدن کسی لذت ببرند، برایش حد می‌گذاریم. باید نگاهش را کنترل کند. باید این حجاب و چادر زنان را در سطح اجتماعی بپذیرد. رابطه زن و شوهر در محدوده رابطه خانواده، جنسی است، برای یکدیگر موضوع جنسی هستند، اما در فضای اجتماعی، این چنین نیست. حجاب به استحکام خانواده کمک می‌کند. شهید مطهری بحثی دارد که هر چه زمان می‌گذرد بحث ایشان کهنه نمی‌شود. ایشان در کتاب مسئله حجاب می‌فرماید شما دو جامعه را در نظر بگیرید که در یکی از این دو جامعه رابطه به شدت آزاد است و افراد تا می‌آیند به سنی برسند که تصمیم بگیرند در آن سن ازدواج کنند گونه‌های مختلف از مردان و

زنان را تجربه می‌کنند و با آنان رابطه دارند. این جامعه را مقایسه بکنید با جامعه‌ای که افراد آن جامعه همواره در تب و تاب ازدواج هستند، چون در آن روابط محدود است و استفاده‌های غریزی ممنوع است. باید توجه داشت که حجاب، یکی از عوامل پایبندی خانواده است. ما خانواده‌هایی را سراغ داریم که در آن‌ها زن حجاب دارد اما پایبندی در آن خانواده نیست. حجاب یکی از مسائلی است که می‌تواند استحکام خانواده را تأمین کند. عوامل متعدد دیگری هم وجود دارد؛ مثل پایبندی و حیای مردان. پس: ۱. اگر گونه‌های مختلف خانواده در جامعه مان رواج پیدا کند فقط به خانواده مشروع می‌اندیشیم؛ فقط به خانواده طبیعی می‌اندیشیم؛ ۲. به پایداری خانواده‌ها می‌اندیشیم؛ یعنی بر ایمان مهم است که خانواده به هر وسیله ممکن و مشروع حفظ بشود و ثابت بماند؛ ۳. معتقد هستیم که دستورالعمل‌های مشروع دینی در حفظ پایبندی خانواده مؤثر است، از جمله پوشش. باید بدانیم که نقش حجاب در جامعه باعث می‌شود آستانه رضامندی افراد پایین نگه داشته بشود؛ یعنی در یک جامعه‌ای که حجاب در آن جامعه یک عرف است، یک هنجار است، روشن است که کنار رفتن کمی روسری و کنار رفتن آن پوشش و حجاب لذت می‌آورد، بهجت و علاقه مندی می‌آورد؛ ولی در جامعه‌ایی که پوشش وجود ندارد هیچ چیز در آن جامعه لذت آفرین نیست؛ لذت و ارضای غرایز یکی از زمینه‌های مهمی است که انسانها به خاطرش ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند و همواره این علاقه مندی در آنها است. اگر انسان‌ها به خاطر ارضای غرایز و تأمین عواطف ازدواج می‌کنند و اگر این مسئله با مسئله پوشش و حجاب ارتباط مستقیم دارد قطعاً حجاب در استحکام خانواده مؤثر است. خانم تونی گِرد در کتاب «زن بودن» می‌نویسد: مخاطبان شبکه رادیویی ام‌اکثر جوان هستند. آنان همیشه از من سؤال می‌کنند ما نمی‌دانیم چرا بعد از این که رابطه‌ای با کسی برقرار کردیم هرچه منتظر می‌مانیم آن شخص از ما درخواست ازدواج نمی‌کند و ما اگر این ریسک را بکنیم و درخواست ازدواج بکنیم با پذیرش او مواجه نمی‌شویم. من در پاسخ می‌گویم روشن است که پیشنهاد شما را برای ازدواج نمی‌پذیرد. در هیچ زمانی همجنسان ما یعنی زنان به قدر امروز بدبخت‌تر و از حقوق بیگانه‌تر نبودند؛ چون نهایی‌ترین رابطه را برقرار می‌کنند که طرف مقابل آن‌ها یعنی مردانشان کم‌ترین تعهدی را به آن‌ها نپرداختند و روشن است که اگر یک شخص بتواند از نهایی‌ترین رابطه بین زن و مرد، بدون پرداختن تعهدی به طرف مقابل استفاده کند دلیلی برای ازدواج کردن و پرداختن مالیات به دولت و پرداخت نفقه به خانواده و تحمل مشقات برای نگهداری فرزند ندارد. پرسش و پاسخ پرسش: آیا روابط نامشروع در خانواده سنتی پیدا نمی‌شود؟ پاسخ: منظور ما از خانواده سنتی، خانواده‌ای متعادل و سالم است. ما از این خانواده دفاع می‌کنیم. مشکل اصلی هم این است که ما فکر می‌کنیم ضوابط و خط‌کشی‌های قانونی می‌توانند مشکلات ما را حل بکنند. به هیچ‌وجه این طور نیست. قانون در برخی از سیستم‌های خیلی پیشرفته دنیا که به شدت قانون‌گرا هستند نقض ذاتی دارد، یعنی قانون نمی‌تواند سعادت را سامان بدهد. مشکل این جاست که ما نهاد دین را به عنوان یک ضرورت در زندگی خودمان و فرزندانمان درونی نمی‌کنیم. دین‌داری اگر درونی نشود یعنی از حد شعائر و ظواهر احکام به باطن اعتقاد و باورهای افراد نفوذ نکند روشن است که این نتیجه و این ثمر را برای افراد نخواهد داشت. پرسش: آیا آرایش خفیف و کم‌رنگ تقریباً نامعلوم مشکلی در حجاب ما ایجاد می‌کند؟ پاسخ: آرایشی که نامعلوم است برای چه صورت می‌گیرد؟ زنان آرایش می‌کنند که دیده بشود. پس اگر این فایده را نداشته باشد آرایش کردن معقول نیست. آرایش بر طبق فتوای مراجع، ممنوع است. پرسش: آیا پوشیدن لباس‌ها و مانتوهای رنگی و تنگ در زیر چادر اشکال دارد؟ پاسخ: چند مسئله این‌جا وجود دارد. یکی از مسائل مهم این است که بین لباس و حجاب باید تفکیک قائل شویم. انسان لباس را برای اغراض گوناگون می‌پوشد؛ لباس را برای محافظت از سرما و گرما می‌پوشد، برای این می‌پوشد که زیباتر شود. خیلی از افراد لباس می‌پوشند برای این که لباس برای آنان یک آرایه است. لباس گاهی اوقات با شخصیت فرد مرتبط است؛ مثلاً دیپلمات‌ها لباس مخصوص می‌پوشند. حجاب، فقط یک فلسفه بیش‌تر ندارد؛ پوشاندن زیبایی‌ها و کم کردن عناصر و کنش‌های تحریک جنسی. از این رو، هرگونه تلاش در راستای جذاب‌سازی حجاب، مخالف فلسفه آن غلط است. هرگونه تلاش در جهت ره‌سازی پوشش مغایر فلسفه پوشش است.

مطلب دیگر این که باید بین بحث حجاب، مد و لباس تفکیک کرد. اگر هم افراد اجتماع تابع مد باشند روشن است که کسی به برنامه‌ریزی اجتماعی، طراحی و هدف‌گیری اجتماعی نمی‌اندیشد؛ چون به شدت گرفتار است. به قول نویسنده‌ای سه گروه از زنان خیلی بهره می‌برند: ۱. کسانی که این بدن‌ها را به تیغ جراحی می‌سپارند (جراحان زیبایی)؛ ۲. کسانی که این بدن‌ها را می‌آریند (صاحبان صنعت و وسایل آرایشی)؛ ۳. کسانی که به این بدن‌ها لباس می‌پوشانند (صاحبان مد). اینها بهره خودشان را از این زنان می‌برند. می‌گویند از اول خلقت، مد گرایی وجود داشته است. من نفهمیدم که این طنز است یا واقعی است. انسان‌ها معمولاً با برگ درخت بلوط برای خود تن‌پوش درست می‌کردند و کسی پیدا شد و مثلاً با برگ درخت چنار برای خود تن‌پوش درست کرد. حالا- این اگر طنز است یا راست، به هر حال یک چیزی را نشان می‌دهد که همیشه مد گرایی بوده است. انسان اگر تابع مد باشد، به مسائل متعالی کمتر می‌اندیشد. محیط تحصیلی باید از سایر فضاهای دیگر تفکیک بشود. شما اگر در محیط تحصیلی پرونده سادگی را مختومه اعلام کنید، به همان مقدار افت پیشرفت تحصیلی خواهید داشت. در اسلام راجع به لباس زیاد حرف زده شده است. همه این حرف‌ها راجع به حجاب نیست. مثلاً ما چیزی داریم به نام «لباس شهرت» که ممنوع است. چیزی که انسان را متمایز و خاص می‌کند و او را به نوعی در واقع، نورم شکن نمایش می‌دهد، ممنوع است. لباس‌های زنانه برای مردان و لباس‌های مردانه برای زنان جایز نیست؛ چون لباس با آن شاکله درونی انسان ارتباط دارد. شما در نظر بگیرید در خانواده‌ای که مقید است حتماً تن دختر بچه‌اش از کودک‌کی لباس اسپورت و پسرانه باشد، شما می‌بینید به طور خیلی واضحی اختلاف جنسی در آن دختر شکل می‌گیرد و وقتی که بزرگ می‌شود نمی‌تواند آن طنزهایی که لازم است به عنوان جنس مونث نشان بدهد انجام بدهد. لباس با شأن ما هم ارتباط دارد. انسان باید بپذیرد که بین شائش یا شغل و صنفش با لباسش رابطه‌ای داشته باشد. مجموع اینها را که روی همدیگر می‌گذاریم نشان می‌دهد که به هر حال یک مرکز آموزشی یک سری دستورالعمل‌ها باید داشته باشد؛ البته بعضی از محدودیت‌ها معقول نیست. بعضی اوقات ممکن است محدودیت‌هایی اعمال بشود که روا نباشد. پرسش: چه کنیم که زندگی ما شرقی‌ها مثل غربی‌ها نباشد و فرزندانمان از خانواده جدا نشوند و یا ما آنها را دور نکنیم و یا جوانان ما که هیجده سال می‌شوند از خانواده جدا نشوند؟ پاسخ: خلاصه عرض می‌کنم؛ ما از ابتدا از نیمه راه شروع نمی‌کنیم؛ یعنی ما زمانی که شخص دلایل مختلف درونی و بیرونی برای عدم مطابقت را از ما پذیرفته، چیزی به نام مقوله تربیت دینی را شروع می‌کنیم؛ در حالی که این اشتباه است. زمانی تربیت دینی را شروع می‌کنیم که چیزی را به نام سنت‌ها و آداب به آنها تلقین کرده‌ایم و آنها در موقعیتی سنی و رشدی قرار گرفته‌اند و می‌گویند نه، این اشتباه است. متأسفانه، نمی‌خواهم بگویم که راهش بسته است، ولی خیلی مشکل است. بهترین سن برای این که ما این اصول رفتاری معین و دلخواه را در فرزندانمان نهادینه کنیم سنی است که اصلاً فکرش را نمی‌کنیم، و آن سن، سن شعور است. یعنی زیر هفت سال. یک حدیثی را بعضی‌ها اشتباه متوجه شده‌اند که پیامبر مراحل سن را تقسیم کردند، بعد فرمودند: بچه‌ها هفت سال اول سرور هستند، کارشان نداشته باشید. این طور نیست. ما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سن را که در آن سن، بچه قابلیت پذیرش را دارد، از دست می‌دهیم. بچه، بازی می‌کند و مشغول بازی است و ما هم مشغول کارهای خودمان هستیم. بعد در سنینی که بچه - به تعبیر امیرالمومنین (ع) - در درونش آرام آرام قسی می‌شود، یعنی زمینه پذیرش در آن از بین رفته و محیط او را بیشتر می‌باید در آن سن شروع می‌کنیم، در حالی که در سن زیر هفت سال دوره بلاغت و زود باوری بچه است؛ شما هر چه بگویید باور می‌کند؛ به همان سرعت که غول و دیو و تاریکی را باور می‌کند و می‌ترسد، به همان سرعت خدا، انبیا و پیامبران را هم باور می‌کند و سنینی است که گروه مرتبط با بچه، جز پدر و مادر شخص دیگری نیست. ما رها می‌کنیم، بعد دچار مشکل می‌شویم. پرسش: اگر زن و شوهر فرزند نخواهند و برای مقاصد دیگری ازدواج کند مثل عشق به یکدیگر و بهتر درس خواندن و به خدا رسیدن، این خانواده تا چه قدر استحکام دارد؟ پاسخ: خانواده کارکردهای مختلف می‌تواند داشته باشد. افراد برای این که در کنار هم احساس ایمنی کنند یا برای این که غرایزشان تأمین بشود ازدواج می‌کنند. تأمین غریزه، هدف‌نهایی

ازدواج نیست. دلیلش هم خیلی روشن است. غرایز به دلایل و عوامل مختلف بستگی دارد. زندگی هرچه جلو می‌رود گزینه فوران بیش‌تر نمی‌کند، بلکه افول می‌کند. انسان‌ها وقتی در یک رابطه صحیح نسبت به همدیگر وظیفه‌شان را انجام می‌دهند و راضی می‌شوند به طور طبیعی این جریان رو به قوت نیست، بلکه رو به ضعف است ولی وجود دارد. زن و شوهرهایی که بچه نمی‌خواهند خیلی زود احساس می‌کنند که خلأیی در زندگی دارند؛ مخصوصاً زنان که به طور طبیعی با فرزند دار شدن رابطه‌شان با حیات و زندگی و پویایی و سرزندگی تشدید می‌شود. این مسئله از نظر بحث روانکاوی هم کاملاً ثابت شده است. بنابراین استحکام خانواده بدون فرزند کمتر است. پرسش: حجاب کامل کدام است؟ پاسخ: در حجاب، یک سقف داریم و یک کف. کف حجاب در قرآن مشخص شده است. در سوره مؤمنون آمده است: «ای پیامبر، به این زن‌ها بگویند که این مقنعه‌ها را در جلو ببندند». حجاب در تمام ادیان وجود داشته است. زنان می‌خواستند در نماز عشای پیامبر (ص) شرکت کنند، عده‌ای از جوانان مزاحم آنان می‌شدند. زنان خدمت پیامبر (ص) آمدند و عرض کردند: یا رسول الله ما علاقه داریم در نماز عشای شما شرکت کنیم اما عده‌ای مزاحم ما می‌شوند. پیامبر منتظر وحی شد. آیه نازل شد که ای رسول ما، بگو به زنان با ایمان، به همسران خودت، که اگر می‌خواهند به حیا و عفت معروف‌تر و شناخته‌تر باشند، جلباب بپوشند؛ تن پوش کاملی که کل بدن را می‌پوشاند. یعنی اگر دنبال ایمنی بیش‌تری هستند این حجاب کامل را انتخاب کنند. بنابراین، مدل حجاب در قرآن آمده است. پس هر لباسی که تمام بدن را بپوشاند، محرک نباشد و مفسده‌آور نباشد، حجاب کامل است. البته یک حد اکثری هم برایش گذاشتند که همان بحث جلباب است؛ ضوابط دیگری هم گفته شده؛ مثلاً خداوند فرموده است طوری صحبت نکنید که به شما طمع بکنند، درست است آن کسی که به شما طمع می‌کند، مریض است اما برای اینکه شما در معرض آسیب قرار نگیرید یا وقتی که طمع می‌کند ممکن است که شما را در معرض انواع خشونت‌های جنسی قرار بدهد شما حجابتان را حفظ کنید. یک حجاب کامل وجود دارد که این حجاب کامل، حجاب شخصیت مطهر حضرت صدیقه طاهره (س) است. حضرت زینب (س) می‌فرمایند که وقتی مادرم وارد مسجد شد و می‌خواست خطبه فدک را بیان کند، مقنعه سر کرد، جلباب بست و در میان دختران بنی هاشم رخت بست. اگر کسی علاقه مند است که در بحث حجاب ارتقاء پیدا کند - البته به سقف حجاب هم می‌شود رسید - آن وقت در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. در اصل این قضیه، شرایط می‌تواند تاثیر گذار باشد؛ یعنی ممکن است کسی که در آن شرایط زندگی می‌کند مثلاً با یک محدودیت شدید نسبت به چادر مواجه باشد. البته بعضی از اینها تعارف است؛ من خودم به کشورهای زیادی رفتم، در نیویورک آمریکا با چادر مشکی رفتم خیلی از دوستان در آنجا اصرار داشتند چادرتان را در بیاورید؛ مثلاً در کالیفرنیا و در مرکز شهر لوس آنجلس که مرکز تجمع منافقین است می‌گفتند شما آنجا چادر سر نکنید ممکن است اذیتتان کنند ولی هیچ اتفاقی نیفتاد. یعنی اگر از جهت سیاسی نخواهند ممانعت کنند، به این که این حجاب از نظر سیاسی مسجد متحرک است، اقتضای پلورالیسم این است که به حجاب ما بی‌اعتنا باشند. شخصی در اتریش به من گفت وقتی شما با این چادر مشکی می‌آید افراد می‌ترسند، من هم گفتم که شما که این قدر برهنه هستید، ما هم می‌بینیم، می‌ترسیم از این که این قدر برهنه هستید؛ یعنی انسان نباید این قدر منفعل باشد.

### امنیت در سایه حجاب

از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث برانگیز و جنجالی، مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان‌ها و جوامع بشری را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن، بوده است. عده‌ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم‌ها، دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت‌های آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و از این ناحیه، آسیب‌های اقتصادی به جامعه و پیامدهای روحی و روانی

برای خانم‌ها به ارمغان می‌آورد! برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می‌کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش‌شان را به عنوان یک وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می‌شوند با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن گذرنامه و... محروم می‌کنند، آن‌هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه‌گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی‌های فردی و اجتماعی دم می‌زنند! عده‌ای قابل توجه نیز حجاب را به عنوان یک اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می‌کنند. هر یک از این گروه‌ها از راه و روش خاصی پیروی کرده و ضرورت رعایت حجاب را از منظرهای مختلفی بیان داشته‌اند. برخی ضرورت رعایت حجاب را از منظر روان‌شناسی مطرح کرده و به بحث و ارزیابی آن پرداخته‌اند و با توجه به نیازهای روحی و روانی انسان، ضرورت رعایت حجاب را برای رشد و ترقی و تمرین تعالی او، معرفی کرده‌اند. (۱) برخی دیگر حجاب را به عنوان یک امر فطری، تلقی کرده و برای اثبات ادعای خود به شواهدی از اوستا، تلمود، تورات و انجیل تمسک نموده‌اند این دسته مدعی هستند که حجاب به عنوان یک اصل مشترک در تمام ادیان، جایگاه خاصی داشته و دارد. (۲) دسته‌ای دیگر با توجه به فرهنگ مبتذل غرب و رواج برهنگی و آسیب‌های فراوان و پیامدهای منفی آن «که از این رهگذر متوجه قشر حساس خانم‌ها شده، آمار و ارقام به خوبی آن را نشان داده و حکایت می‌کند» به ضرورت رعایت حجاب استدلال کرده و آن را حریم امن برای خانم‌ها و رشد و سلامت خانواده و اجتماع دیده‌اند و معرفی کرده‌اند. (۳) عده‌ای دیگر حجاب را به عنوان تکلیفی الهی تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می‌دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامت‌گران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی‌شوند بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد با عشق و علاقه رعایت می‌کنند و رعایت آن را به دیگران نیز توصیه نموده و به انجام آن تشویق و ترغیب می‌نمایند. البته طرح و دسته‌بندی نظریات به معنای مخالفت آنها با یکدیگر نیست به گونه‌ای که قابل جمع نباشد. بلکه می‌توان گفت: رعایت حجاب را همه قبول دارند منتهی هر دسته از زاویه‌ای خاص بر ضرورت آن استدلال کرده‌اند. در این میان اگر آیات شریفه قرآن کریم در ارتباط با مقوله حجاب را ارزیابی کنیم متوجه خواهیم شد که مسأله حجاب و پوشش که به عنوان یک پدیده بحث‌برانگیز و جنجالی در دنیای امروزی مطرح است امر جدید و نوظهوری نیست که با آمدن دین مبین اسلام، تشریع شده باشد، بلکه اگر نگوئیم این مسأله ریشه در فطرت انسان دارد، لااقل می‌توان ادعا کرد که همراه با خلقت انسان، حتی قبل از هبوطش در عالم خاکی، مطرح بوده است، هنگامی که آدم ابوالبشر و همسرش حوا، توسط دشمن قسم خورده‌ای به نام ابلیس، وسوسه شده و به منطقه ممنوعه نزدیک، و از حد و مرز تعیین شده تجاوز می‌نمایند، یک باره خود را عریان و برهنه احساس می‌کنند، سراسیمه این طرف و آن طرف، دنبال پناهگاهی می‌روند و بالاخره قسمت‌هایی از بدن خود را با برگ درختان می‌پوشانند «هنگامی که از آن درخت، چشیدند، عورت‌شان نمایان شد و آن دو برای پوشاندن عورت خود، به برگ درخت روی آوردند.» (۴) بنابراین مسأله حجاب، ریشه در تاریخ انسان داشته، همراه و همزاد او از ابتدا تا حال و تا امتداد تاریخ، بوده و خواهد بود. در این نوشته بر آنیم تا اهمیت مسأله حجاب و رعایت پوشش اسلامی را از زاویه دیگری ارزیابی نموده و نکاتی را یادآور شویم. چنانچه در ابتدا ذکر شد برخی مدعی هستند: رعایت حجاب و پوشش اسلامی، مانع حضور زنان در اجتماع بوده و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان را محدود می‌سازد. در جواب باید گفت: اولاً: ادعای ذکر شده، فریب و نیرنگی بیش نیست و این نیرنگ هم از سوی کسانی مطرح می‌شود که از یک طرف حضور زنان را در مجامع عمومی و خصوصی برای تلذذ، عیاشی و خوشگذرانی می‌خواهند و از سوی دیگر، به خاطر خصومت و دشمنی که با اسلام و پیروان آن دارند، برای مخدوش ساختن چهره و حیثیت آن، از هر وسیله و ابزاری استفاده می‌کنند. از جمله ابزار و وسایلی که برای رسیدن به اهداف شوم و استعماری

خود، بهره برداری می کنند این است که ارزش های اسلامی را به عنوان قوانین دست و پاگیر، غیر کار آمد و ارتجاعی، معرفی کرده و به خورد جامعه و مردم می دهند. متن ذیل را که گوینده آن یکی از مزدوران انگلیسی است به عنوان نمونه مرور می کنیم: «در مسأله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند، باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثبت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس، متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیدند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته اند پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق باز و روابط جنسی نامشروع با زنان غیر مسلمان کشانده و زنان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلید کنند.» (۵) ثانیاً: اگر به تاریخ اسلام نگاه منصفانه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که فراوان بوده اند زنان مؤمن متدین و پاکدامنی که با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار مردان مؤمن و مسلمان در صحنه های سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی، حضور داشته و فعالیت نموده در شرایط فعلی زنان مسلمان در جاهای مختلف از جمله زنان ایرانی با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار سایر اقشار جامعه، در پست ها و مناصب گوناگون، مشغول تلاش و فعالیت هستند، رعایت حجاب را نه تنها مانع فعالیت های اجتماعی خود نمی بینند بلکه آن را به عنوان سدّ محکم و دژ نفوذناپذیری می دانند که گوهر گران سنگ عفاف و حریم حرمت شان در برابر تیرهای زهرآلود هوسبازان شرور و خدانشناس حفاظت می نماید. ثالثاً: رعایت حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها مانع حضور زنان در صحنه های سیاسی و اجتماعی نمی باشد بلکه بر عکس، تشریح حکم حجاب از سوی شارع مقدس، در حقیقت مجوز حضور زنان در صحنه های اجتماعی به حساب می آید، و الا نشستن در منزل و ماندن در کنار اعضای خانواده، رعایت نوع حجاب مورد نظر را نمی خواهد تا درباره آن حکمی صادر شود لذا صدور حکم پوشش اسلامی از سوی شارع مقدس بهترین دلیل بر این مطلب است که دین مبین اسلام نه تنها با فعالیت های اجتماعی و فرهنگی زنان مخالف نیست بلکه خود زمینه حضور آنان را در فعالیت های اجتماعی فراهم کرده است. منتهی شرط حضور در اجتماع و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به خصوص برای قشر خانم ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسیار مهم و اساسی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش ایفاد می کند، داشتن حجب و حیا، رعایت اصول و ارزش های دینی و مذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط زنان و مردان مؤمن و متدین خواهد بود. اگر به آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشش اسلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرار گیرد. این اصل و استنباط به دست خواهد آمد که حجاب، محدودیت نیست بلکه مصونیت است. مصونیتی که فرایند و محصول مبارک آن، سلامت، بهداشت و آرامش افراد خانواده ها و امنیت در جامعه خواهد بود. قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را مورد خطاب قرار داده و به آنان دستور می دهد: «چشم چرانی نکنید، دامن های خود را آلوده نساخته و حفظش کنید» (۶) به زنان تأکید بیشتری نموده می گوید: «حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کرده، زینت های خود را آشکار نسازید... و در نشست و برخاست هم به گونه ای عمل نمائید که متوجه زیور آلات شما نشوند.» (۷) و در صحبت ها و مکالمات روزمره نیز با ناز و کرشمه، صحبت نکرده، ادا و اطوار زنانه که آتش شهوت را شعله ور سازد، از خود نشان ندهند.» (۸) «و مانند زنان نیمه عریان دوران جاهلیت، تبرج نکرده و با خودنمایی و خودآرایی و لباس های نازک و بدن نما» (۹) از خانه خارج نشوید.» (۱۰) همه این دستورات برای آن است که رعایت آن، علاوه بر اسقاط تکلیف و امتثال اوامر الهی، سلامت و بهداشت روحی و روانی و آرامش و امنیت فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. و تخلف و سرپیچی از آن، یعنی چشم چرانی، آلوده کردن دامن، آشکار ساختن زینت و زیور آلات، صحبت کردن با ناز و کرشمه و لهجه های مخصوص و مهیج و پوشیدن لباس های نازک و بدن نما، هر کدام به نوبه خود، باعث فساد، عیاشی، تجاوزگری و اضطراب و ناامنی می شود و جامعه را به هرج و مرج می کشاند. در احادیث نورانی که از معصومین نقل شده است، نگاه کردن به نامحرم و چشم چرانی، به عنوان تیر



زهر آلود شیطانی، معرفی شده است، لذا امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «نگاه (و چشم چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است.» (۱۱) در حدیث دیگری باز هم از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم «نگاه کردن تیر زهر آلودی از ناحیه شیطان است چه بسیار نگاه هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت» (۱۲) امام علی (علیه السلام) نیز می فرماید: کسی که نگاهی را رها سازد، حسرت و تأسف او زیاد می شود» (۱۳) در جای دیگری می فرماید: چه بسیار نگاههایی که آه و حسرت به دنبال دارد.» (۱۴) و در جملات دیگری آن امام همام می فرماید: «نگاه و چشم چرانی، پیشاهنگ تمام فتنه هاست» (۱۵) «چشم ها دام های شیطان هستند.» (۱۶) و «چشم راهبر دل است» (۱۷) به قول شاعر: زدست دیده و دل هر دو فریاد \*\*\* هر آنچه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نوکش ز فولاد \*\*\* زم بردیده تا دل گردد آزاد در واقع، نگاه هایی آلوده، مسموم و شهوت انگیز، آتش درون را شعله‌ور می سازد که فرایند و محصولی جز فحشا، سیاهی دل، مشکلات و نارسایی هایی اجتماعی، نخواهد داشت. چشم چرانی دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می شود. لذا چشم چرانی، این تیر مسموم و زهر آلود شیطانی اگر بدون قید و بند، رها شود یقیناً سلامت و امنیت طرفین را به خطر می اندازد، جوان و نوجوانی که به کوچه و خیابان راه می افتد اگر دستور اسلام را رعایت نکرده و نگاهش را کوتاه نکند و از طرف دیگر، کسانی که باید حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کنند، رعایت نکنند، چشم جوان به صحنه های شهوت انگیز خواهد افتاد، و نیروی قدرتمند شهوت به جوشش و غلیان آمده و تحریک خواهد شد، در چنین شرایط حساس و خطرناکی، این جوان، یا باید به عیاشی، فساد و تجاوزگری روی آورد و به خواسته های قوه شهوانی جواب مثبت دهد، امنیت خود و دیگران را به خطر اندازد، و یا با تخیل و تصور، با حالت افسرده و پریشان، زندگی بیمار گونه خود را ادامه داده آسایش و آرامش خانواده را بر هم زند. یکی از کارشناسان در این زمینه می گوید: «دوستانه می گویم که در تمام کلینیک هایی که با پسران جوان مبتلا به استمناء، ارتباط غلط، خودکشی کرده، فراری ها و... صحبت کرده ام، همه ریشه از تحریک های جنسی توسط حضور دختران بی بند و بار در جامعه گرفته بوده است، روزی هزاران نامه دریافت می کنیم که حکایت از روان پریشی مردان جوانی دارد که با دیدن فلان شکل حضور زنان در جامعه به این روز افتاده اند.» (۱۸) آنچه از مجموع آیات، روایات و تجربیات کارشناسان به دست می آید این است که: چشم چرانی های هوس آلود بدحجابی و بی حجابی زنان و دختران بی بند و بار از جمله عوامل مؤثر در ایجاد اضطراب و نگرانی افراد و خانواده ها و هرج و مرج و ناامنی در جامعه به حساب می آید. در طرف مقابل اگر اصول و ارزش های اسلامی از جمله حجاب و پوشش اسلامی، رعایت شود از چشم چرانی و نگاه های آلوده جلوگیری به عمل آید و خانم ها در نشست و برخاست و صحبت ها و مکالمات روزمره، دستورات شرع مقدس را رعایت کنند یقیناً زمینه های فساد زوده شده دام های شیاطین بر چیده خواهد شد، آرامش روحی و روانی برای افراد و خانواده ها، نظم، ثبات و امنیت در جامعه پدید خواهد آمد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: کسی که نگاهش را کاهش دهد، قلبش آرامی می گیرد.» (۱۹) و نعمتی بالاتر از آرامش قلب، وجود ندارد. این موهبت بزرگ اگر در اعضا و افراد جامعه، محقق شده و تجلی پیدا کند، جامعه نیز به طبع اعضا و افراد خود، دارای امنیت و آرامش خواهد شد. در ارتباط با شأن نزول آیات ۳۰ به بعد از سوره نور، تفاسیر شیعه و سنی نقل کرده اند که: «روزی در هوای گرم مدینه، زن جوانی در حالی که روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بنا گوش او، پیدا بود، از کوچه ای عبور می کرد، مرد جوانی از انصار، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا اینکه صورتش به شی ای اصابت کرد و مجروح گردید، هنگامی که به خود آمد، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و جریان را برای او بیان داشت، این جا بود که آیات سوره مبارکه نور نازل گردید.» (۲۰) در آیات شریفه سوره نور، از یک طرف مؤمنان اعم از زنان و مردان را مخاطب قرار داده دستور می دهد که نگاه های خود را کوتاه ساخته و به نامحرم خیره نشوند و از فساد و آلودگی دوری کنند و از سوی دیگر به خانم ها دستور می دهد

پوشش مناسب را رعایت کرده و زیور آلات خود را آشکار نسازند. تا حوادث نظیر حادثه ای که آیه در ارتباط با آن نازل شده است، اتفاق نیفتد و جوانان از خود بی خود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتاده امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه دار نسازند. در سوره احزاب نیز در یک جا به خانم‌ها دستور می‌دهد: «در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنز صحت نکند و در کوچه و خیابان با بدن‌های نیمه‌عریان و لباس‌های بدن‌نما، ظاهر نشوید» (۲۱) چند آیه بعد می‌فرماید: «با چادر و مقنعه اندام خود را بپوشانید» (۲۲) تمام این برنامه و تأکیدها برای آن است که مردم، زن‌ها را به عنوان افراد عفیف و پاکدامن بشناسند و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند، (۲۳) و چشم طمع ندوزند. (۲۴) و در نتیجه امنیت و آرامش قشر خانم‌ها در سایه چادر و رعایت ضوابط شریعت و پوشش اسلامی، تأمین شود. در ادامه قرآن کریم می‌فرماید: با این راه و روش، اگر بیماردلان هوسباز اصلاح نشدند و به آزار و اذیت خانم‌ها ادامه داده و امنیت و آرامش آنان را تهدید کردند. بر خورد شدیدتری با آنان صورت خواهد گرفت: «اگر منافقان و بیماردلان «شهوة پرست» و کسانی که در شهر، اضطراب و نگرانی به وجود می‌آورند از اعمال زشت خود دست بردارند، ترا «ای رسول» علیه ایشان، بسیج خواهیم کرد، در آن صورت، مدت کمی در مجاورت با تو در این شهر زندگی خواهند کرد و نابود خواهند شد.» (۲۵) تا آرامش و امنیت در جامعه تأمین شود. از مجموع مطالب یاد شده این نتیجه به دست می‌آید که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که موجب عمل به دستورات الهی می‌شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محبوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده‌ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمام آلودگی‌ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در اجتماعات فراهم شود. پینوشتها: (۱). آیا حجاب ضرورت دارد؟، دکتر شهریار روحانی. (۲). حجاب در ادیان، علی محمدی، ماهنامه پیام زن شماره های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰. (۳). نگاه پاک زن و نگاه‌های آلوده به او، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، دکتر احمد صبور اردوباری. (۴). قرآن کریم، اعراف / ۲۲: «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ يَدَّتْ لَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَا عَلَىٰ هُمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ». (۵). قره العین «در آمدی بر تاریخ بی‌حجابی در ایران»، ص ۴۰، سینا واحد، مؤسسه انتشاراتی نور. (۶). برداشت آزاد، از آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ أَبْصِرِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ \* وَقُلْ لِلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُوْنَ مِنْ اَبْصِرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (۷). قرآن کریم، نور / ۳۱: «وَلَا يُدْرِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ... وَلَا يُضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفَيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ»، ترجمه آزاد. (۸). قرآن کریم، احزاب / ۳۲: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» ترجمه آزاد. (۹). محاسن التأويل، ج ۱۳، ص ۳۴۹، محمد جمال‌الدین قاسمی، یکی از معانی تبرج را لباس نازک، ذکر کرده است. (۱۰). قرآن کریم، احزاب / ۳۳: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَهْلِیَّةِ الْاُولٰٓئِی» ترجمه آزاد. (۱۱). دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲: «النظرة سهم من سهام ابليس مسموم...» (۱۲). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸: النظر سهم من سهام ابليس مسموم و کم نظره اورتت حسره طویله» (۱۳). غرر الحکم و درر الکم، ج ۵، ص ۱۹۵: «من اطلق طرفه کثر اسف» (۱۴). همان، ج ۴، ص ۵۴۹: «کم من نظره جلبت حسره». (۱۵). همان، ج ۱، ص ۲۶۲: «اللحظ رايد الفتن». (۱۶). همان، ج ۱، ص ۳۳۵: «العيون مصائد الشيطان». (۱۷). همان، ج ۱، ص ۱۰۰: «العين برید القلب». (۱۸). مجله زن روز، ۱۱ بهمن ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳۲، صفحه ۵۶. (۱۹). غرر الحکم و درر الکم، ج ۵، ص ۴۴۹: «من غض طرفه اراح قلبه». (۲۰). ر.ک: تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۴۰؛ کافی، ج ۵، ص ۵۲۱. (۲۱). برداشت از آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب. (۲۲). قرآن کریم، احزاب / ۵۹: «...يُدْنِيْنَ عَلِيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيْهِنَّ...» ترجمه آزاد. (۲۳). برداشت از آیه ۵۹ سوره احزاب «...ذٰلِكَ اَزْكٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِيْنَ...» (۲۴). قرآن کریم، احزاب / ۳۲: «فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (۲۵). قرآن کریم، احزاب / ۶۰: «لَيَنْ لَّمْ يَنْتِهِ الْمُنْفِقُوْنَ وَ الَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُوْنَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنُعْرِيْكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُوْكَ فِيْهَا اِلَّا قَلِيْلًا»

## حجاب پیام عاشورا

قیام خونین کربلاء که ماهیتش امر به معروف و نهی از هر منکر بود بنیان فساد را لرزاند. آری سالار شهیدان برای حفظ ارزشهای متعالی دین بپا خاست و به شهادت رسید. ولی رسالت عاشورا همچنان در قافله اسیران کربلا پی گیری شد، با قافله اسیران غم همراه می شویم تا از لابلائی کلمات آن عزیزان پیام عاشورا را با گوش جان بشنویم. یزید فاجعه کربلاء را با تبلیغات فراوان پیروزی خواند و مردم را برای تماشای پیروزیهایش دعوت کرد، اینک قافله اسراء نزدیک شهر دمشق رسیده است، ام کلثوم نزد شمر آمد و فرمود: ما را از راهی ببر که تماشاچیان کمتری جمع شده اند و سرهای مطهر شهیدانمان را از بین محمل و کجاوه های ما جدا کن و آنها را در جلو قافله حرکت بده تا توجه مردم به دیدن آنها جلب گردد و صورت دختران پیامبر از نگاه نامحرمان محفوظ بماند. ام کلثوم اینگونه مسئولیت خویش را ادا نمود ولی به این در خواست توجهی نگریدید. قافله اسیران به شهر شام داخل شد سهل بن سعد ساعدی می گوید: ناگاه دیدم زنانی بر شتران بی روپوش سوارند نزدیک شدم و از نخستین زن پرسیدم کیستی؟! گفت: سکینه دختر امام حسین (ع) هستم. گفتم: آیا حاجتی داری تا برآرم که من سهل بن سعد ساعدی هستم خد ترا دیدم حدیث او را شنیدم. گفت: ای سهل به حامل این سر بگو که آنرا پیشتر برد تا مردم مشغول نگرستن آن شوند و به حرم پیغمبر (ص) نگاه نکنند. سهل می گوید: چهار صد دینار دادم تا سر را جلوتر بُردند. قافله اسیران را نزد یزید آوردند زینب (علیهاالسلام) لب به اعتراض گشوده فرمود: ای پسر آزاد شده!! آیا عدالت اینستکه زنان و کنیزان را در پشت پرده و مارا در بین نامحرمان جا داده ای؟ اما سکینه (علیهاالسلام) اندوه جانکاهش را با گریه اظهار می کند. وقتی یزید از او پرسید: چرا گریه می کنی؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسی که روپوشی ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بیوشاند؟ آری او می گوید که چرا روپوشی بر صورت ندارد. وبدینسان پیام مکتب عاشوا نیز حفظ حجاب است.

## آثار و فواید حجاب و پوشش

حجاب و پوشش، آثار و فواید فراوانی دارد که به بعضی از مهم ترین آنها اشاره می کنیم: الف) ایجاد آرامش روانی در فرد یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است. در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بندوبار میان زن و مرد، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد که مخل آرامش روانی افراد است. غریزه ی جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است و هر چه بیش تر از آن اطاعت شود بیش تر سرکش می گردد. هم چون آتشی که هر چه هیزم آن زیادتر شود شعله ورتر می گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسی بیش تر شده است، هجوم مردم به مسئله ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطعی است به کسانی که قایل اند همه ی گرفتاری هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت هاست. و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد گردد، این حرص و ولع از بین می رود. البته از این افراد باید پرسید: آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته، توانسته است حرص و ولع جنسی را بکاهد یا آن را افزایش داده است؟! (۱) پاسخ هر انسان واقع بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل های جدیدتری از تمتعات و بهره برداری های جنسی در آن جا رواج و رسمیت می یابد. یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه ی غرب را در مواجهه با غریزه ی جنسی این گونه توصیف کرده است: کسانی می گویند مسئله ی غریزه ی جنسی و مشکل زن و

حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!! (۲) ب) استحکام بیشتر کانون خانواده یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه، استحکام بیش تر کانون خانواده و، برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده می گردد. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است: در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه ی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میان سالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. (۳) بنابراین باید گفت زنی که چادر بر سر می گذارد، نه تنها اولین قدم را در حفظ کانون گرم خانواده برداشته، بلکه آبرو و شرافت مادری را بدین وسیله فراهم ساخته است و خود را از آزار و اذیت ها و نگاه هایی که همچون تیر به قلب خانواده اصابت می کند و آن را از هم می پاشد محفوظ داشته است. ج) حفظ و استیفای نیروی کار در جامعه یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کارش کاهش می یابد. برخلاف نظام ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت های اجتماعی را با لذت جویی های جنسی درهم می آمیزند، (۴) اسلام می خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت ها پاک گردد و لذت های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود. (۵) پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها دارای حجاب کاملی شامل: پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر بر روی لباس ها بودند. برابر متون تاریخی، در همه ی آن زمان ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان با آن که آزادانه در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می کردند و همپای مردان به کار می پرداختند، دارای حجاب کامل بودند و از اختلاط های فسادانگیز شدیداً پرهیز می کردند. (د) فایده ی اقتصادی حجاب استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیری مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این که خود چادر مشکی دست خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می گردد؛ به گونه ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی توری، نازک و دارای طرح های جلف و سبک که با هدف و فلسفه ی حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می آورند. یکی از دانشجویان محجبه درباره ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است: یاد می آید آن وقت ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی شدم فردا بپوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را

به عاریه بگیریم و بپوشیم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم‌ها سلب کرده بود. (۶) پس می‌توان گفت که چادر امنیت و آرامش زن را تأمین می‌کند. زنانی که با خودآرایی وارد جامعه می‌شوند، همواره نگران قضاوت دیگران در مورد خود هستند و ناآرام و مضطرب‌اند. در صورتی که زن می‌تواند با رعایت حجاب کامل و پوشیدن چادر از دغدغه‌ی شرکت در یک رقابت و مدیریت نجات یابد. (۷) حجاب، مبارزه‌ی زنان با دشمنان اسلام حجاب کامل بانوان در جامعه‌ی اسلامی مبارزه‌ی است با سلطه‌گران و جنایتکاران دنیا که همیشه سعی داشته‌اند با ترویج بی‌بندوباری و بدحجابی، ارزش‌های اسلامی را پایمال و بر ملت‌های ستمدیده سلطه پیدا کنند. مستر همفر، جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی، در بخشی از خاطرات خود، آن‌جا که نقاط قوت مسلمانان را برمی‌شمارد، به مورد حجاب اشاره می‌کند و می‌گوید: زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میان آنها ممکن نیست؛ بنابراین باید آنان را فریب داد و از زیر چادر و عبا بیرون کشید. پس از آن که زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیش برد این نقشه، لازم است اول زنان غیر مسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند. (۷) اگر چادر سر راه نفوذ دشمنان استعمارگر نبود، هیچ‌گاه یک جاسوس این اندازه برای زوال آن به فریبکاری نمی‌پرداخت. اگر حجاب اسلامی، به ویژه چادر، اهمیت خاصی نداشت، چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غربی، آن را به عنوان یک مدل لباس زنانه، در کنار صدها مدل دیگر می‌پذیرفتند. اگر چادر از جایگاه حساس و ارزش بلند برخوردار نبود، هرگز استعمار غرب، رضاخان را بر آن نمی‌داشت که تمام حکومت خود را برای از بین بردن چادر بسیج کند. آری چادر خیمه‌ی عفاف پیروان فاطمه (علیها السلام) است که با گذشت ۱۴ قرن، ندای آزادی بخش آن حضرت هم چنان در گوش تاریخ طنین انداز است. علاوه بر فواید یاد شده، فواید و آثار دیگری نیز می‌توان برای حجاب و پوشش نام برد؛ از جمله: حفظ ارزش‌های انسانی در جامعه، مانند عفت، حیا و متانت و نیز کاهش مفاسد اجتماعی؛ هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی؛ تأمین و تضمین سلامت و پاک‌ی افراد جامعه. (۸) پی‌نوشت‌ها: (۱). برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر.ک: جلال رفیع، یادداشت‌ها و ره‌آوردهای سفر نیویورک، در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش. (۲). احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۳۰۲. (۳). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۷۰۶۹. (۴). برای آگاهی از گستره‌ی کشانده شدن لذت‌های جنسی به محیط‌های کاری و اجتماع، و اعترافات صریح بعضی از زنان کشورهای غربی درباره‌ی مزاحمت‌های جنسی نسبت به زنان و کودکان، ر.ک: احمد صبوری اردوباری، بهای یک نگاه؛ محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، و روح‌الله حسینیان، حریم عفاف. (۵). سه‌بعد قبل، از کتاب مسئله‌ی حجاب، استاد مطهری، ص ۸۴ - ۹۴ (با دخل و تصرف) اقتباس شده است. (۶). ر.ک: احمد اردوباری، همان، ج ۳، ص ۲۲۲. (۷). مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ص ۱۴. (۸). برای آگاهی بیشتر درباره‌ی آثار و فواید حجاب و پوشش ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن در نظام اسلامی؛ هم‌چنین درباره‌ی ضررهای بدحجابی ر.ک: اسدالله محمدی نیا، آنچه باید یک زن بداند، بخش‌های ۳، ۴ و ۵.

### حجاب، هویت مذهبی من است

در آن زمان که تازه به اسلام گرویده بودم، بحث‌های جدی درباره‌ی دختران محجبه در مدارس فرانسه وجود داشت که هنوز هم وجود دارد. اکثریت بر این نظر بودند که مسئله حجاب، خلاف این اصل را ثابت می‌کرد که مدارس دولتی فرانسه باید نسبت به مذهب دانش‌آموزان بی‌تفاوت باشند و حتی من، به عنوان یک غیرمسلمان، می‌اندیشیدم که چرا باید چنین وسواسی درباره‌ی موضوعی کوچک - روسری دانش‌آموزان - وجود داشته باشد. این احساس، هم‌چنان در میان غیرمسلمانان به قوت خود باقی است

که زنان مسلمان، پوشش اسلامی بر تن می‌کنند؛ تنها به این دلیل که مجبور به اطاعت از سنت‌ها هستند و بنابراین، حجاب، نماد ظلم و ستم است. از این رو، استقلال و آزادی زنان، میسر نخواهد شد؛ مگر با برداشتن حجاب. چنین درک ناپخته‌ای در میان مسلمانان کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع از اسلام هم وجود دارد. این افراد، چنان به التقاط دینی و سکولاریسم خو گرفته‌اند که از درک این مطلب که اسلام دینی جهانی و جاودانی است، ناتوانند. این در حالی است که زنان غیرعرب، در سراسر دنیا، به دین اسلام می‌گروند و حجاب را به عنوان یک شرط مذهبی می‌پذیرند و نه به خاطر برداشتی نادرست از سنت. من هم نمونه‌ای از این زنان هستم. حجاب من، نه بخشی از هویت سنتی یا نژادی من است و نه معنایی سیاسی یا اجتماعی دارد؛ بلکه حجاب من، تنها و تنها، هویت مذهبی من است. من پیش از آن که در پاریس دین اسلام را برگزینم، حجاب را در حد خودم رعایت می‌کردم. شکل حجاب، بسته به کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند و یا میزان آگاهی او از اسلام، متغیر است. در فرانسه، من تنها شالی بر سر می‌گذاشتم که از نظر رنگ، با دیگر لباس‌هایم متناسب بود. این ترکیب، تقریباً مُید به حساب می‌آمد. اکنون که در عربستان سعودی هستم، چادر سیاه سرتاسری بر تن می‌کنم که حتی چشمانم را هم می‌پوشاند. به این ترتیب، من حجاب را از ساده‌ترین شکل تا کامل‌ترین آن، تجربه کرده‌ام. واقعاً معنای حجاب چیست؟ با وجود این که کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره حجاب نگاشته شده، اما تمام آنها، نگرش افرادی است که از بیرون به این قضیه نگاه می‌کنند. من امیدوارم با در نظر گرفتن این نکته که از داخل به این مسئله می‌نگرم، بتوانم آن را شرح دهم. هنگامی که تصمیم گرفتم اسلام خود را ابراز کنم، هرگز فکر نکرده بودم که آیا خواهم توانست روزی پنج نوبت نماز بخوانم یا این که آیا قادر خواهم بود حجاب خود را حفظ کنم؟ شاید از این می‌ترسیدم که اگر جلدی به این موضوع فکر کنم، به نتیجه منفی برسم و این کار، می‌توانست تصمیمم را مبنی بر مسلمان شدن، تحت تأثیر قرار دهد. تا زمانی که مسجد جامع پاریس را ندیده بودم، هیچ کاری با اسلام نداشتم و با نمازگزاران و حجاب، هیچ آشنایی نداشتم. در واقع، هر دوی آنها برایم غیرقابل تصور بودند؛ اما شوق مسلمان شدن، چنان در من قوی بود که نگران چیزهایی که در آن سوی این تغییر در انتظارم بودند، نبودم. پس از گوش دادن به یک سخنرانی در مسجد پاریس، محاسن رعایت حجاب بر من روشن شد؛ تا حدی که حتی پس از خروج از مسجد هم روسری را از روی سرم برداشتم. آن سخنرانی، مرا غرق در نوعی رضایت روحی کرد که هرگز قبلاً نمی‌شناختم؛ آن چنان که اصلاً نمی‌خواستم روسری را از سرم بردارم. در آن وقت، به دلیل سرمای هوا، پوشش حجابم، توجه زیادی را به خود جلب نکرد؛ ولی خودم به شدت احساس می‌کردم که با دیگران تفاوت دارم؛ احساس طهارت و امنیت می‌کردم. احساس خوبی نداشتم؛ ولی با پوشش حجاب، از نگاه مردان در امان بودم. رعایت حجاب، باعث شادمانی‌ام شد و نیز نشانه فرمان‌برداری من از خداوند و تجلی ایمانم بود. دیگر لازم نبود که اعتقاداتم را با صدای بلند فریاد بزنم؛ حجاب من، آنها را به روشنی برای همگان بیان می‌کرد؛ به ویژه برای دیگر مسلمانان. به این ترتیب، حجاب به تقویت پیوند من با دیگر خواهران مسلمانان کمک می‌کرد. حجاب برای من، خیلی زود، به یک امر طبیعی و کاملاً اختیاری تبدیل شد. هیچ کس نمی‌توانست مرا مجبور به رعایت حجاب کند و اگر هم می‌کرد، من از آن سرپیچی می‌کردم. در اولین کتابی که درباره حجاب خواندم، نویسنده با زبان بسیار ملایمی بیان کرده بود که: «خداوند، حجاب را جداً توصیه می‌کند» و در اسلام، ما باید از خواسته‌های خداوند اطاعت کنیم. از این که من هم موفق به انجام وظایف دینی خود، به صورت اختیاری و بدون هیچ مشکلی شدم، خوشحال بودم. الحمدلله. حجاب به مردم یادآوری می‌کند که خداوند وجود دارد و همیشه به من یادآور می‌شود که من باید مثل یک مسلمان رفتار کنم؛ درست مانند افسران پلیس، که در لباس خدمت، آگاه‌تر و مراقب‌تر هستند؛ من هم با حجاب، بیشتر احساس مسلمان بودن می‌کنم. دو هفته پس از آن که به اسلام گرویدم، برای شرکت در یک جشن عروسی خانوادگی، به ژاپن بازگشتم و تصمیم گرفتم که تحصیل در فرانسه را رها کنم. اشتیاق تحصیل در رشته ادبیات فرانسه، جای خود را به شوق تحصیل در ادبیات عرب داده بود. برای تازه

مسلمانی چون من، با آگاهی اندک از دین اسلام، زندگی در شهری کوچک در ژاپن که مرا از سایر مسلمانان جدا می‌ساخت، آزمایش بزرگی بود؛ هرچند، این دوری از اجتماع مسلمانان، آگاهی‌های اسلامی‌ام را افزایش داد و دانستم که تنها نیستم؛ زیرا که خداوند با من است. من می‌باید بسیاری از لباس‌هایم را که قبل از مسلمان شدن می‌پوشیدم، کنار می‌گذاشتم. یکی از دوستانم به من کمک کرد تا خیاطی پیدا کنم که برایم تعدادی شلوار گشاد، نظیر آنچه پاکستانی‌ها می‌پوشند، بدوزد. در این باره، نگاه متعجب مردم، مرا آزار نمی‌داد. پس از شش ماه تحصیل در ژاپن، اشتیاقم به تحصیل زبان عربی به حدی افزایش یافت که تصمیم گرفتم به قاهره بروم. من در آن‌جا دوستی را می‌شناختم؛ اما هیچ کدام از اعضای خانواده میزبان، انگلیسی یا ژاپنی نمی‌دانستند و بانویی که در بدو ورود، مرا به داخل خانه هدایت کرد، از فرق سر تا نوک پا، سیاه‌پوش بود و حتی چهره‌اش را هم پوشانده بود. اگرچه اکنون این نوع پوشش در این‌جا (ریاض) برایم عادی و آشناست، ولی به یاد می‌آورم که در آن زمان، از دیدن چنین ظاهری، سخت شگفت‌زده شده بودم؛ زیرا به یاد حادثه‌ای مشابه در فرانسه افتادم که با دیدن چنین لباسی با خود فکر کرده بودم که «این زنی است که اسیر سنت شده، بدون کوچک‌ترین آگاهی از اسلام واقعی»؛ زیرا به نظر من، پوشاندن صورت، نه یک ضرورت، بلکه سنتی بومی بود. در قاهره، می‌خواستم به آن خانم بگویم که در پوشش، زیاده‌روی کرده است و این نوع پوشش، غیرعادی و غیرطبیعی بود؛ اما در عوض به من گفته شد که من به عنوان یک مسلمان، پوشش مناسبی برای ظاهر شدن بین مردم ندارم. من با این نظر مخالفت کردم؛ زیرا بر اساس آنچه من درک کرده بودم، این نوع پوشش، برای یک زن مسلمان کافی بود؛ اما یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید: «هنگامی که در رم هستی، مانند رمی‌ها رفتار کن». از این رو، مقداری پارچه خریدم و لباسی نظیر آنچه زنان مصری می‌پوشیدند (Khimar)، برای خودم دوختم؛ لباسی که بازوها و پایین‌تنه را کاملاً می‌پوشاند و حتی آمادگی داشتم که صورتم را هم مانند اقلیت کوچک خواهران مصری که با آنها آشنا شده بودم، بپوشانم. پیش از مسلمان شدن، لباس‌های سبک مردانه، نظیر شلوار را بر پوشیدن لباس‌های زنانه، نظیر دامن، ترجیح می‌دادم؛ اما نوع پوشش به سبک زنان مصری، برایم خوشایند بود و در این لباس، بیشتر احساس آرامش و وقار می‌کردم. از نظر غربی‌ها، سیاه، رنگی مناسب برای لباس‌های شب است؛ چون زیبایی شخص را برجسته‌تر می‌سازد. خواهران جدید من نیز در پوشش سیاهشان، واقعاً زیبا بودند و در چهره‌هایشان، نور قداست می‌درخشید. پس از اقامتی کوتاه در عربستان سعودی، مجبور شدم به پاریس برگردم. در آن‌جا متوجه شدم که ظاهر خواهران مصری، بی‌شباهت به راهبه‌های کاتولیک نیست. در راه، با یک راهبه، همسفر بودم؛ در حالی که از شباهت بین لباس‌هایمان لبخند بر لب داشتم. لباس او مانند لباس یک زن مسلمان، نشان‌گر این بود که خود را وقف خداوند کرده است. متعجب شده بودم که مردم درباره روبند راهبه‌های کاتولیک، هیچ سخنی نمی‌گویند؛ ولی از روبند یک زن مسلمان، به شدت انتقاد می‌کنند و آن را نماد تروریسم و ظلم می‌انگارند. برای من مهم نبود که لباس‌های رنگی‌ام، جای خود را به لباس‌های مشکی داده بودند؛ درواقع، پیش از مسلمان شدن، به گونه‌ای آرزوی داشتن زندگی‌ای چون زندگی یک راهبه را داشتم. پس از شش ماه اقامت در قاهره، چنان به آن لباس مشکی بلند عادت کرده بودم که فکر می‌کردم پس از بازگشت به ژاپن هم آن را خواهم پوشید؛ اما به چند دست لباس روشن و سفید نیاز داشتم تا زندگی کمتری نسبت به رنگ سیاه داشته باشند. حق با من بود؛ زیرا ژاپنی‌ها به پوشش سفیدم واکنش نسبتاً خوبی نشان می‌دادند و به نظر می‌رسید که می‌توانستند حدس بزنند که، من پیرو مذهبی خاص هستم. یک بار شنیدم که دختری - با اشاره به من - به دوستش گفت: او یک راهبه بودایی است. چقدر راهبه‌های مسلمان، مسیحی و بودایی، به هم شباهت دارند! یک بار در قطار، مردی که کنارم نشسته بود، از من پرسید: چرا چنین لباس غیرعادی‌ای را پوشیده‌ای؟ وقتی برایش توضیح دادم که من یک زن مسلمان هستم و اسلام به زنان امر کرده است تا اندام خود را بپوشانند؛ تا مردان ضعیف‌النفس به گناه نیفتند، به نظر می‌رسید که او تحت تأثیر قرار گرفته است. هنگامی که می‌خواست قطار را ترک کند، از من تشکر کرد و گفت: دوست داشتم وقت بیشتری باشد تا درباره اسلام با تو صحبت کنم. هنگامی که پدرم مرا می‌دید که حتی در

روزهای گرم هم با لباس آستین بلند و سرپوشیده بیرون می‌رفتم، ابراز نگرانی می‌کرد؛ اما من دریافته بودم که حجاب، مرا از اشعه‌های خورشید هم در امان می‌دارد و در واقع، این من بودم که از دیدن پاهای برهنه خواهرم در شلوار کوتاهش، احساس ناراحتی می‌کردم. من همیشه از دیدن چنین صحنه‌هایی درباره زنان، احساس شرم می‌کردم. بنابراین، مشکل نخواهد بود که فکر کنیم این صحنه‌ها چه تأثیری بر مردان می‌گذارد. در اسلام به زنان و مردان سفارش شده تا موقر (نجیب) لباس بپوشند و برهنه در میان مردم ظاهر نشوند؛ حتی در مکان‌هایی که همگی زن یا مرد هستند. این واضح است که حد قابل قبول پوشیدگی اندام، با توجه به تفکر فردی و اجتماعی تعیین می‌شود؛ به عنوان مثال، در ژاپن، ۵۰ سال قبل، اگر زنی با مایو به شنا می‌رفت، زشت محسوب می‌شد؛ اما امروزه مایوی دوتکه، نوعی هنجار است؛ هر چند شنا کردن بدون پوشش بالاتنه، بی‌حیایی محسوب می‌شود؛ در حالی که شنا در سواحل جنوبی فرانسه، بدون پوشش بالاتنه، نوعی هنجار است. در برخی سواحل آمریکا، برهنه‌گرایان، لخت مادرزاد، در ساحل دراز می‌کشند. اگر یک خانم «آزاد» که حجاب را نفی کرده است، مورد سوال یکی از همین برهنه‌گرایان قرار بگیرد که چرا برجستگی‌های بدنش را می‌پوشاند؛ در حالی که این اندام‌ها به اندازه دست‌ها و صورت، طبیعی هستند، چه جواب صادقانه‌ای خواهد داد؟ در این جا، هوا و هوس مردان، تعیین‌کننده حد پوشیدگی زنان محسوب می‌شود؛ اما در اسلام، چنین مشکلی وجود ندارد؛ زیرا خداوند مشخص کرده است که چه بخش‌هایی باید و یا نباید پوشیده بمانند و ما از او اطاعت می‌کنیم. پرده‌های شرم در میان مردمی که برهنه یا نیمه برهنه در جامعه ظاهر می‌شوند و در مقابل چشمان دیگران، اجابت مزاج یا معاشقه می‌کنند، دریده می‌شود و این رفتار، مقام انسان را تا حد یک حیوان تنزل می‌دهد. زنان ژاپنی، تنها هنگامی که می‌خواهند از منزل خارج شوند، آرایش می‌کنند و برای ظاهر خود در خانه، اهمیت زیادی قائل نمی‌شوند. در اسلام، سعی زن بر این است که برای شوهرش زیبا جلوه کند و شوهر هم می‌کوشد تا برای همسرش زیبا باشد. در اسلام، حتی بین یک زن و شوهر هم حیا وجود دارد و این امر، روابط آنها را زینت می‌دهد. مسلمانان به حساسیت بیش از حد درباره بدن متهم می‌شوند؛ ولی آزارهای جنسی رایج در جامعه، پوشش موقر و نجیبانه را توصیه می‌کند. پوشیدن دامن کوتاه، می‌تواند پیامی برای مردان باشد؛ مبنی بر این که «من در دسترس هستم»؛ اما حجاب، با صدای بلند اعلام می‌کند که «من برای شما ممنوع شده‌ام». پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله از دخترش حضرت فاطمه سلام‌الله علیها پرسید: «بهترین چیز برای یک زن چیست؟» وی فرمود: «این که نه مرد نامحرمی را ببیند و نه در معرض دید نامحرمان باشد». پیامبر صلی‌الله علیه و آله خشنود شد و فرمود: «به درستی که تو دختر منی». این سخنان، نشان می‌دهد که برای زنان بهتر است که در خانه بمانند و تا حد امکان، از نگاه نامحرمان به دور باشند. در خارج خانه، نیز رعایت حجاب، همان اثر را دارد. پس از ازدواج، ژاپن را به قصد عربستان سعودی ترک کردم؛ جایی که زنان بنا به رسم، در بیرون از منزل چهره‌هایشان را با نقاب می‌پوشانند. من بی‌صبرانه منتظر بودم تا نقاب را امتحان کنم و بدانم که پوشیدن آن، چه احساسی به من می‌دهد؛ البته زنان غیرمسلمان هم لباس‌هایی به نام شنل می‌پوشند که آزادانه از شان‌هایشان آویزان است؛ ولی چهره‌هایشان را نمی‌پوشانند و زنان مسلمان غیرعرب هم کمتر صورت‌هایشان را می‌پوشانند. همین که به پوشیدن نقاب عادت کردید، متوجه خواهید شد که اصلاً ناراحت نیستند. در واقع، من با نقاب، احساس کردم که شاهکار و گنجی را پنهان می‌کنم که نه می‌توانی آن را ببینی و نه بشناسی. وقتی یک زن غیرمسلمان، یک زوج مسلمان را در خیابان می‌بیند، به این می‌اندیشد که آنها کاریکاتورهایی هستند که ادای زندگی را در می‌آورند؛ ظالم در کنار مظلوم؛ در حالی که با این نوع پوشش، زن مسلمان، احساس می‌کند ملکه‌ای است که خدمتکارش او را همراهی می‌کند. اولین نقابی که پوشیدم، چشمانم را نمی‌پوشاند؛ اما در زمستان از نقابی استفاده می‌کردم که چشم‌هایم را هم دربرمی‌گرفت و به این ترتیب، احساس سنگین چشم در چشم شدن با مردان نامحرم از بین می‌رفت و درست مانند یک عینک آفتابی، از دید بیگانگان جلوگیری می‌کرد. این اشتباه است که فکر کنیم زنان مسلمان خود را می‌پوشانند؛ چون جزء اموال خصوصی شوهرانشان محسوب می‌شوند؛ بلکه در واقع، آنها با این کار، شرافت، متانت و وقار خود را حفظ



می‌کنند و از این که توسط بیگانگان تصاحب شوند، جلوگیری می‌کنند. باید به حال زنان غیرمسلمان و زنان مسلمان لیبرال تأسف خورد که آن‌چه را باید بپوشانند، در معرض دید عموم قرار می‌دهند. نگاه به حجاب از بیرون، دیدن حقایق پنهان درون آن را غیرممکن می‌سازد. تفاوت موجود در دو زاویه دید، تا حدی می‌تواند خلأ موجود در فهم اسلام را توضیح دهد. کسی که از بیرون به اسلام می‌نگرد، ممکن است آن را عامل محدودکننده مسلمانان بداند؛ اما از درون اسلام، چیزی جز صلح، آزادی و لذت (لذتی که هیچ کس قبلاً آن را تجربه نکرده است)، نیست. پیروان اسلام، چه آنها که مسلمان زاده شده‌اند و چه آنها که بعدها به اسلام گرویده‌اند، اسلام را به جای آزادی واهی در یک جامعه سکولار برگزیده‌اند. اگر اسلام به زنان ظلم می‌کند، چرا شمار زیادی از زنان جوان و تحصیل کرده در اروپا، آمریکا، ژاپن، استرالیا و... «آزادی» و «استقلال» خود را رها می‌کنند و به اسلام روی می‌آورند؟ زن آراسته به حجاب، به زیبایی فرشته است؛ پر از وقار، آرامش و اعتماد به نفس؛ اما تعصب که چشم دیگران را کور کرده است، مانع از دیدن این زیبایی می‌شود. «به راستی که این چشم‌ها نیستند که کور می‌شوند؛ بلکه این دل‌های درون سینه‌ها هستند که کور می‌شوند». ۱ دیگر چگونه می‌توان بهتر از این، تفاوت میان ما و چنین انسان‌هایی را بر سر فهم و درک حجاب، توضیح داد؟ پی نوشت . ۱. حج، آیه ۴۶

### چه لذتی دارد این حجاب

• نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی سیاهی چادرم، دل مردهایی که چشمشان به دنبال خوش‌رنگ‌ترین زن‌هاست را می‌زند. • نمی‌دانید چقدر لذت بخش است وقتی وارد مغازه‌ای می‌شوم و می‌پرسم: آقا! اینا قیمتش چنده؟ و فروشنده جوابم را نمی‌دهد؛ دوباره می‌پرسم: آقا! اینا چنده؟ فروشنده که محو موهای مش کرده زن دیگری است و حالش دگرگون است، من را اصلاً نمی‌بیند. باز هم سوءالم بی‌جواب می‌ماند و من، خوشحال، از مغازه بیرون می‌آیم. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی مردهایی که به خیابان می‌آیند تا لذت ببرند، ذره‌ای به تو محل نمی‌گذارند. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی شاد و سرخوش، در خیابان قدم می‌زنید؛ در حالی که دغدغه این را ندارید که شاید گوشه‌ای از زیبایی‌ها تان، پاک شده باشد و مجبور نیستید خود را با دلهره، به نزدیک‌ترین محل امن برسانید تا هر چه زودتر، زیبایی خود را کنترل کنید؛ زیبایی از دست رفته تان را به صورتتان بازگردانید و خود را جبران کنید. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان و دانشگاه و... راه می‌روید و صد قافله دل‌کش، همراه شما نیست. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی جولانگاه نظرهای ناپاک و افکار پلید مردان شهرتان نیستید. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی کرم قلاب ماهی‌گیری شیطان برای به دام انداختن مردان شهر نیستید. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی می‌بینی که می‌توانی اطاعت خدایت را بکنی؛ نه هوایت را. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان راه می‌روید؛ در حالی که یک عروسک متحرک نیستید؛ یک انسان رهگذرید. • نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد این حجاب! خدایا! لذتم مدام باد .

### حجاب و حفظ نشاط جنسی

۱. غریزه جنسی، قوی‌ترین غریزه انسانی است که زندگی انسانی را از نظر کمی و کیفی مورد تاثیر و تاثر قرار می‌دهد. این غریزه در کنار غریزه گرسنگی، بسترساز فرهنگ‌های انسانی در طول تاریخ شده و دین با ورود در این بستر، معنا بخش فرهنگ انسانی می‌شود. به همین دلیل در تاریخ ادیان کمتر دینی است که درباره مسئله جنسی سخن نگفته باشد. ۲. غریزه جنسی در یک چارچوب، مورد توجه ادیان قرار می‌گیرد و در چارچوب جهان‌بینی آن دین، جایگاه مسئله جنسی را با توجه به انسان‌شناسی خود، و جهان‌شناسی و اخلاقیات مبتنی بر آن، تشریح و تفسیر می‌کند که اغلب دایره مدار آن، انسان واسطه‌ای و متعالی دینی، مثل پیامبران

و یا بنیان‌گزاران دین مثل بودا قرار می‌گیرد. ۳. در غرب مسیحی قرون وسطی که انسان کامل مسیحی محور معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و سپس جامعه‌شناسی واقع شده بود، درباره مسئله جنسی، چه از بعد انسان‌شناسی و چه جامعه‌شناسی، به همان میزان قضاوت می‌شد و چون انسان‌های کامل مسیحی، حضرت مسیح و حضرت مریم و حضرت یحیی (ع)، هر سه ازدواج نکرده، در مسیحیت دوری از عمل جنسی، یک شرط برای انسان کامل شمرده شد و کم‌کم ترک عمل جنسی به ترک کلی عمل جسمی کشانده می‌شود و در دوران قرون وسطی، انسان‌هایی اعم از زن و مرد، دور از شهرها در نقاط دور افتاده جنگل‌ها و کوه‌ها و بیابان زندگی می‌کردند که به دور از لذت‌های جسمی یک زندگی کاملاً مجردانه داشتند. پس حجاب در همین جهت قلمداد می‌شد؛ یعنی دوری از لذت‌های جسمانی بطور کامل. ۴. با شروع رنسانس، تفسیری دیگر از انسان کامل ارائه شد که بر فرهنگ جنسی غرب به شدت اثر گذاشت؛ این تفسیر آن بود که چون خدا در جسم انسان (عیسی) تجلی یافته است، پس جسم انسان تقدس می‌یابد، به همین دلیل سعی در زیباشناسی جسم انسان است و با یک نوع آناتومی جسم انسان و بدست آوردن رگ، پی، ماهیچه، استخوان و... به ترسیم جسم‌های زیبا پرداخته شود که این مهم به وسیله «لئوناردو داوینچی» و «میکل آنژ» و «رافائل»، بر روی دیواره‌های کلیساهای روم و فلورانس انجام می‌شود. به طوری که جسم‌های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ بر روی دیوارها ترسیم و یا در مجسمه‌ها تجسم می‌یابند. شرمگاه اناث حذف و ذکور بسیار کوچک ترسیم می‌شود تا گفته شود خود جسم مطمح نظر است، نه مسائل جنسی آن، ولی با همین ترسیم انسان برهنه، اولین قدم برهنگی در غرب، توسط نوعی تفسیر از انسان کامل رخ می‌دهد. ۵. دو تفسیر حجابی و برهنگی از انسان کامل در غرب، با همان حالت تضادگونه در غرب ادامه یافت تا تفسیر یهودی دین مسیحیت در قالب پروتستانیزیم اتفاق افتاد و بر تفسیر برهنگی انسان کامل بصورت شدیدتر تاکید شده است و کفه به طرف برهنگی در جامعه غربی سنگینی کرد تا آنکه بر برهنگی انسان به شدت تاکید شد و این زمانی بود که انقلاب صنعتی رخ داد و ماشین به صحنه زندگی انسان‌ها آمد. ۶. این تاکید از سوی فروید صورت گرفت که بر فرهنگ یهودی در باب جنسیت تاکید می‌کرد و نمونه‌های آن در نامه‌های خصوصی او مشاهده می‌شود. فرهنگ یهودی یکی از جنسی‌ترین فرهنگ‌های دینی است که بر رابطه‌های جنسی محارم مثل دختر و پدر، و پسر، و مادر، و برادر و خواهر با دیده اغماض نگریسته است و آنها را بی‌اشکال دانسته است. فروید با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسی مسیحیت هجوم برد و سعی کرد که بر برهنگی جنسی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی تاکید کند و ریشه تمامی عقده‌های انسانی را در حجاب (به معنای عام) خلاصه کند که مانع عمل جنسی، بطور برهنه، در طول زندگی انسانی می‌شود. ۷. انقلاب صنعتی در غرب و مهاجرت جغرافیایی انسان‌ها از مکان‌های کوچک به مکان‌های بزرگ و تماس‌های دو جنس در سطوح مختلف کاری، هنجارشکنی جنسی را افزایش داد. حال اگر این را به برهنگی اجباری زنان، به علت کار با دستگاه‌های خطرناک و کشاننده شدن زنان به درون دستگاه، توسط لباس‌های زنانه اضافه کنیم، به خوبی برهنگی زنان در محیط کار ترسیم می‌کند. تاثیر صنعت تا جایی رسید که همسران، چه زن و چه مرد، به روابط جنسی فراتر از ازدواج روی آوردند و این روابط جنسی خارج از عرف و قانون موجب شد که برهنگی زنان در قالب فحشا و فاحشه‌های برهنه افزایش یابد (رابطه صنعت و برهنگی در دائرةالمعارف غرب مثل بریتانیکا آمده است). ۸. ورود ماشین به زندگی عمومی انسان‌ها در غرب، برهنگی را افزایش داد، چرا که ماشین‌ها انسان‌ها را از خانه و خانواده جدا می‌کرد و حتی ماشین به عنوان جایگزین خانه مطرح شد و خانه‌های متحرک در ماشین ترسیم شدند. پس ماشین رقیب خانه و انسان‌های ماشین دار رقیب خانواده شدند. پس روابط جنسی غیر معمول و غیر عادی رواج یافت و روابط جنسی غیر معمول، برهنگی را بیشتر رواج داد؛ مثل نقاشی‌های برهنه جنسی و تشویق برای برهنگی (فیلم تایتانیک و شکسپیر عاشق به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد). ۹. ماشین و محیط کار صنعتی و نظریه مبتنی بر فرهنگ یهودی جنسی فروید، سه عاملی بودند که انقلاب جنسی در غرب را به وجود آوردند. و غرب را از دوران ملکه ویکتوریا به دوران برهنگی وارد کرد و بر همین اساس، گروه‌هایی به وجود آمدند که سخت‌بر برهنگی جمعی تاکید کرده و برهنگی را نیز

معیار گروهی قرار دادند، این گروه‌ها هیپی‌ها، پانک‌ها، رپ‌ها و... بودند و سبب رواج برهنگی شدیدتر شدند که امروزه به برهنه‌های مادرزاد مشهور شده‌اند. ۱۰. بنابراین، در غرب اگر حجاب مطرح شده است، یعنی دوری شدید از عمل جنسی و غریزه جنسی (چه زن و مرد) و اگر برهنگی مطرح شده است، یعنی آزادی عمل جنسی و رفتن در آن. پس حجاب در غرب، نقطه مقابل انسان و غریزه قرار گرفته است، بطوری که اگر کسی حجاب داشته باشد، علیه انسانیت خود قدم برداشته است و بی‌حجابی، یعنی برگشت و بازگشت به خویشتن خویش. ۱۱. ولی این برهنگی به جای بازگشت به خویشتن انسانی، موجب شد که انسان‌ها از خودشان بیشتر دورتر شوند، اول آنکه برهنگی وسیله‌ای شد که بدن انسانی طعمه مطامع اقتصادی شود. بدن فروشی، به صورت فحشا و به صورت مانکن تبلیغاتی کالا و به صورت بازیگران فوتبال و ورزش‌های دیگر و به صورت هنرمندان سینمایی و تلویزیونی و... معمول شد؛ یعنی به جای کرامت انسانی، ذلت و رذالت انسانی نصیب او گردید. ۱۲. انسان‌های معمولی‌ای که برهنه شدند نیز به عنوان محل مصرف مد و «ابزارهای اقتصادگردان سرمایه داری در مصرف تعیین شدند و از لباس زیر تا لباس رو، همه تابع مد روز واقع شدند (لباس گشاد یا لباس تنگ و یا ترکیبی از آن دو و...)». در نتیجه مد به عنوان تنوع‌طلبی مطرح شد، ولی در واقع سبب غفلت‌زایی مداوم از خود و هم‌نوع خود و جهان اطراف گردید؛ بنابراین برهنگی عمومی، از خودبیگانگی عمومی را برای انسان غربی به ارمغان آورد. ۱۳. برهنگی در غرب، بی‌رغبتی جنسی را برای غربی به ارمغان آورد، چرا که برهنگی سبب تحریک اولیه انسان به طرف عمل جنسی در سنین اولیه بلوغ می‌شود، ولی در نهایت به سرد مزاجی جنسی تبدیل می‌شود، چرا که اسراف جنسی در دوران بلوغ، به بی‌رغبتی جنسی در سنین بالاتر منتهی می‌شود، مگر آنکه کالاهای رغبت افزای جنسی به میدان بیاید، مثل الکل و یا قرص‌های نشاط آور جنسی که باز در دراز مدت سبب بی‌رغبتی جنسی بیشتر خواهد بود و چون غریزه جنسی که نشاط آور زندگی است، به رکود کشانده شود، بنیاد خانواده رو به سستی می‌رود و فحشا جای آن را پر می‌کند و افسردگی فردی بر افراد حاکم می‌شود که به عنوان طاعون عصر غرب مطرح شده است؛ سپس برهنگی بر افسردگی جنسی غرب، و رکود روحی و روانی افراد افزوده است. ۱۴. حجاب در اسلام برای حفظ نشاط جنسی است، چون حجاب تخیل جنسی را تحریک می‌کند و سبب می‌شود که مسئله جنسی معنادار شود و دچار بی‌معنایی نگردد (مثل برهنگی) و چون اسلام بر طبیعت جنسی سخت تاکید دارد و انسان کامل خود را نه فقط در معنویت انسان کامل، بلکه در مسائل دنیوی و جنسی او می‌داند (چون نکاح و عمل جنسی از سنت انسان کامل در اسلام می‌باشد و هر کس از این سنت روی بر می‌گرداند، از او نیست). پس انسان کامل در اسلام الگوی جامع و کامل انسان در دنیا و آخرت و از جمله مسئله جنسی است که باید مورد تقلید قرار گیرد. پس حجاب یک فرهنگ جنسی است که سبب گرم شدن غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضای آن در قالب خانواده می‌شود به همین دلیل امروزه شرق به علت محور قرار دادن ارضای جنسی و حجاب، جنسی‌تر از غرب قرار داده شده است و تاریخ شرق و غرب نیز مؤید مسئله است و شاید به همین دلیل است که عرفان شرقی در هند و عالم اسلام به زبان جنسی بیان می‌شود؛ مثل شعر حافظ و ابن عربی که فص محمدیه را فص نکاحیه و جنسی نامیده است؛ به همین دلیل است که معنویت از جنسیت جدا نیست و حجاب علاوه بر حفظ کرامت انسانی، سبب رشد انگیزه جنسی در جامعه و نیز رشد نشاط جامعه اسلامی می‌شود، بدون آنکه به سستی و لهو و لعب دچار شود. نویسنده: ابراهیم - فیاض

### حجاب دژ عفت و کرامت

در اسلام حجاب به این معنا که زن در معاشرت با مردان نامحرم و اجتماعاتی که نامحرمان در آنها حضور دارند، بدن خود را بپوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی، خودداری کند لازم شمرده شده است. البته این لزوم نه به منظور ایجاد محدودیت برای زن، بلکه در راستای پاسداری از حقوق انسانی و عفت و کرامت و شخصیت زن می‌باشد. حجاب همچون دژی استوار، از شخصیت و ارزش زن

پاسدرا می کند و از این که کرامت انسانی او به وسیله رهنان حیا و عفاف به تاراج رود، جلوگیری می نماید. قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب می فرماید: «ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مومنان بگو، جلباب‌ها (روسری های بلند) خود را بر خویش افکنند که این کار برای این که آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است و خداوند همواره غفور و رحیم است.» آنچه که از ظاهر آیه برمی آید این است که افراد لایبالی و اراذل و اوباش که در پی ارضای امیال شهوانی خویش هستند به دنبال زنانی می روند که با پوشش خویش، این گونه افراد را جلب و برای آزار و ایجاد مزاحمت تشویق می کنند و لذا خداوند با مقرر داشتن حجاب برای زنان، خواسته است شرایطی فراهم گردد که زنان و دختران مومنان از شر آزار اوباش رهایی یابند. به بیان دیگر، رعایت پوشش برای زن سبب وقار و متانت و شخصیت است و حجاب، همین پیام را نیز به مزاحمین نوامیس منتقل می نماید و دریافت این پیام از سوی آنان موجب می شود رفتارشان تحت تاثیر قرار گرفته و از آزار و اذیت زنان و دختران با ایمان و دارای حجاب خودداری کنند. استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در ارتباط با آیه مذکور می فرماید: «مطلبی که از این آیه استفاده می شود و یک حقیقت جاودانی است، این است که زن مسلمان باید چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علایم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود در این وقت است که بیمار دلان که دنبال شکار می گردند از آنها مایوس می شوند اگر نقش حجاب در آرامش روانی اعضای خانواده، استحکام روابط زن و شوهر و افزایش مودت و محبت در بین آنان و نیز تاثیر مثبت آن در تربیت فرزندان را مد نظر قرار دهیم، بی تردید رعایت حجاب رابه عنوان یکی از شاخصه های مهم خانواده سعادت مند، محسوب خواهیم شد. و فکر بهره کشی از آنها در مخیله شان خطور نمی کند. (۱) قرآن، در بخشی از آیه ۳۱ سوره نور نیز می فرماید: «و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار ننمایند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار ن سازند...» که بر اساس این بخش از آیه مذکور، زن مسلمان باید: ۱- از چشم چرانی و نظربازی، اجتناب کند؛ ۲- پاکدامن باشد، ۳- پوشش داشته باشد و آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار ن سازد و در صدد تحریک و جلب توجه مردان بر نیاید رعایت حجاب از سوی زنان در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. امیر مومنان علی (علیه السلام) می فرماید: «به همراه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) مشرف شدم، دیدم آن حضرت به شدت گریه می کند. عرض کردم: «پدرم و مادرم فدایت باد ای رسول خدا، چه چیز موجب گریه شما شده است؟» فرمود: «یا علی آن شب که مرا به آسمان ها عروج دادند (معراج) برخی از زنان امتم را در عذاب شدید دیدم و از مشاهده حال آنها ناراحت شده و گریه کردم» و سپس حضرت رسول اکرم شروع کرد به توصیف عذاب های آنان تا این که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عرض کرد: «عمل این زنان چه بوده است؟» رسول خدا فرمودند: «اما آن زن که از مویش آویخته شده بود، زنی بود که موی خویش را از مردان (نامحرم) نمی پوشانید... و آن زن که گوشت بدن خویش را می خورد، زنی بود که بدن خویش را برای مردم آرایش می نمود.» (۲) بنابراین، هیچ تردیدی باقی نیست در این که زن مسلمان باید در جهت مراعات حجاب همت گمارد و خود را از مردان نامحرم بیوشاند. چنان که فقهای بزرگوار شیعه نیز بر این امر تصریح کرده و آن را مورد تاکید قرار داده اند. برای نمونه صاحب کتاب عروه الوثقی می فرماید: «بر زن واجب است که تمامی بدن خود را (به جز دست ها تا مچ و گردی صورت) از مرد نامحرم بیوشاند و این در صورتی است که به قصد تلذذ و ریبه نگاه نکنند و الا در صورت نگاه کردن به قصد تلذذ و ریبه پوشیدن حتی از محارم نیز لازم است. (۳) و به این ترتیب، هیچ یک از زنان مسلمان مجاز نیستند بدون رعایت پوشش اسلامی در مقابل چشمان مردان نامحرم حتی در محیط های خانوادگی. ظاهر شوند. علاوه بر این هیچ زن مسلمانی نباید در معاشرت با نامحرم کاری بکند که موجب تحریک و جلب توجه آنان گردد، و بر همین اساس است که استعمال عطرهای تند و آرایش هایی در چهره که نظر نامحرم را جلب نماید برای زنان ممنوع است. همچنین بر همه زنان لازم است همواره حریم خود با مردان نامحرم مورد توجه قرار داده و آن را رعایت کنند. زیرا عدم رعایت حریم میان زنان

و مردان نامحرم، مفسد جبران ناپذیری در پی دارد که اگر وضعیت اسف بار فعلی جوامع غربی را که به علت بی بندوباری زنان و مردان شهوت پرست به وجود آمده مورد توجه قرار دهیم به این مفسد آگاه خواهیم شد. و اما در مورد اینکه حدود پوشش زنان چیست، استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید: «در این که پوشانیدن غیروجه و کفین برزن واجب است از لحاظ فقه اسلام هیچگونه تردیدی وجود ندارد. این قسمت جزء ضروریات و مسلمات است و از نظر قرآن و حدیث و فتاوی، در این باره اختلاف و تشکیکی وجود ندارد.» (۴) نکته دیگری که در این جا باید به آن توجه شود، وضعیت پوشش افراد اناث در درون خانه و در مقابل دیدگان افراد ذکوری است که جزء محارم محسوب می شوند. (مانند فرزندان ذکور یا برادران) سؤال این است که اگر در درون خانه، افراد مذکری که محرم محسوب می شوند، از روی تلذذ و ریبه نگاه کنند آیا زنانی که محارم آنها محسوب می شوند، می توانند بدون پوشش در مقابل دیدگان ایشان ظاهر شوند؟ در پاسخ باید گفت چنان که مردان محرم به قصد لذت بردن از روی ریبه به زنانی که محارم آنها محسوب می شوند، نظر کنند بر زنان لازم خواهد بود که بدن خود را از آنان هم پوشانند. این مطلب را در فتاوی صاحب عروه الوثقی ملاحظه نمودیم. «تلذذ؛ یعنی لذت بردن، و نگاه از روی تلذذ، یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد. و اما ریبه یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و این خوف وجود دارد که لغزشی به دنبال نگاه کردن ایجاد شود. (۵) به هر حال در اسلام، حجاب برای جلوگیری از مفسد تشریح شده که بی حجابی در پی دارد. به این لحاظ چنانچه عدم رعایت پوشش در نزد محارم نیز مفسده به دنبال داشته باشد، رعایت آن در نزد آنان نیز لازم خواهد بود. آیت الله ابراهیم امینی می نویسد: «مادری که فرزندان پسر و دختر در خانه دارد، نمی تواند بآنها نیمه عریان و صورت کاملاً آرایش کرده در منزل زندگی کند، پدران و مادران وظیفه دارند به منظور تربیت صحیح فرزندان و جلوگیری از انحراف آنها، حیا و عفت را در منزل رعایت کرده و از انجام کارهایی که امکان دارد موجب تحریک و بیدار شدن غریزه جنسی کودکان گردد، جداً خودداری نمایند.» (۶) پی نوشت: ۱- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، بی تا، قم، ص ۱۶۰-۲ مدنی بیجستانی، سید محمود. فساد، سلاح تهاجم فرهنگی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۰-۳ همان، ص ۲۷۰-۴ مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، قم انتشارات صدرا بی تا، ص ۱۶۴-۵ همان، ص ۱۶۵-۶ امینی، ابراهیم. اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴، ص ۲۵۷

## حجاب و امنیت اجتماعی

مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امنیت در برابر گرما و سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویت بخشی و ایجاد امنیت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چرا که نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده سنت ها، ارزش ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیت اجتماعی در جامعه معرفی کرده است و چالش ها، زمینه ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه های مختلف این موضوع و اهمّیت آن را توضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش های دینی بیان کنیم. به طور کلی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امنیت اجتماعی، هدف اساسی و خوب حجاب. ۲. امنیت اجتماعی، فلسفه حقیقی و خوب حجاب. ۳. پایه های تحقق امنیت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیت اجتماعی. ۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امنیت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و

باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می‌سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امتیّت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود را از نگاه ناروا بیوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشان را با چادرهای خود بیوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت، آزار نکشند (در امتیّت کامل باشند)؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان است (۲)». همان گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلقتیات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غریز، التهاب‌های جسمی و معاشرت‌های بی‌بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امتیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندان، زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش‌های اجتماعی، تأمین‌کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می‌نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازاری باطنی و از همه مهم‌تر امتیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیت می‌کند (۳). در سال‌های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امتیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش‌های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهم اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امتیّت اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه‌ها برای همه اқشار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و اندیشمند، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امتیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیاً نماد فرهنگی و ملی بشریت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امتیّت اجتماعی، هدف اساسی و جوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می‌گردد که هدف از تشریح و جوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امتیّت اجتماعی است. «وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (۴). چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امتیّت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ» (۵). «نگاه به

موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرامی خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از مجموع گفتار فوق روشن می گردد که هدف از وجوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امتیّت اجتماعی است. امتیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب یکی از فلسفه های حقیقی وجوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امتیّت اجتماعی با توسعه آن می باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی موج از تمایلات و خواسته های اوست که مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است: «أَعْظَمُ الشَّهْوَةِ، شَهْوَةُ النِّسَاءِ (۶)»: «بزرگ ترین خواسته های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می زند و آنها را به یک کانون جدی خطر، مبدل می سازد که به سلب آرامش زن و امتیّت اجتماعی منتهی می گردد. آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد. پوشش دینی، پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امتیّت اجتماعی دانسته و نجابتش را می ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امتیّت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امتیّتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند (۷)». شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها پایه های تحقق امتیّت اجتماعی در سایه های حجاب بانوان پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امتیّت اجتماعی می گردند و به تحقق آن در جامعه اسلامی، کمک می نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه های اساسی بیان گردد: ۱. ایمان به خدا و جهان آخرت از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امتیّت اجتماعی جامعه را فراهم می نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریت تشریح کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امتیّت اجتماعی جامعه را تضمین می کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امتیّت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیت برای خود قلمداد نموده و امتیّت اجتماعی انسان ها را تهدید می نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لانه های هوس را برمی اندازد، آن را به کام جان خود می ریزد تا عالم جاننش، گلستان گل های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی افروزد تا حافظ بوستان ارزش های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه های مستحکم پوشش دینی و تبلور امتیّت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امتیّت اجتماعی ارزش می بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم تر از آنها مسأله امتیّت اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه های شیطانی را هیچ انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می بخشد. همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش های خود می گرداند: «خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آن چنان که

هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشمه هستی امتیت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش های مهیج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امتیت خود و جامعه خویش را برهم می زند. آثار و فواید حجاب اسلامی بر تحقق امتیت اجتماعی آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امتیت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه. ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی. ۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی. ۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی. ۵. حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی. ۶. کاهش تقاضای مدیریت بانوان. ۷. حفظ ارزش های انسانی، مانند عفت، حیا و متانت در جامعه. ۸. مصونیت زنان در همه زمانها و مکانها. ۹. سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی. ۱۰. هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی. ۱۱. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب. ۱۲. از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار (۸). اکنون به توضیح برخی از فواید مذکور می پردازیم تا اثبات گردد حجاب از لوازم جدایی ناپذیر و ابزارهای اولیه و پایه ای جهت برقراری مداوم امتیت اجتماعی است. ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امتیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد (۹)». حفظ و استیفای نیروی کار اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار، بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امتیت اجتماعی آنان می گردد (۱۰). مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: «می ترسم آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!» (۱۱). یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امتیت اجتماعی بوده و هست و این امر، مشخصاً از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را نیز ممنوع کردند (۱۲). آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امتیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امتیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: ۱. باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند. ۲. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می شوند. ۳. حفظ حجاب، نه تنها باعث ایجاد امتیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید (۱۳). آثار سوء بی حجابی و زوال امتیت اجتماعی بی حجابی یا حضور تحریک کننده زنان در جامعه، از آثار زیانبار اخلاقی، سیاسی، آخرتی و اجتماعی مختلفی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن ها زوال امتیت اجتماعی است. بی حجابی با اثرات مهلک خود که در ذیل آمده و شرح داده می شود، باعث از بین رفتن بنیه اعتقادی و امتیت اجتماعی بشریت می گردد. ۱. سقوط شخصیت حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان و سقوط از جایگاه بلند ارزشی شخصیتی همان.



با افول شخصیت زن، بی بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی مختل می‌گردد و در نتیجه امتیّت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می‌شود (۱۴). سقوط شخصیت زن به دلایل زیر باعث اضمحلال امتیّت اجتماعی می‌شود: الف. زن با از دست دادن شخصیت خویش، ارزشهایش منهدم شده و هوسرانی را در جامعه رواج می‌دهد، در نتیجه سلامت اخلاقی و به دنبال آن امنیت اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. ب. زنان، با غفلت از اصول اخلاقی اسلام، مسایل جنسی را به محیط جامعه کشانده و زمینه گسترش گناه و از هم پاشیدگی نظم اجتماع را به وجود می‌آورند. ج. زنان، با بی‌حجابی به معصیت کبیره خودنمایی گرفتار آمده و بی‌حیایی را در جامعه ترویج می‌دهند، در نتیجه امتیّت اجتماعی، نابسامان گشته، از بین می‌رود. ۲. تزلزل خانواده‌ها یکی از آثار زیانبار بی‌حجابی بانوان، تزلزل خانواده‌هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می‌گردند و روابط زناشویی در خانواده‌ها را متزلزل می‌کنند، در نتیجه امتیّت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم پاشیدگی بنیان خانواده و عقده مند شدن مردان، روبرو می‌شود و این مشکلات زیانبار به محیط جامعه کشیده شده، امتیّت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می‌سازد. از دیگر آثار سوء بی‌حجابی و تأثیر آن در زوال امتیّت اجتماعی می‌توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی‌مسئولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه‌های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی‌ارزشی و پوچی انسان‌ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می‌شود (ر.ک: مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰ - ۹۵. حجاب و جامعه، زهرا حسینی موسوی، ص ۹ - ۷۰ و حجاب شناسی، چالش‌ها و کاوش‌های جدید، حسین مهدی زاده، بخش شبهه‌های وارده در حجاب و پاسخ‌های نغز آن از سوی دانشمندان اسلامی). نتیجه از مباحث بیان شده در این مقاله، به خوبی رابطه حجاب و امتیّت اجتماعی، آشکار می‌گردد و نمایان می‌شود که اسلام، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است. از دیرباز، بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس‌های بلند، مقنعه و چادر مشکی، ضامن امنیت بوده و دارای اصل و ریشه قرآنی می‌باشند. از این مقاله به خوبی این نکته فهمیده می‌شود و به دست می‌آید که مسأله حجاب، یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریت است و اینکه عده‌ای با استفاده از شبهات و روش‌های القایی تبلیغ منفی، به جای ارائه دادن طرح مشخص و جالبی برای ترویج الگوهای مطلوب از حجاب اصیل و برتر، به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف جامعه و اضمحلال امنیت اجتماعی اقدام می‌نمایند، به سختی در اشتباه و گمراهی آشکارند و باید بدانند که از اقدامات نابهنجار خویش سودی جز تخریب شخصیت درونی خود نخواهند برد. با توجه به واقعیتهای موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش‌های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم‌ترین وجهی رهنمون گردند. پی‌نوشت: ۱. نور، ۳۰. ۲. احزاب، ۵۹. ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴. احزاب، ۵۳. ۵. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶. محجّه البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶. ۸. برای آگاهی بیشتر درباره آثار و فواید پوشش و حجاب و امتیّت اجتماعی، ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص منزلت زن در نظام اسلامی. ۹. ر.ک: آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۱۹. ۱۰. مسأله حجاب: استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۸۴. ۱۱. «اِنَّیْ اَخَافُ اَنْ یُّبَدَلَ دِیْنُکُمْ اَوْ اَنْ یُّظْهَرَ فِی الْاَرْضِ الْفَسَادُ»، سوره مؤمن، آیه ۲۶. ۱۲. ر.ک: انقلاب یا بعثت جدید، حجّه الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷. ۱۳. ر.ک: پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰. ۱۴. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زنان مسلمان نیست، بلکه از ضرورت‌های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تاثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، زیان‌ها و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع و حتی اقتصاد و سیاست بر جای گذاشته است. زن در پرتو حفظ این ارزش می‌تواند عامل نیرومندی در جهت حفظ سنت‌ها و روابط اجتماعی سالم و ارزش‌های انسانی و معنوی باشد. به همین دلیل حجاب به عنوان بارزترین نشانه هویت زن مسلمان به شمار می‌رود و ما به وضوح در کشورهای اسلامی، آثار وجودی آن را می‌بینیم و در کشورهای بی‌حجاب که با تجاوز استعمارگران، حجاب از میان رفته و یا کمرنگ شده، آثار زیانبار آن به خوبی مشهود و نمایان است. در این نوشتار به برخی از آثار حجاب اشاره شده است. مطلب را با هم از نظر می‌گذرانیم: ۱- استحکام نهاد خانواده از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی است. بارعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده دارای ثبات خواهد شد. خداوند در سوره نور می‌فرماید: «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا ینبذن زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن...» به زنان مؤمن بگو چشم‌های خود را از نگاه‌های هوس‌آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنید و زینت خود را جز از آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه افکنند...» قرآن کریم به زنان امر می‌کند تا همه بدن خود را به جز صورت‌ها و دست‌ها از مچ تا انگشتان پوشانند. این امر باعث ایجاد روابط صمیمانه زن و شوهر و منحصر شدن لذات جنسی به محیط خانواده و در محدوده ازدواج می‌شود. همچنین موجب می‌شود همسر قانونی در نزد فرد تنها عامل ارضای نیازهای جنسی تلقی شود و در نتیجه پیوند زن و شوهر محکمتر می‌شود و در نهایت به استحکام نهاد خانواده می‌انجامد. در حالی که زنان با خودآرایی و با پوشش مناسب در محیط اجتماع، زندگی خانوادگی خود و دیگر افراد جامعه را به خطر می‌اندازند و با کشاندن جاذبه‌های جنسی خود به کوچه و بازار، افراد جامعه را همیشه در حالت نوعی مقایسه قرار می‌دهند که این امر اختلافات زیادی را درون خانواده‌ها باعث می‌شود. پس اولین منافع و مضرات در رعایت و عدم رعایت حجاب به خود فراد برمی‌گردد؛ «من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها؛ کسی که عمل نیکی انجام دهد، نفع آن برای خود اوست و اگر بد کند، ضررش نیز بر علیه خود اوست.» یعنی با افزایش آمار برهنگی و بی‌حجابی، آمار طلاق و بی‌بند و باری نیز بالا می‌رود و در مقابل از تعداد ازدواج‌ها و روابط سالم خانوادگی کاسته می‌شود؛ زیرا با وجود روابط و معاشرت‌های بی‌قید و بند و بودن زنان بی‌حجاب و بزک کرده در سطح جامعه، ازدواج تنها به صورت یک مسئولیت سنگین و تکلیف و محدودیت و عملی پرهزینه جلوه می‌کند و طبیعتاً علاقه به ازدواج کمتر و کمتر می‌شود. و در نتیجه عدم گرایش جوانان به ازدواج، سلامت اخلاقی جامعه به خطر می‌افتد و دامنه فساد گسترش بیشتری پیدا می‌کند. این موج دامن بسیاری از خانواده‌های نوپا و دیرپا را خواهد گرفت. زنان و مردانی که در آغاز ازدواج‌های عشق‌گرم و خالصانه برای یکدیگر هستند، با وجود جامعه‌ای بی‌بندوبار و جذابیت به دنبال جدید و متنوع، در خانواده خود شور و جاذبه‌ای نمی‌بینند. چه بسا زنی که سال‌های متمادی در کنار همسر خود زندگی کرده و در غم و شادی در کنار همسرش بوده است و با مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کرده، کودکانی پرورش داده و حال به طور طبیعی چهره جوانی‌اش را از دست داده و اکنون نیازمند آرامش و زندگی پرعشق و عاطفه در کنار همسر خویش است. در این هنگام زنان جوان و باطراوتی که در اجتماع بدون حجاب، متاع هر کوچه و بازاری هستند، از راه می‌رسند و در مسیر زندگی او قرار می‌گیرند و اساس خانواده‌ای را که تا سال‌ها با رنج و سختی و امید و عاطفه رشد کرده را برهم می‌زنند. البته اگر مردان در چنین جامعه‌ای به تغییر قرآن حافظ نگاه خود باشند، بسیاری از این مشکلات قابل پیشگیری است. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم؛ بگو به مومنان که چشم فرو بندند و شرمگاه خود را حفظ کنند، این پاکیزه‌تر است برای آنها.» ۲- آرامش روانی دومین اثری که حجاب و عفت و رزی در جامعه به

وجود می آورد، ایجاد آرامش روانی و دوری از التهابات درونی است. عدم پوشیدگی زنان و معاشرت های بی بند و بار زنان و مردان همواره هیجان ها و التهابات جنسی را افزایش می دهد و در صورت پذیرش هر روز سرکش تر شده و به صورت یک بیماری و عطش روحی مطرح می شود؛ چرا که این میل تنها در جنبه های جسمانی آن مطرح نیست، بلکه دارای ظرفیت روحی وسیع و نامحدودی است که حتی جسم نمی تواند پا به پای آن به پیش رود. از سوی دیگر پاسخگویی به این نیاز هم همیشه به صورت دلخواه میسر نیست، در نتیجه احساس محرومیت و عقده های روانی، تعادل روحی فرد را بر هم می زند. در تحقیقات جدید ثابت شده زمانی که زمینه کامیابی و ارضای غرایز بعد از تحریک آن فراهم نباشد، اشخاص از نظر روانی، در فشار قرار می گیرند و رفته رفته ظرفیت عصبی آنان به انتها می رسد. در این هنگام به سرعت هورمون های آزاردهنده سمی در خون ترشح می شود و در زمانی کمتر از ۱۰ تا ۱۰۰ ثانیه مغز که با شبکه های ارتباطی به سراسر بدن وصل است، به کمک غده هیپوفیز و فرمان های مرکز هیپوتالاموس این سم را به همه اعضا روانه می کند. این معنا در تعبیری دقیق از امام صادق (ع) چنین آمده است: «نگاه به نامحرمان تیری از تیرهای زهر آگین ابلیس است.» در مقابل این نظریه افرادی هستند که عقیده دارند پوشش و ایجاد محدودیت در روابط و معاشرت ها باعث افزایش التهابات می شود. این افراد در واقع پیرو مکتب فروید هستند و معتقدند ناکامی های جنسی است که باعث محرومیت ها و اختلالات روانی است و اگر مدتی موضوعات و مسائل منفی عفت در جامعه رواج یابد، جذابیت آنها کاسته می شود و مردم نیز علاقه چندانی به آنها نخواهند داشت. استاد شهید، مرتضی مطهری در پاسخ به این افراد می نویسد: «این سخن ممکن است در مورد یک موضوع خاص و یک نوع بی عفتی بالخصوص صادق باشد، ولی در مورد مطلق بی عفتی ها صادق نیست. یعنی از یک نوع خاص بی عفتی خستگی پیدا می شود، ولی نه بدین معنا که تمایل به عفاف جانشین آن شود، بلکه به این معنا که آتش و عطش روحی زبانه می کشد و نوعی دیگر را تقاضا می کند و این تقاضا هرگز تمام شدنی نیست. خود راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می کند که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است آنچه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی.» نمونه بارز این سخن را می توانیم در حرمسراهای پادشاهانی همچون خسرو پرویز ببینیم که هزاران زن در حرمسراهای خود داشت، ولی باز هم تقاضای زنان جدید می کرد و یا در دنیای غرب که با رواج مکتب فروید و آزادی های مطلق جنسی نه تنها به بی علاقهگی نرسیدند، بلکه هر روز بر دامنه فساد افزوده می شود. این مساله به زنان و مردان محدود نیست بلکه هر روز آمارها و قوانین جدیدی در مورد تجاوز به کودکان و همجنس بازی را مشاهده می کنیم؛ چرا که روح بشر بسیار حساس و تحریک پذیر است و تنها با تعدیل و رام کردن غرایز سرکش است که سلامت روحی و روانی فرد تامین می شود. ۳- حفظ کرامت زن حفظ کرامت و شخصیت زن به وسیله حجاب و پوشش است. اگر نگوییم همه زنان، بیشتر زنان علاقه مندند جدای از زیبایی های جسمانی و خصوصیات ظاهری، مورد توجه قرار گیرند و قبل از اینکه نگاه جنسی به آنها شود، به عنوان یک انسان دارای فضیلت و دارای استعداد شناخته شوند و به اعتبار شخصیت انسانی شان در جامعه ارزشمند باشند، نه اینکه به خاطر زیبایی های جسمانی مورد ارزیابی قرار گیرند و بسیاری از کمالاتشان تحت الشعاع ظواهرشان ناشناخته و پنهان باقی بماند. اسلام نگاه دنیای امروز را به زن به عنوان یک کالای مصرفی و یک وسیله جنسی برای تبلیغ کالاهای مختلف و عاملی برای جذب مشتری و... نمی پذیرد. به همین دلیل است که حفظ هویت واقعی زن را در گرو پوشش و حجاب اسلامی می دانند. به طور طبیعی زنانی هم که می توانند با ویژگی های اخلاقی خاص و علم و دانش و بصیرت و کرامت نفس شناخته شوند، هرگز خود را ملعبه دست دیگر افراد از بوالهوسان جامعه تا استعمارگران و سیاستمداران و فعالان اقتصادی قرار نمی دهند و نیازی به خودنمایی و تجمل گرایی ندارند. در مقابل کسانی که بهره ای از هویت انسانی و سرمایه های معنوی و اخلاقی ندارند کمبود خود را با عرضه ظاهر و اندامشان در جامعه جبران می کنند و تنها به عنوان یک زن مطرح می شوند و نه به عنوان یک انسان و اگر هم استعداد و خلاقیتی دارند هرگز شکوفا نخواهد شد. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «کسی که کرامت و شخصیت انسانی، او را استوار نساخت، اهانت

و پوچی زندگی او را ادب خواهد کرد.» قرآن کریم هم حجاب را عاملی برای رعایت حرمت و احترام زن می‌شمارد و می‌فرماید: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین من جلابیهن ذلک أدنی أن یعرفن فلا یوذین و کان الله غفوراً رحیماً؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبات‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.» آیت الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «در هر بخشی و هر بعدی از ابعاد، برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست، منتها باید اندیشه‌ها قرآن‌گونه باشد؛ یعنی همانگونه که قرآن بین کمال و حجاب و اندیشه و عفاف جمع نمود، ما نیز در نظام اسلامی بین کتاب و حجاب جمع می‌کنیم؛ یعنی عظمت زن در این است که مردان بیگانه را نبینند و مردان بیگانه هم او را نبینند قرآن کریم وقتی از حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام‌گذاردن و حرمت‌قائل‌شدن برای زنی که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند؛ لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را بدون قصد تباهی جایز می‌دانند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند.» البته حجاب از منظر اسلام به معنای صرف پوشاندن نیست، قرآن کریم با بیانی لطیف در این باره می‌فرماید: «و یحفظن فروجهن» یعنی به زنان با ایمان بگو شرمگاهشان را حفظ کنند. تعبیر یحفظن به جای یسترن- که به معنای پوشاندن است- بدین منظور است که هدف حفظ کردن است، نه فقط پوشاندن. تنها پوششی که عامل تحریک و جلب نظر باشد، خواسته‌های متعال نیست؛ هدف از پوشاندن حفظ کردن است و البته که بدون پوشاندن حفظ کردن بی‌معناست؛ یعنی می‌توان خود را پوشاند، اما از نگاه و خطر حفظ نکرد. همان طور که افراد نمی‌توانند ادعا کنند که بدون پوشش خود را حفظ می‌کنند، نمی‌توان ادعا کرد که همیشه هر پوشیدن آمیخته با حفظ کردن است. فلسفه حجاب قرآن کریم علت و فلسفه حجاب را چنین بیان می‌دارد: «ذلک أدنی أن یعرفن فلا یوذین» یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند؛ چراکه آنها تجسم کرامت و عفاف در جامعه هستند و حرمت دارند. علامه طباطبایی در مورد این آیه می‌نویسد: «پوشاندن همه بدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند، نزدیک تر است. در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر اذیت نمی‌شوند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی‌گردند.» این فلسفه قرآن کریم را در مورد حجاب به راحتی می‌توانیم در جوامع امروز بشری به چشم ببینیم که چگونه آمار تجاوزها و باج‌خواهی از زنان در محیط‌های مختلف- چه اماکن آموزشی و چه در محیط‌های کاری مانند کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و ادارات- به طور وسیعی در کشورهای غربی افزایش یافته است. بسیاری از زنان در محیط کار خود با باج‌خواهی جنسی و ارباب و تهدید همکاران و مدیران ارشد خود، روبه‌رو می‌شوند. طبق بررسی‌ها مشخص شده است که آزار و اذیت جنسی در کشورهای صنعتی جهان باعث شده تا از هر ده زن یک نفر کار خود را رها کرده و بیکار شود. کسانی که از سوی کارفرمایان خود مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، عمدتاً با افسردگی روحی مواجه‌اند. گزارش سازمان ملل که با بررسی وضعیت ۲۳ کشور جهان تهیه شده است، می‌گوید این سوءاستفاده‌ها مدام در حال افزایش است و ۶۰ درصد زنان شاغل که مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند، به خاطر حفظ آبرو از شکایت علیه این آزارها صرف نظر می‌کنند. گذشته از این بحث، حجاب و پوشیدگی امری است که خود به خود باعث ارزشمندی زن و افزایش قدر و منزلت او می‌شود. این قاعده کلی جوامع انسانی است که هر اندازه چیزی به وفور و آسانی در دسترس عموم قرار گیرد، از ارزش آن کاسته می‌شود و اگر رسیدن به آن به راحتی میسر نباشد و دور از دسترس قرار گیرد، ارزش و اعتبار بیشتری پیدا می‌کند. زن و نیازهای جنسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. ویل دورانت در این زمینه می‌نویسد: «خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است... مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی‌آنکه بداند، حس می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.» همچنین در جای دیگر می‌گوید: «آنچه بجویم و نیابیم، عزیز و گرانبها می‌شود. زیبایی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می‌شود.» در روایات اسلامی تعابیری چون ریحانه در مورد زن به کار رفته که مظهر ظرافت و طراوت شمرده می‌شود. حجاب

وسيله ای برای حفظ طراوت و ظرافت قرار گرفته تا در میان چشم های ناپاک جامعه به پژمردگی کشانده نشود. قرآن کریم هم زنان بهشتی را که یکی از نعمت های بزرگ بهشت می داند، با وصف پوشیدگی و محجوبیت ذکر نموده است که دست احدی به آنها نرسیده است: «کامثال لؤلؤ المکنون؛ همانند مرواریدهای پوشیده و پنهان در صدف هستند.» «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثن انس قبلهم و لاجان کانهن الیاقوت و المرجان»؛ در آنجا زنان زیبایی هستند که پیش از آن دست هیچ انس و جنی به آنها نرسیده گویی یاقوت و مرجان هستند.» ۴- حفظ سلامتی زنان یکی دیگر از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری های مختلف است. نبود پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی بند و باری و لجام گسیختگی جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی زیادی را به دنبال دارد؛ در حالی که بسیاری از این عوارض و بیماری ها آفریده خود انسان ها هستند؛ بلاهایی همچون ایدز که همه ساله میلیاردها دلار صرف درمان و ساختن واکسن برای پیشگیری از آن می شود، توسط انسان های بی بند و بار به وجود آمده است. در کشورهایی که اصولاً اخلاقی رعایت نمی شود و از مذهب نیز فاصله گرفته اند، آمار مبتلایان بیشتر است. در مقابل کشورهایی که به اخلاقیات معتقدند و حجاب و پوشیدگی زنان نیز در آنجا بیشتر است، تعداد این بیماران کمتر است و هر جا که فرهنگ غرب و به دنبال آن فرهنگ برهنگی و بی بند و باری رواج می یابد، این بیماری ها نیز شیوع بیشتری پیدا می کند و همه اینها ساخته دست انسان های جاهلیت قرن بیستم است. امام رضا (ع) فرمودند: «هرگاه بندگان، گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی شدند، خداوند هم بلاهای تازه ای به وجود می آورد که تاکنون نمی شناختند.» ۵- استحکام جوامع اسلامی در برابر نفوذ بیگانگان با تمام آنچه گفتیم شاید مهم ترین اثر حجاب و دوری از فرهنگ برهنگی که امروزه به صورت یک بیماری رواج می یابد، حفظ استحکام و استواری جوامع است تا جایی که بی حجابی و گسترش برهنگی در کشورهای اسلامی، یکی از ابزارهای مهم بیگانگان در سیطره و تسلط بر آن کشورها شده است. استعمارگران برای استثمار ذخایر عظیم انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، نخست باید آنها را از درون تهی می کردند، برای همین باید هویت دینی از آنها گرفته می شد و حجاب از نشانه های ارزشمند و قدرتمند آن به شمار می رفت. برای این تسلط، زنان بهترین انتخاب بودند زیرا زنان بیشتر از مردان درگیر جنبه های ظاهری دنیا هستند و احساس و عاطفه نیز در آنها قوی تر است: «أو من ینشؤا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین؛ آیا کسی (را شریک خدا می کنند) که در زر و زیور پرورش یافته و در مجادله، بیانش غیر روشن است؟» در اینجا قرآن کریم دو صفت از صفات زنان که در غالب آنها دیده می شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می گیرد، مورد بحث قرار داده: نخست علاقه شدید آنها به زینت آلات و دیگری عدم قدرت کافی بر اثبات مقصود به هنگام مخاصمه و جر و بحث (کمبود قدرت استدلالی). جاسوسان زبده استعمارگران در کشورهای اسلامی با شناخت فرهنگ حاکم بر کشورهای مسلمان نشین مهم ترین مجاری و ابزار نفوذ در فرهنگ ملی و مذهبی آنها را همین امر تشخیص دادند. در همین راستا مستر همفر جاسوس کهنه کار انگلیسی می گوید: «در مسأله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید با استناد به شواهد تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی العباس متداول شده است و مطلقاً سنت اسلام نیست و چادر لباس قدیمی ایرانیان قبل از اسلام بوده و عبا لباسی است که خلفای عباسی برای زنان مسلمان رسم کردند. پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها راه بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه لازم است اول زنان غیرمسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند.» و اینگونه دنیای غرب با شناخت فرهنگ حاکم بر این کشورها همچنین وسیله قرارداد زنان و استفاده از سکس و برهنگی و با ارزش جلوه دادن آن و مقابله با حجاب و پوشش و روحیه عفاف، توانستند مردم را نسبت به مسائل و جریانات سیاسی و اجتماعی بی اعتنا سازند و به راحتی به غارت و چپاول ملل محروم و تسلط بر آنان مشغول شوند. آنها تمام کوشش خود را به رفع حجاب از زنان متمرکز کردند و با شعارهایی نظیر آزادی و رشد و ترقی زنان می خواستند آنها را از سنت های اسلامی و بومی

خود مانند تقید به ارزش‌هایی مثل عفت و پاکدامنی و پایبندی به خانواده دور کنند و این امر آغازی بود برای گسترش فحشا و بی بندوباری در میان اقشار مختلف مردم تا به تدریج روحیه بیگانه ستیزی و سلحشوری و غیرت دینی و ملی از آنها گرفته شود. البته این نکته نیز قابل ذکر است که اقدامات بیگانگان در زمینه کشف حجاب و کشاندن زنان به عرصه‌های بی‌عفتی با نام آزادی و پیشرفت و ترقی زنان تنها با انگیزه‌های سیاسی نبوده و نظام سرمایه‌داری غرب برای بازاریابی کالاهای تولید شده و داشتن مصرف‌کننده بیشتر همواره سعی در بهره‌کشی از زنان داشته است با از میان برداشتن حجاب و عفاف زنان و مسخ فرهنگی آنان، بازار مصرف آنها گرم و سود بیشتری به جیب کمپانی‌های بزرگ سرازیر می‌شود. پس مهم‌ترین مخاطب آنها جامعه زنان هستند؛ چون روح تجمل‌گرایی و زیبایی پرستی در آنان بیشتر از مردان است و بسیاری از آنها به راحتی تحت تأثیر تشعشعات خیره‌کننده زیبایی‌های ظاهری قرار می‌گیرند. با این حال بازهم حجاب سد راه آنهاست؛ چراکه در دنیای سرمایه‌داری اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده لایقی برای سرمایه‌داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد. پس از کشف حجاب است که مصرف‌زدگی به شدت رواج می‌یابد. در جوامع سنتی و دارای حجاب، جلوه‌گری و حس‌گریزی زنان در آراستگی مجال زیاد برای حضور در بیرون از خانه نمی‌یابد. پس زنان احساس نیاز نمی‌کنند که برای عقب‌نماندن از قافله مد، با کفش و لباس جدید برای عرضه اندام به کوچه و خیابان بیایند و بسان افرادی که هیچ فعالیت و مسئولیتی در مقابل خود و خانواده و اجتماع ندارند، بر سر کیف و کفش و لباس و... جدید با هم رقابت داشته باشند و سود این رقابت و رنگارنگ شدن هر روزه آنها به جیب سرمایه‌داران و تولیدکنندگان غربی برود. با وجود اینکه بسیاری از این مصرف‌ها غیرعقلانه و اسراف و تجمل‌پرستی است و مانند یک عطش روحی اشباع‌نشده هر روز گسترده‌تر می‌شود. .... منبع: روزنامه کیهان (ص: ۱) تاریخ: ۱۳۸۷/۰۳/۰۷

## آثار حجاب

در این نوشته برآنیم با توجه به آیات و روایات، آثار ارزشمند حجاب را همراه با خوانندگان خداجو و مؤمن، مرور نماییم-مطلب را با هم از نظر می‌گذرانیم: از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث برانگیز و جنجالی مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان‌ها را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن است. بعضی از کشورها رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم‌ها، دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت‌های آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و از این ناحیه، آسیب‌های اقتصادی به جامعه می‌زند و پیامدهای روحی و روانی برای خانم‌ها دارد. برخی کشورهای دیگر، قانون حجاب را مغایر آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می‌کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش اسلامی را به عنوان یک وظیفه و تکلیف، رعایت نموده و در اجتماع ظاهر می‌شوند؛ با شدت برخورد نموده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی، گرفتن گذرنامه و... محروم می‌کنند. آن‌هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه‌گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی‌های فردی و اجتماعی صحبت می‌کنند. انسان‌های مؤمن و موحد، حجاب را به عنوان تکلیفی الهی، تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می‌دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامت‌گران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی‌شوند؛ بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد؛ با عشق و علاقه، رعایت می‌کنند و به دیگران نیز توصیه می‌نمایند. (۱) بهره‌مندی از پاداش الهی هر دین و آیینی برای خود

احکام و دستوراتی دارد، پیروان ادیان و مذاهب، برای اثبات ادعای پیروی، چاره‌ای ندارند جز این که در عمل، ضوابط و قوانین دین و آیینشان را رعایت نموده و در زندگی خود به آن، عمل نمایند. در مکتب اسلام رعایت حجاب اسلامی از جمله احکام مسلم و قطعی و لازم الاجرا است که باید از سوی افراد مؤمن و مسلمان، رعایت شود. رعایت حجاب اسلامی از سوی مسلمانان علاوه بر آثار ارزشمند دیگر، پای بندی نسبت به احکام شرع و اطاعت از دستورات الهی را نشان می‌دهد که پاداش الهی را به دنبال دارد؛ لذا خدای سبحان پس از بیان یک سلسله احکام و دستورات، می‌فرماید: «تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله يدخله جنات تجري من تحتها الأنهار خالدین فیها و ذلك الفوز العظيم (۱): این‌ها مرزهای الهی است؛ و هرکسی، خدا و پیامبرش را اطاعت کند (و قوانین او را محترم بشمارد) خداوند او را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است و جاودانه در آن می‌ماند؛ و این پیروزی بزرگی است.» بنابراین، حجاب و پوشش اسلامی، اگر به عنوان انجام وظیفه و تکلیف الهی، رعایت شود، از مصادیق روشن اطاعت از دستورات خدا و پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می‌آید و اطاعت از خدا و پیروی از سنت پیامبر (ص) بر اساس آیات قرآن، اجر و پاداش جاویدان الهی را به دنبال خواهد داشت. (۲) آرامش روحی دسترسی به آرامش روحی و روانی، سهم قابل ملاحظه‌ای در پیروزی و موفقیت انسان داشته و دارد. کم نیستند انسان‌هایی که رسیدن به آرامش را به عنوان آرزوی نایاب، جست‌وجو می‌نمایند ولی به آن نمی‌رسند، به کارگیری دستورات سعادت بخش اسلام، موجبات آرامش روحی و روانی انسان‌ها را یقیناً فراهم خواهد نمود. و بالعکس عمل نکردن به آنها، آثار مخرب افسردگی روحی و روانی را به همراه خواهد داشت. رعایت حجاب اسلامی از جمله علل و عواملی است که تاثیر زیادی در ایجاد آرامش روحی و روانی دارد. برعکس، نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرت و بی‌بند و باری، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای هر دو طرف را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد و این همان اضطراب روحی و روانی است. غریزه جنسی، قوه نیرومندی است که هر چه افسار گسیخته‌تر باشد، طغیان و سرکشی او بیشتر می‌شود، اگر دختران و زنان در اجتماع، پوشش لازم را نداشته باشند از آثار و پی‌آمدهای طغیان و سرکشی این غریزه خطرناک درامان نخواهند ماند و سرانجام آرامش خاطر خود را به دریای موج و خروشان‌ی مبدل خواهند نمود. شهید مطهری (ره) در کتاب مسئله حجاب می‌نویسد: «چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و حتی در خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می‌شود.» (۲) بی‌حجابی باعث ایجاد هیجان‌های شدید در میان مردها مخصوصاً جوانان می‌شود چرا که غریزه جنسی نیرومندترین غریزه در فرد است که با عشو گری و آرایش و برهنگی زنان، این غریزه شعله‌ورتر خواهد شد، در چنین شرایطی جوانان یا باید به فساد و عیاشی و تجاوزگری روی آورند و به خواسته‌های قوه شهوانی جواب مثبت دهند و آرامش خود و دیگران را به خطر اندازند و یا با تخیل و تصور، با حالت افسرده و پریشان، زندگی بیمارگونه خود را ادامه داده آرامش خود و خانواده را برهم زنند. یکی از کارشناسان در این زمینه می‌گوید: «دوستانه می‌گویم که در تمام کلینیک‌هایی که با پسران جوان مبتلا به استمنا، ارتباط غلط، خودکشی کرده، فراری‌ها و... صحبت کرده‌ام، {متوجه شدم} همه ریشه از تحریک‌های جنسی توسط حضور دختران بی‌بند و بار در جامعه گرفته است، روزی هزاران نامه دریافت می‌کنم که حکایت از روان‌پریشی مردان جوانی دارد که با دیدن فلان شکل حضور زنان در جامعه به این روز افتاده‌اند.» (۳) خدای سبحان خطاب به همسران پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً (۴)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن‌نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید!» یعنی هنگام سخن‌گفتن، جدی و به‌طور معمولی سخن بگویید، نه همچون زنان کم‌شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند سخن

بگویند. (۵) اگر سخن گفتن با ناز و کرشمه، باعث تحریک شهوت مردان می‌شود، بی‌حجابی و بدحجابی به طریق اولی، آتش شهوت جنسی را در مردان شعله‌ور خواهد نمود. در مورد شأن نزول آیه ۳۰ به بعد از سوره نور، مفسران شیعه و سنی نقل کرده‌اند که: «روزی در هوای گرم مدینه، زن جوانی در حالی که رو سری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوش او، پیدا بود؛ از کوچه‌ای عبور می‌کرد. مرد جوانی از انصار، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا اینکه صورتش به شی‌ای اصابت کرد و مجروح گردید. هنگامی که به خود آمد، خدمت پیامبر (ص) رفت و جریان را برای او بیان داشت. این جا بود که آیات سوره مبارکه نور نازل گردید.» (۶) بنابراین، رعایت حجاب اسلامی، موجبات آرامش را هم برای خانم‌ها فراهم می‌نماید و هم برای آقایان. زیرا خانم‌ها با رعایت حجاب اسلامی در حقیقت احکام و دستورات الهی را عمل و رعایت کرده و از این طریق خود را به آرامش واقعی نزدیک می‌نمایند و از سوی دیگر مردان نیز با صحنه‌هایی که آتش شهوت را شعله‌ور می‌نماید کمتر مواجه شده در نتیجه دچار اضطراب و پریشانی نخواهند شد. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که نگاهش را کاهش دهد، قلبش آرام می‌گیرد». ۷ و نعمتی بالاتر از آرامش قلب وجود ندارد، این موهبت بزرگ الهی اگر در اعضا و افراد جامعه، محقق شود، جامعه نیز به تبع اعضا و افراد خود، دارای آرامش خواهد شد. (۳) تزکیه هدف اصلی تشریح احکام اسلامی، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید. از جمله اهداف بعثت انبیای الهی نیز تزکیه انسان‌ها ذکر شده است؛ خدای سبحان می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» ۸؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! از جمله آثار ارزشمند رعایت حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه نفس است؛ چنان که خدای سبحان می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم، و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهم و یحفظن فروجهن ولا یتذکرن زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن» ۹؛ ای رسول ما! مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این برای پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است. و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را برسینه افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند». خدای سبحان از زنان و مردان مؤمن می‌خواهد تا از نگاه کردن به نامحرم، خودداری نمایند؛ چرا که نگاه، اولین گام تحریک و جلب زنان و مردان به همدیگر است؛ به دنبال نگاه، زمینه کشش‌ها و پیامدهای بعد تا بدترین مراحل، فراهم می‌شود. در احادیث معصومین (ع)، نگاه به نامحرم و چشم‌چرانی به عنوان تیر زهر آلود شیطانی معرفی شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «نگاه (و چشم‌چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است چه بسیار نگاه‌هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت ۱۰». امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «کسی که نگاه را رها سازد، حسرت و تأسف او زیاد می‌شود ۱۱». و در جای دیگر می‌فرماید: «نگاه و چشم‌چرانی، پیشاهنگ تمام فتنه‌ها است.» ۱۲ در واقع، نگاه‌هایی آلوده، مسموم و شهوت‌انگیز، آتش درون را شعله‌ور می‌سازد که فرایند و محصولی جز فحشا، سیاهی دل، مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی، نخواهد داشت. چشم‌چرانی، دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می‌لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می‌شود. اگر انسان بر خواسته‌های نفس خود، حاکم و مسلط شود و آن‌گونه که خدای سبحان می‌فرماید: نگاه‌ها را از جذابیت‌های حرام، دور سازد، نقطه آغاز انحرافات بعدی را از خود دور ساخته و زمیناً تزکیه، خودسازی و رسیدن به جوار قرب الهی را درخود ایجاد نموده است؛ لذا خدای سبحان از جملاً آثار ارزشمند رعایت حجاب و خودداری از چشم‌چرانی و نگاه به نامحرم را تزکیه و خودسازی می‌داند. (۴) امنیت امنیت یکی از اصلی‌ترین نیاز انسان‌ها در



زندگی فردی و اجتماعی است؛ چرا که در سایه امنیت و آرامش، زمینه‌های تلاش و فعالیت و در ادامه آن، رشد و تکامل فراهم خواهد شد. در طرف مقابل، اضطراب و ناامنی، فعالیت‌های تکاملی انسان را در عرصه‌های مختلف زندگی متوقف می‌سازد. از جمله آثار ارزشمندی که رعایت حجاب اسلامی به همراه دارد، امنیت برای بانوان است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً»؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.» خدای سبحان در آیه شریفه، فلسفه رعایت حجاب اسلامی را مصونیت خانم‌ها از آزار و اذیت اراذل و اوباش و انسان‌های آلوده و شهوت‌طلب، معرفی می‌نماید. و این یک امر طبیعی است؛ اگر زنی بدون رعایت حجاب در کوچه و خیابان، ظاهر شود، چشمان پرگناه و آلوده انسان‌های شهوت‌ران و فرصت‌طلب، او را دنبال خواهند کرد و موجبات آزار و اذیت و ناامنی او را فراهم خواهند نمود. ولی در صورتی که زنان و دختران با رعایت کامل حجاب اسلامی و با وقار خاصی برای انجام فعالیت‌های روزانه در کوچه و خیابان رفت و آمد داشته باشند، کسی جرأت آزار و اذیت آنان را در خود نخواهد دید. اگر در احادیث و روایات معصومین (ع)، زن به عنوان ریحانه و شاخ گل، معرفی و تشبیه شده است، در ضمن تعبیر ظریف و زیبا، این نکته را نیز می‌رساند که باغبان و نگهبان این شاخ گل زیبا و ظریف، خیلی باید هوشیار و مراقب باشد و در حفظ و نگهداری آن، کمال دقت و تأمل را به خرج دهد؛ چرا که در صورت عدم دقت در حفظ و نگهداری، دستان بی‌رحم گلچین، او را پژمرده خواهد ساخت و سلامت و امنیتش را تهدید خواهد نمود. امروز یکی از معضلات اجتماعی جوامع متمدن که سنگ آزادی زن را به سینه زده و او را به نام آزادی، با پیکری عریان در صحنه اجتماع، وارد می‌سازند، مسئله امنیت زنان است. سیل تجاوزهای به عنف و حتی تجاوز به محارم و انواع خیانت‌ها و جنایت‌های دیگر، دنیا را برای زن ناامن نموده و امنیت را برای او به آرمانی دست‌نیافتنی تبدیل نموده است. گزارش‌های ناگوار و تکان‌دهنده‌ای که از رسانه‌های گروهی دنیا در این زمینه در اختیار افکار عمومی قرار داده می‌شود، نیز این مطلب را تأیید می‌کند و از بحران روحی و جنسی در جوامع امروزی خبر می‌دهد که هر دو، دست در دست هم داده و امنیت زن را خدشه‌دار ساخته و آسایش خاطر او را سلب کرده‌اند؛ در حالی که رعایت حجاب اسلامی می‌تواند تا حدودی این مشکل را حل کند و امنیت خانم‌ها را تأمین نماید. نتیجه آنکه حجاب و پوشش اسلامی به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی و شرعی مطرح است که رعایت آن علاوه بر این که عمل به تکلیف شرعی و پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می‌آید، باعث تزکیه و خودسازی انسان و بهره‌مندی او از اجر و پاداش جاویدان و همیشگی الهی در دنیای بعد از مرگ خواهد شد. در زندگی دنیوی نیز رعایت پوشش اسلامی، مقام و منزلت زن محجبه را افزایش داده و باعث آرامش و امنیت او، خانواده‌ها و جامعه خواهد شد. پی‌نوشتها: ۱- سوره نساء آیه ۳۱. ۲- مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری ص ۷۸. ۳- مجله زن روز، ۱۱ بهمن ۲۸۳۱، شماره ۲۱۹۳، ص ۶۵. ۴- سوره احزاب، ۲۳. ۵- تفسیر نمونه، ج ۷۱، ص ۸۸۲. ۶- تفسیرالمیزان، ج ۵۱، ص ۰۶۱. ۷- غررالحکم، عبدالواحد ص ۰۶۲. ۸- سوره جمعه، آیه ۲. ۹- سوره نور، آیه ۰۳ و ۰۱. ۱۰- وسایل الشیعه، ج ۰۲، ص ۰۹۱. ۱۱- غررالحکم ص ۰۶۲، کلام ۴۵۵۵-۲۱- مستدرک الوسائل، ج ۴۱، ص ۱۷۲. ۳۱- سوره احزاب، آیه ۹۵.

### حجاب مختص زنان !!!

حجاب و پوشش در جامعه دینی ما از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و خانواده‌ها اغلب سعی می‌کنند از کودکی ارزش این مسئله را برای فرزندان خود تفهیم کنند. در این میان شیوه‌های آموزشی و رفتاری مربی و خانواده می‌تواند نقش بسزایی را در موفقیت انتقال مفاهیم داشته باشد. چه اینکه اگر از روش‌های صحیح استفاده نشود شاید حتی نتایج عکس نیز داشته باشد و

جوانان را از پرداختن به وظایفشان در این زمینه دلزده نماید. در این مطلب دو دیدگاه را مورد بررسی قرار داده و شرح می‌دهیم که از طریق این دو نظریه چطور می‌توان انتقال دهنده‌های خوبی برای تفهیم موفق پوشش باشیم. از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی ۳ عنصر اساسی در فرهنگ وجود دارد؛ عنصر اول عنصر شناختی و باورهاست. عنصر دوم، عنصر احساسی و تمایلی است؛ یعنی آن باور یک احساس مثبت و یک احساس مطلوب داشته باشد و عنصر سوم ما هم همان بعد رفتاری است. اصطلاحاً ما می‌توانیم تمامی کالاها و فرآورده‌های فرهنگی اعم از کتاب، مجله، فیلم، عکس، سریال و هر چیز دیگری که تحت عنوان کالای فرهنگی یا فرآورده فرهنگی قرار می‌گیرد یا حتی رفتارهای فرهنگی مثل با حجاب بودن یا بی‌حجاب بودن یا بدحجاب بودن و یا پوشش ناقص داشتن یا پوشش کامل داشتن را به لحاظ حجاب در این رده قرار دهیم. پس ما ۳ نظام مشخص را با توجه به آن سه عنصر یا سه مولفه فرهنگی می‌توانیم ترتیب بدهیم یا بازشناسی کنیم؛ «نظام باورهای فرهنگی»، «نظام تمایلات و ترغیبات فرهنگی» و «نظام رفتارها، فرآورده‌ها و کالاهای فرهنگی». اگر ما قرار است یک پیام فرهنگی به جامعه مخابره کنیم یا ارزشی را در جامعه گسترده کنیم اولی بر این است که به ترتیب از نظام اول به نظام سوم حرکت کنیم؛ یعنی باید در ابتدا روی نظام باورها و شناخت افراد کار کنیم. بحث این تئوری این است که اگر ما قرار است یک پیام فرهنگی به جامعه مخابره کنیم یا ارزشی را در جامعه گسترده کنیم اولی بر این است که به ترتیب از نظام اول به نظام سوم حرکت کنیم؛ یعنی باید در ابتدا روی نظام باورها و شناخت افراد کار کنیم. انطباق آن با مسئله حجاب این است که تمامی آیات و روایات و استدلال‌هایی که به مسئله حجاب برمی‌گردد؛ استدلال‌هایی که حجاب را برای یک خانم و حتی یک آقا ضروری و موجه جلوه می‌دهد، از داخل و متن دین قابل استخراج هستند، حتی معطوف و ناظر به استدلال‌های ملی، دلایل ملی یا هویت ملی ما می‌توانند باشند. تمامی این نقطه‌نظرات را در این بخش، نظام باورهای ما باید به افراد منتقل کند. در نظام دوم ما به گونه‌ای باید نظام‌سازی کنیم که احساس زیبایی شناختی افراد در قالب فرآورده‌های فرهنگی، این حس را منتقل کند؛ مثل یک مجسمه، عکس، کتاب، تصویر، یک قطعه شعر زیبا و نقاشی که بتواند آن باور و حس زیبا را به ایجاد یک حس مثبت در درون فرد معطوف کند؛ یعنی زیبایی آن باور را برای آن فرد و در جان جامعه بتواند جایگزین و نهادینه کند. در نهایت هم ما باید انتظار داشته باشیم که اگر عنصر اول نظام اول را تشبیه به زمین می‌کنیم عنصر دوم ما تشبیه می‌شود به درختی که در این زمین می‌روید و عنصر سوم میوه‌ای است که این درخت می‌دهد. بنابراین اینها توالی منطقی دارند و برای اینکه یک پیام فرهنگی نهادینه شود به طریق اولی باید قطعاً اول زمین مناسبی را فراهم کنیم، روی آن زمین بعد از ریختن بذر، باید کاشت، داشت و برداشت مناسبی داشته باشیم و بعد بذر یا درخت مناسبی را برای ثمر دادن در آن بنشانیم و در نهایت وقتی آن درخت در آن زمین کاشته می‌شود از آن درخت انتظار دادن میوه‌های متناسب با آن درخت و آن زمین را خواهیم داشت. اگر این توالی منطقی رعایت شود می‌توانیم انتظار داشته باشیم که پیام‌های فرهنگی در جامعه نهادینه بشود. طبیعی است که «اختلال» وقتی به وجود می‌آید که ما این توالی را رعایت نمی‌کنیم، یعنی یا نظام باورهای ما مغفول واقع می‌شود یا در آن اهمال اتفاق می‌افتد و یا در آن نقص اتفاق می‌افتد، آن جامعیت تزریق باورها در آن اتفاق نمی‌افتد و مثلاً ناگهان ما وارد مرحله دوم می‌شویم یا اصلاً نه، یک‌دفعه از مرحله سوم شروع می‌کنیم؛ یعنی یک‌سری کالاها و فرآورده‌های فرهنگی می‌دهیم که قبل از آن کارهای هنرمندانه انجام نداده‌ایم تا آن حس زیبایی شناختی درباره حجاب در افراد ترغیب شود. یا اینکه قبل از آن اصلاً ما باورهای متناسب را به آنها نداده‌ایم که بخواهیم اجازه دهیم ظرفیت‌سازی در مورد حس زیبایی شناختی در آنها اتفاق بیفتد. بنابراین شما در هر مرحله‌ای اگر بخواهید میان بر بزنید و این ترتیب و توالی منطقی را رعایت نکنید در همه پیام‌های فرهنگی و از جمله حجاب و عفاف می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که آن فرد به طور ناقص از لحاظ فرهنگی جامعه‌پذیر شود یا فرهنگ‌پذیری در آن خیلی بد و با اختلال اتفاق بیفتد؛ یعنی اختلال فرهنگی به وجود می‌آید. برای توضیح بیشتر پدیده حجاب و عفاف در جامعه، خوب است از تئوری سیستم‌ها هم استفاده کنیم، طبق تئوری سیستم‌ها اگر یک تعریف حداقلی از سیستم بخواهیم بدهیم می‌گوییم «سیستم» عبارت است از مجموعه عناصری که با

یکدیگر در ارتباطند و می‌خواهند هدف خاصی را محقق کنند. این یک تعریف ساده و حداقلی است. تربیت یک فرزند دختر یا پسر عفیف و مقید به پوشش مناسب تنها با گفتگوی عملی و عنوان کردن خوبی‌ها و بدی‌ها میسر نیست. بلکه خانواده و جامعه باید با حمایت از یکدیگر زیر ساخت‌های مناسبی را برای آن فراهم کنند اگر این سیستم بخواهد روی نظام فرهنگی اعمال شود و شما اگر بخواهید پیام فرهنگی خاصی را از درون این نظام فرهنگی بیرون بیاورید باید یک مجموعه عناصر داشته. مثل خانواده که یک عنصر در نظام فرهنگی است که کار جامعه‌پذیری فرهنگی و انتقال ارزش‌ها و باورها را انجام می‌دهد. مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های ارتباط جمعی همه عناصر دیگری هستند و به همین ترتیب ما این عناصر را می‌توانیم داخل سیستم شناسایی کنیم. نظریه سیستم‌ها می‌گوید این عناصر نه تنها باید وجود داشته باشند بلکه باید با هم ارتباط سیستماتیک هم داشته باشند. و وقتی در پیام رسانی ضعف دیده می‌شود که اشکال اساسی در این قسمت ارتباطی دیده می‌شود. و در نهایت بعد از اینکه عناصر، ارتباط سیستماتیک با هم برقرار کردند قرار است هدفی تبیین شود. لذا برای نهادینه شدن حجاب باید اصولی و از بن و ریشه اقدام شود. تربیت یک فرزند دختر یا پسر عفیف و مقید به پوشش مناسب تنها با گفتگوی عملی و عنوان کردن خوبی‌ها و بدی‌ها میسر نیست. بلکه خانواده و جامعه باید با حمایت از یکدیگر زیر ساخت‌های مناسبی را برای آن فراهم کنند و تربیت را از پایه و اساس مستحکم و مستدل به صورت موجه شکل دهند. با توجه به نظریه سیستم‌ها اگر خانواده و اجتماع در یک سو با یکدیگر گام برندارند و در یک جهت آموزش ندهند نمی‌توانند مفاهیم با ارزشی مثل حجاب را به نحو احسن انتقال دهند. و یا بر طبق نظریه فرهنگی تا یک مفهوم به صورت باور در نیاید و یا زیبا قلمداد نشود نمی‌توان انتظار داشت تا مورد استقبال قرار گیرد. لذا باورها باید از کودکی شکل بگیرد و با الگوهای دوست‌داشتنی زیبا و جذاب نیز تلقی شود تا تمایل افراد را به خود جلب کند. ما به عنوان پدر و مادر تا چه حد بر باورهای فرزندانمان کار کرده ایم و در انتخاب محیطی که ارزش‌های همسو با خانواده داشته باشد دقت نموده ایم؟ دکتر شهلا باقری - ایران فراوری: کهنتری

### حجاب؛ خاموش کننده عطش غرایز

بعضی می‌گویند حجاب مایه عقب افتادگی است و مربوط به دوران‌های گذشته و انسان‌های بدوی می‌باشد، بعضی دیگر برای معلوم شدن میزان اعتبار پذیرش حجاب می‌گویند بهتر است آن را به فراندوم بگذاریم. کلمه «حجاب» در زبان عربی، هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حجاب و بیش‌تر به معنای دوم به کار می‌رود. شاید بتوان گفت که بر حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن هنگام پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می‌رود.

پوشش در ایران پدیده نوظهوری نیست. لباس ایرانیان باستان یکی از نشانه‌های عظمت و شکوه تمدن آن‌ها بوده است و به گفته مورخان زنان در ایران نیز جامه‌هایی بس باشکوه داشتند. در گذر سالیان دراز و پس از ظهور اسلام، ایرانیان دین اسلام را از جان و دل پذیرفتند و به دستورات آن گردن نهادند و پس از سایه گستر شدن دین اسلام بر زندگی ایرانیان، هر چیز معنای دیگری یافت و پوشش نیز همانند دیگر جنبه‌های زندگی آنان متأثر از دستورات اسلامی شد. احکام اسلامی که همانند شیره‌ای گوارا در کام ایرانیان ریخته شده بود، با ظهور و سقوط حکومت‌های خودکامه در کشور و استبداد حاکمان زورگو، نه تنها ذوب نشد بلکه در صدر فهرست زندگی ایرانیان جاخوش کرد. به این ترتیب زنان باتکیه بر ارزش‌های وام‌گرفته از شریعت و به پشتوانه ارزش‌های اسلامی بر حضور خود در اجتماع اصرار ورزیدند. تقاضای آنان و نیاز جامعه به وجود زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی راه توسعه اسلامی و انسانی ایران را هموارتر کرد و روز به روز آثار مثبت حضور آنان در جامعه بیشتر هویدا شد. زنان ایرانی که نجابت، قداست، پاکدامنی و حجاب را از نیاکان خود به

نیکی وام گرفته اند، در سال های حضور خود در جامعه با پشت سر گذاشتن بسیاری از محدودیت ها و تنگناها توانستند به مرزهای دست نیافتنی برسند و دوشادوش مردان در توسعه و پیشرفت ایران آباد و آزاد بکوشند. با این پشتوانه اسلامی- ایرانی گمان می رفت که مسائل زنان در بسیاری از حوزه های اجتماعی و فرهنگی حل شده باشد. اما به اذعان بسیاری از کارشناسان هنوز مسئله پوشش، یکی از مسائل بزرگ جامعه ما محسوب می شود و بدحجابی معضلی است که نه فقط جامعه زنان بلکه کل جامعه و حتی جامعه مردان را نیز به خود مشغول کرده است و آسیب های ناشی از پوشش نامناسب، گریبانگیر این قشر از جامعه نیز شده است. در این باره با دکتر شکوفه گل خو رئیس پژوهشکده زنان به گفت و گو پرداختیم. وی درباره پوشش گفت: در دوران امپراتوری عظیم روم و ایران پوشش وجود داشته است و طبق آثاری که هم اکنون در موزه های مختلف از جمله موزه سوریه وجود دارد، مشاهده می شود که زنان خاندان سلطنتی حریری را به عنوان پوشش روی سر قرار می داده اند که تشخیص و اعتباری خاص به آن ها می بخشیده است. آن ها به دلیل حرمتی که داشته اند پوشش متفاوتی از مردان به کار می بردند. هم چنین در ادیان مختلف پوشش مردان و زنان متفاوت بوده است. به این ترتیب مشخص می شود پوشش برای حرمت گذاردن به زن و قداست بخشیدن به او ریشه در تاریخ دارد و مختص دین اسلام نیست. البته حد و مرز پوشش برای زن نخستین بار در اسلام ارائه شد و در آیه های ۳۰ و ۳۱ سوره نور دقیقا این موضوع مشخص شده است. مردان به دلیل فیزیولوژی بدن از نگاه بیشتر تحریک می شوند و به همین دلیل زنان باید بیشتر خود را بپوشانند و از آن طرف به مردان توصیه می شود مراقب نگاه خود باشند نکته ظریف این جاست که اسلام با قراردادن حدود مرز پوشش زن، در واقع اجازه ورود او را به جامعه صادر کرده است. قرآن همواره خطاب به جامعه مسلمانان از کلمه «مومنین» و «مومنات» استفاده می کند که این نشان می دهد که زن پایه پای مرد در جامعه حضور دارد اما با توجه به حدود مرزی که برای او تعیین شده است. از سوی دیگر روح تمام دستورات دینی، یکی است و همگی براساس فطرت انسان ارائه شده است. طبق این تعریف پوشش فقط برای اعتلای شخصیت زن و مرد ارائه شده است. هم چنان که به مردان هم توصیه شده است که چطور لباس بپوشند یا نگاه خود را فرو ببندند. قوانین اسلامی جز برای سلامت روانی و اجتماعی مردم وضع نشده است. دکتر گل خو درباره علت تفاوت پوشش مردان و زنان گفت: این تفاوت منبث از ساختار فیزیولوژیک زن و مرد است. از آن جا که فیزیولوژیک زن و مرد با هم متفاوت است پوشش آن ها هم متفاوت است. شما نمی توانید برای دو جنس متفاوت یک نسخه بدهید. مردان به دلیل فیزیولوژی بدن از نگاه بیشتر تحریک می شوند و به همین دلیل زنان باید بیشتر خود را بپوشانند و از آن طرف به مردان توصیه می شود مراقب نگاه خود باشند. این تفاوت نشان می دهد ساختار جسمی آن ها تا چه حد متفاوت است و رفتارها و پوشش آن ها هم در اجتماع باید از این امر تبعیت کند. در واقع این دستورات ضامن سلامت اجتماعی است. به گفته وی اصل فلسفه پوشش بر این مبنا قرار می گیرد و مسائلی نظیر مد اسلامی و رنگ پوشش و غیره فرع قضیه است. اگر اصل این نظریه و صورت منطقی به جوانان تفهیم شود، بسیاری از مسائل حل می شود. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع ناشدنی در می آورد. غریزه جنسی مانند برخی صفات دیگر روحی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می شود اصول منطقی پوشش در صورت جاافتادن در جامعه نیاز به مداخله و مباحثه و غیره ندارد و درست مثل این است که بخواهیم درباره «بد بودن دزدی» سمینار بگذاریم! در تمام جوامع، حد و حدود حقوق اجتماعی دیگران قابل تعرض نیست و در جامعه اسلامی نیز یک خانم با پوشش نامناسب، آرامش روحی و روانی برادران دینی خود را بر هم می زند و این تعرض به حقوق اجتماعی آن هاست. در همین حال برخی خانم ها ادعا می کنند حقوق اجتماعی آن ها نادیده گرفته می شود، درحالی که این حقوق اجتماعی آقایان است که توسط خانم های بدپوشش مورد تعرض قرار می گیرد. به گفته وی خانمی که با هر پوششی در جامعه حاضر می شود فقط به خودش فکر می کند و جوان دیگری را دچار تضاد روحی، روانی می کند و آرامش

فکری و روحی او را برهم می‌زند. همان‌طور که وقتی در یک کتابخانه آرامش حاکم بر محیط را برهم می‌زند و دیگران برای خود حق اعتراض قائل می‌شوند، در صحنه اجتماع نیز باید نسبت به برهم‌زنندگان آرامش روانی و فکری جامعه که زنان بدپوشش هستند، اعتراض صورت بگیرد. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌ناشدنی در می‌آورد. گزینه جنسی مانند برخی صفات دیگر روحی گزینه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. اسلام به قدرت شگرف این گزینه سرکش توجه کامل دارد. روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، «خلوت با نامحرم» و «گزینه جنسی» در روابط زن و مرد، تدابیری مانند احکام نگاه کردن، پوشش و حرمت نکاح اندیشیده است. علاوه بر این بی‌حجابی و روابط آزاد جنسی، موجب فرسایش و کاهش نیروی کل اجتماع است. حجاب اسلامی نیروی مرد و زن را هدایت و بیمه می‌کند و هر کدام در امور مربوط به خود نهایت بازدهی را خواهند داشت، بدون این که این همه هزینه و نیرو و وقت از دو طرف ضایع شود. اسلام با اصل بیرون رفتن زن از خانه و تحصیل و فعالیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زن مخالف نیست، حتی بر مواردی همچون علم‌آموزی زنان سفارش می‌کند، اما همه این امور باید در چارچوب دستورات و معیارهای اسلامی باشد. این‌جاست که در صورت تعارض بین برخی فعالیت‌ها در بیرون منزل با اغراض و تکالیف دینی مثل همسررداری، تربیت کودکان و آلوده نکردن محیط و ترک گناه در هر شکلی، باید بر رعایت احکام و اهداف الهی پافشاری کرد. متأسفانه در بسیاری از موارد حضور افراطی و حساب نشده زنان در دانشگاه، اداره، کارخانه و جامعه، تبعات سوئی را به دنبال داشته و دارد. آنچه مانع تحرک جامعه و فعالیت‌های سازنده در ابعاد مختلف اجتماعی می‌شود، ستر زنان نیست، بلکه مانع حقیقی، پوشش نامناسب، اندام نیمه‌عریان، آرایش کردن، جلب جنس مخالف، گفت‌وگو و خندیدن و اختلاط در محیط کار، درس و بازار است. فراوری: کهرتیری بخش خانواده ایرانی منابع: روزنامه خراسان امید انقلاب :: اردیبهشت ۱۳۸۶ - شماره ۳۷۸

### حجاب، عامل افزایش اعتماد به نفس

رعایت مسأله عفاف و حجاب در بهداشت روان افراد بسیار تاثیر گذار است. به طوری که اضطراب و نگرانی را کم کرده، و موجب بالا رفتن اعتماد به نفس اشخاص می‌گردد. به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی نخستین جشنواره و همایش نور، دکتر سیما فردوسی، عضو هیات علمی دانشکده روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس برنامه‌های تلویزیونی ضمن بیان این مطلب گفت: جدیدترین تحقیقات نشان داده‌اند زنانی که مایل به نشان دادن خود به مردان غریبه هستند، به توانایی‌های درونی خودشان اعتماد کافی ندارند و از همین رو به سمت استفاده از جاذبه‌های ظاهری روی می‌آورند. مدیر سابق گروه روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، در ادامه به تفکرات تربیتی متفاوت به عنوان آفتی برای پرورش دینی کودکان و نوجوانان اشاره کرد و گفت: جامعه ما دارای تفکرات متفاوت و سبک‌های مختلف تربیتی است. بنابراین لازم است در مرحله اول پدران، مادران و معلمان مدارس نسبت به جایگاه و اهمیت حجاب توجه شوند تا در مرحله دوم با آموزش مفاهیم عفاف و حجاب از سنین خردسالی، بتوانیم شاهد شکل‌گیری یک جامعه دینی یکپارچه باشیم و نفاق‌ها و دوگانگی‌های شخصیتی موجود که بر اثر تربیت‌های چندگانه است، بر طرف شود. وی در مورد تاثیر رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های تصویری و نقش آن در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب تاکید کرد: مخاطبان در سنین نوجوانی و جوانی به صورت ویژه‌ای از رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های تصویری الگو می‌پذیرند. بنابراین لازم است رسانه‌ها به شکلی جذاب مسأله پوشش را برای مخاطبان مطرح کنند و ویژه برنامه‌هایی را با تکیه بر تحقیقات محکم ترتیب دهند که باعث جذب نوجوانان، و جوانان گردد.

## حجاب، چتر امنیت

فرهنگ، عفاف و پوشش منشا اصلی پیدایش لباس نیاز به محفوظ ماندن، عقیف ماندن و زیابودن است، اما اشتباه است اگر تصور کنیم که می‌توانیم این همه اختلاف و تنوع را که در لباس افراد در جوامع و دورانهای مختلف دیده می‌شود، تنها با در نظر گرفتن این سه اصل توجیه کنیم. تاثیر فرهنگ بر لباس مهم تر و کلی تر از آن است که از آن در ردیف سایر تاثیرها گفتگو کنیم. رابطه لباس و فرهنگ فرهنگ کلی ترین بخش و نگرشی است که یک جامعه نسبت به جهان دارد و اختلاف در لباس جوامع علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و... ناشی از فرهنگ ها و بینش های مختلف آنان است. نحوه لباس پوشیدن انسان بسته به این که برای جهان چه معنایی قائل باشد، خود را چگونه موجودی بشناسد، چه سرنوشتی برای خود تصور کند و سعادت خود را در چه بداند، تفاوت می‌کند. اگر در جوامع غربی مذهب و قانون تعیین کننده نوع پوشش نیست، نباید تصور کرد که مردم در انتخاب لباس آزادند. جامعه غربی با لباسی که برتن دارد، با ما سخن می‌گوید اگر به این سخن گوش دهیم فلسفه و فرهنگ غرب را خواهیم شنید. رابطه لباس غربی با فرهنگ غربی تمدن غرب، جلوه یک زندگی است که در آن دیگر معنویت و قدس اصالت ندارد و انسان موجودی نیست که حامل «روح الهی» باشد و بتواند خلیفه خدا در زمین شود. هیچ بهشتی او را به خود دعوت نمی‌کند، و ارزش زن به اندازه ارزش تن اوست. در چنین فرهنگی لباس وسیله ای برای پوشش تن نیست بلکه برای آرایش آن است و آنچه مدل لباس را تعیین می‌کند روانشناسی جنسی است و در حقیقت مبتکران مدهای تازه همواره در کار تنظیم نسبت میان برهنگی و پوشیدگی هستند تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس وحد کثراشتیاق را در آن جنس دیگر ایجاد نمایند. رابطه حجاب با فرهنگ اسلامی محدودیت هایی که برای غریزه جنسی در اسلام معین شده برای هدایت و رساندن انسان به مقصد است. تن، تنها بخشی از وجود انسان است، و انسان وظیفه خود را خطرتر از آن می‌بیند که تنها «بدن نمایی» و آرایش جسم پردازد... لباس به تن نمی‌کند که تن را عرضه کند، بلکه لباس می‌پوشد تا خود را بپوشد. لباس برای او یک حریم است به منزله دیواری و دژی است که تن را از دستبرد محفوظ می‌دارد و کرامت او را حفظ می‌کند. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آن که بر قدرت تحریک بیفزاید، لباس پوست دوم انسان نیست، بلکه خانه اول اوست. لباس و سر ضمیر آرایش و نوع لباس از سرزمین انسان خبر می‌دهد. همچنین لباس تحت تاثیر فرهنگ و معرف شخصیت افراد هست. میان شخصیت افراد و فرهنگ عمومی نیز ارتباطی قوی وجود دارد. نیاز به ابراز وجود خود به دیگران در جامعه فاقد ارزش های معنوی، به این دلیل است که تنها جامعه اصالت دارد و فرصت بودن و نشان دادن و لذت بردن تنها چند روزی است. در جامعه های غربی که نظام اداری محکم و تسلط دولتها بر آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی، افراد جامعه را روزبه روز به هم شبیه ترمی کند... فرد وقتی نتواند خود را از راههای منطقی و معقول ممتاز و مشخص کند به هراقدام دیگری دست می‌زند و سعی می‌کند با ایجاد هرگونه تغییری در شکل لباس و نوع آرایش سرو صورت توجه دیگران را به خود جلب کند و خود را از گم شدن در جامعه نجات دهد. چرا که او که به حقیقتی برتر از جامعه مثلا خدا معتقد نیست و گم شدن در جامعه را فناى شخصیت و مرگ خودمی‌داند. «منطق عفاف - ۱ زنی که تن و اندام خود را در معرض دید می‌گذارد می‌خواهد به جای انسانیت، با زنانگی خود جایی برای خود در دل ها یا شخصیت ها بیابد. در آن زمان کار به اینجا می‌کشد که دیگر از زن نه به عنوان یک موجود دارای شخصیت و هویت بلکه از اجزای بدن او صحبت می‌آید. ۲- بی بندوباری در پوشش، بی بندوباری در تحریک است و بی بندوباری در تحریک بنیاد خانواده را متلاشی می‌کند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است. اما پس از ازدواج هرچه زمانی می‌گذرد، نقش غریزه جنسی در حفظ دوام خانواده کمتر می‌شود و به جای آن نقش عشق، تفاهم و وفاداری در بقای خانواده بیشتر می‌شود. هم در اینجا باید گفت که بی حجابی ریشه رخت خانواده را می‌خشکاند... سخن آخر و اینک تمدن غرب، چنین وانمود می‌کند که می‌خواهد برای انسان لباس بدوزد... اما در حقیقت به جای آن که لباس برتن او کند، او را برهنه ساخته است. آیا در این جهان که

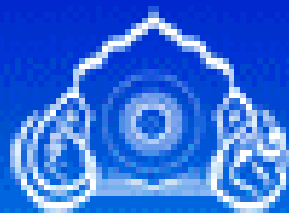
همه اسیر و شیفته تبلیغات غرب شده اند مردمی پیدا می شوند که دلی به پاکی آن کودک داشته باشند و فریاد برآورند که آنچه به نام لباس در غرب به تن انسان می پوشانند، لباس نیست، بلکه برهنگی است. چرا آن مردم، ما نباشیم؟ منبع: مرکز امور زنان و خانواده

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲

(۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۴۵(۲۳۳۳۳۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۰۹۵۳۰۶۲۱۰۶، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: ۵۳-۵۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رَهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

